

صاحب امتیاز: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی

مدیر مسؤول: احمد محبی

مدیر داخلی: عباسعلی بهاری

کارشناس اجرایی: مهین زرنگ

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

۱. دکتر محمدباقر آخوندی

استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه بیرجند

۲. دکتر حبیب احمدی

استاد جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شیراز

۳. دکتر بی بی اقدس اصغری

استادیار مردم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد

۴. دکتر محمدعلی بیدختی

استادیار پژوهش و هنر دانشگاه بیرجند

۵. دکتر هادی پورشافعی

دانشیار علوم تربیتی دانشگاه بیرجند

۶. دکتر محمدتقی راشد محصل

استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۷. دکتر مفید شاطری

استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند

۸. دکتر حبیب اله عباسی

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی تهران

۹. دکتر زهرا علیزاده بیرجندی

دانشیار تاریخ دانشگاه بیرجند

۱۰. دکتر احمد کامیابی مسک

استاد تئاتر و ادبیات دانشگاه تهران

۱۱. دکتر محمدرضا مجیدی

دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران

۱۲. دکتر جواد میکانیکی

دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند

ویراستار ادبی: سید نورالله نصراللهی

مترجم و ویراستار انگلیسی: دکتر کتایون زارعی طوسی

صفحه آرا: فائزه دستگردی

امور فنی و چاپ: انتشارات فکربر

قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰۰

نشانی دفتر نشریه: خراسان جنوبی، بیرجند، خیابان شهید محلاتی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان

جنوبی، دبیرخانه شورای پژوهشی

دورنگار: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۲۷۷

تلفن: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۳۹۳-۴

آدرس: <http://Farhangekhorasan.ir>

آراء و نظرهای مندرج در این شماره مبین نظرها و آرای فصلنامه نیست. نویسندگان و مترجمان، مسؤول نظرهای مندرج در نوشته خود هستند. نوشته‌های ارسالی که مناسب چاپ نباشند، پس فرستاده نمی‌شوند. فصلنامه در ویرایش و حذف مطالب آزاد است.

داوران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

- | | |
|----------------------------|---|
| ۱. دکتر محمدباقر آخوندی | استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه بیرجند |
| ۲. دکتر قاسم آهی | استادیار روانشناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند |
| ۳. دکتر محمد اسکندری ثانی | استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه بیرجند |
| ۴. دکتر محمدحسن الهی زاده | دانشیار تاریخ دانشگاه بیرجند |
| ۵. دکتر احمد بخشی | استادیار علوم سیاسی دانشگاه بیرجند |
| ۶. دکتر محمدعلی بیدختی | استادیار پژوهش و هنر دانشگاه بیرجند |
| ۷. دکتر ابوالفضل حسن آبادی | مدیریت اداره اسناد سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد
آستان قدس رضوی |
| ۸. سالم حسین زاده | مسئول اداره اسناد سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد
آستان قدس رضوی |
| ۹. دکتر مفید شاطری | استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند |
| ۱۰. دکتر اکبر شایان سرشت | دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند |
| ۱۱. دکتر حسین شکوهی فرد | استادیار برنامه‌ریزی درسی دانشگاه بیرجند |
| ۱۲. دکتر محمدرضا مجیدی | دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران |
| ۱۳. دکتر جواد میکائیکی | دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند |



به استناد نامه‌ی شماره ۱۳۹۶۰۱ مورخ ۱۳۹۱/۰۷/۰۴

کمیسیون بررسی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، فصلنامه

"مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان" حائز درجه‌ی علمی - ترویجی گردیده

است. پروانه انتشار این مجله به شماره ۹۲/۷۲۶۰ مورخ ۹۲/۳/۲۵ از وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی صادر شده است. فصلنامه مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان در پایگاه استنادی

علوم کشورهای اسلامی (ISC) به نشانی www.srlst.com و پایگاه بانک اطلاعات

نشریات کشور به نشانی www.into@magiran.com و پایگاه مجلات تخصصی نور به

نشانی www.noormags.com نمایه می‌شود.

شرایط پذیرش مقاله

فصلنامه علمی- ترویجی "مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان"، مقاله‌هایی در موضوعاتی با جهت‌گیری فرهنگ، تمدن، آداب و رسوم، تاریخ، جغرافیا و آموزش در گستره‌ی خراسان که با توجه به نکات زیر تدوین شده باشد، منتشر می‌کند.

۱. ساختار مقاله دارای چکیده، مقدمه، بیان مسأله، روش‌شناسی، یافته‌ها، نتیجه، منابع و نیز ارجاعات دقیق و در صورت لزوم پیوست‌ها باشد.

۲. مقاله در محیط واژه پرداز Microsoft Word 2007 و قلم B nazanin، اندازه ۱۴ از طریق رایانامه به نشانی Daftarehnashriyeh@yahoo.com ارسال شود. صفحات مقاله حداکثر ۲۰ صفحه و هر صفحه ۲۴ سطر باشد.

۳. چکیده فارسی بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ کلمه باشد و چکیده انگلیسی هم، همراه مقاله باشد.

۴. معادل‌های لاتین اسامی غیرفارسی و اصطلاحات غیر رایج با علامت شماره‌گذاری مستقل برای هر صفحه، در پانویس آورده شود.

۵. جداول، نمودارها، نقشه‌ها و عکس‌ها (حداقل درجه وضوح 300 dpi)، با شماره و عنوان گویا آورده شود.

۶. ارجاعات درون متنی با ذکر نام خانوادگی نویسنده، سال نشر منبع و شماره صفحه مورد استفاده، درون کمانک آورده شود. مثال: (رضوانی، ۱۳۸۳: ۹۲).

۷. فهرست منابع در انتهای مقاله و بر اساس حروف الفبا همراه با مشخصات کامل کتابشناختی مطابق نمونه‌های ذیل آورده شود.

۷-۱- کتاب

باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۷۹). *از سیر تا پیاز*. تهران: نشر علم.

۷-۲- مقاله

شاطری، مفید (۱۳۸۵). "گذاری بر جغرافیای تاریخی قهستان". *فرهنگ خراسان جنوبی*، سال اول، ش ۱ (بهار): ۴۹-۶۶.

۷-۳- مجموعه مقالات همایش

میکانیک، جواد (۱۳۸۹). "اثرات مهاجرت‌های روستایی بر ساختار جمعیتی و ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی". در: مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش مهاجرت، نظم و امنیت، ج ۱. مشهد: فرماندهی انتظامی استان خراسان رضوی، دفتر تحقیقات کاربردی: ۷۳-۹۱.

۷-۴- پایان نامه

علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۷۰). "رویارویی اهل شریعت و اهل طریقت در عصر صفوی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.

۷-۵- گزارش‌های چاپ نشده

سروش، محمدرضا (۱۳۸۵). گزارش فصل اول آواربرداری قلعه کوه قاین. بیرجند: اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی [چاپ نشده].

۷-۶- وب‌گاه‌های اینترنتی

فاضلی، نعمت (۱۳۸۶). "شهروندی فرهنگی و فرهنگی شدن شهروندی". [پیوسته] قابل دسترس در:

<http://WWW.farhangshenasi.com/article/s/9/5/html>. [۱۳۸۸/۸/۲]

۸. نام و نام خانوادگی، وابستگی سازمانی نویسندگان، میزان تحصیلات و رشته مربوطه، نشانی کامل پستی (نام استان، شهر، رایانامه)، شماره تلفن ثابت یا همراه و دورنگار نویسنده بر روی صفحه‌ی جداگانه درج گردد. چنانچه مقاله بیش از یک نویسنده داشته باشد، ضمن مشخص کردن نویسنده مسؤول عهده‌دار مکاتبات، اسامی سایر نویسندگان هم به ترتیب ذکر شود.

۹. مقاله ارسالی نباید به منظور چاپ در دیگر مجلات ارسال شده باشد.

مقاله‌های دریافت شده، نخست توسط هیأت تحریریه مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در صورت تأیید، برای دو نفر از داوران صاحب‌نظر ارسال خواهد شد. مقاله‌ها ابتدا به ترتیب تاریخ دریافت و سپس به ترتیب دریافت نظر مثبت داوران منتشر می‌شوند.

فهرست مطالب

نقش تطبیق علت - پیامد در اولویت‌بندی انگیزه‌های جوانان از تحصیلات دانشگاهی،

مورد مطالعه: جوانان گناباد

مریم اسکافی، حمید مسعودی ۷

بررسی هرمنوتیکی مفهوم قدرت سیاسی در شهریار ماکیاولی و ادب نامه نزاری

مسلم خسروی زارگز، سمیه حمیدی، لیلا برکی ۳۱

تحلیل جامعه‌شناختی شاخص‌های سرمایه فرهنگی و عوامل مؤثر بر آن، مطالعه

موردی: دانشجویان دختر دانشگاه‌های پیام‌نور و آزاد اسلامی قاین

محمدحسن شربتیان، زهرا اسکندری ۵۷

بررسی اسنادی خدمات خاندان هردنگی به مزار دهک و نقش آن‌ها در رسیدگی به

موقوفات و امور وابسته به این مزار (۱۲۳۲ تا ۱۴۰۴ ق.)

کمال غوث، سالم حسین‌زاده، حمیده جلیلی ۸۵

تطبیق معماری با اقلیم بر اساس شاخص‌های حرارتی، نمونه موردی: اقلیم سرد و خشک مشهد

سعید کامیابی، ندا میرزائی ۱۱۹

بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به

شهر در شهرستان‌های خواف و رُشت‌خوار، نمونه موردی: شهرهای نشتی‌فان، سلامی و جنگل

مهدی یوسف‌نیا، علی اصغر مهاجرانی، منصور حقیقتیان ۱۴۳



نقش تطبیق علت - پیامد در اولویت‌بندی انگیزه‌های جوانان از تحصیلات دانشگاهی، مورد مطالعه: جوانان گناباد^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۸/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۱۰

مریم اسکافی^۲

حمید مسعودی^۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر، اولویت‌بندی کارکردهای تحصیلات دانشگاهی براساس ترکیبی از نظریه‌ی تطبیق علت - پیامد و نظریه‌ی کنش اجتماعی پارسونز است. روش تحقیق پیمایشی و در پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته، مقیاس برش قطبین به کار گرفته شده است. در این روش، از ۴۷۱ جوان شهر گناباد خواسته شده است تا براساس محرک "فارغ‌التحصیل دانشگاه" به کارکردهای تحصیلات دانشگاهی نمره دهند. پاسخگویان کارکردهای تحصیلات دانشگاهی را "در حد متوسط" ارزیابی کرده‌اند. کارکرد اجتماعی (کسب منزلت و موقعیت‌های بهتر اجتماعی)، فرهنگی (کسب دانش و داشتن ذهن باز و خلاق)، سیاسی (قدرت فردی و سازمانی) و اقتصادی (فرصت شغلی مناسب، درآمد کافی و کارایی در جامعه) به ترتیب، در اولویت کارکردهای تحصیلات دانشگاهی از دید این جوانان قرار دارند. جنسیت، سن، مقطع تحصیلی (دانش‌آموز، دانشجو و فارغ التحصیل)، وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال و علاقه برای ورود به دانشگاه، بر میزان کارکردهای تحصیلات دانشگاهی از منظر جوانان مؤثر است و عوامل فوق در رگرسیون رتبه‌ای، در مجموع، حدود ۱۳ درصد تغییرهای متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

واژگان کلیدی: دانشگاه، جوانان، کارکردهای تحصیلات دانشگاهی، مدل AGIL پارسونز

۱. این پژوهش با حمایت مالی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد انجام شده است.

۲. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد، نویسنده مسؤول

۳. دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی توسعه اقتصادی و اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد
meskafi@yahoo.com
massoudihamid@gmail.com

مقدمه

امروزه ورود به آموزش عالی به رفتاری جمعی مبدل شده است؛ تا جایی که اهالی علم از این پدیده به عنوان یک "تقاضای اجتماعی" یاد می کنند. جامعه شناسی آموزش عالی، شاخه‌ی جدیدی است که عهده دار تبیین و توضیح نقش، کارکرد و تأثیرهای اجتماعی نظام آموزش عالی است (صالحی، ۱۳۸۸: ۱۰). براساس نظریه‌ی سرمایه‌ی انسانی، افراد زمانی به سرمایه‌گذاری مالی در آموزش می‌پردازند که سودآور باشد. آنچور و دیگران (2011: 675) Anchor & et al, برخی تحقیقات اسدیگی، نادری و انتظاری، ۱۳۹۲؛ بیرن و دیگران (Byrne & et al, 2012)؛ کمبر، هو و هونگ (Kember, Ho & Hong, 2010)؛ ظهیری نیا و بهروزیان، ۱۳۹۱؛ جیانلی و مونفردینی (Giannelli & Monfardini, 2000)؛ هاشمی پور، نوابی و سرداری، ۱۳۹۰؛ حقیقت نائینی، ۱۳۹۰؛ احمدی و خضری، ۱۳۹۰؛ احمدی، الوند و قهرمانی، ۱۳۹۰؛ داویس، نولند و دیتون (Davis, Noland & Deaton, 2001) مؤید این دیدگاه است. دیدگاه‌های سیاسی و فمینیستی، تحصیلات دانشگاهی را عامل برابری و افزایش قدرت در زنان می‌دانند (محمودیان و رشوند، ۱۳۹۱؛ لیاقت‌دار و دیگران، ۱۳۸۸؛ حیدری، صالحی عمران و منتظری جویباری، ۱۳۸۸). دیدگاه‌های فرهنگی هم، سعی در بررسی این پدیده از بعد اجتماعی و فرهنگی دارند، مک نیلا و گانون (MacNeela & Gannon, 2014)؛ ایزدی و دیگران، ۱۳۹۳؛ توکلی، ۱۳۹۲؛ پیرزهی و بهروان، ۱۳۹۲؛ خواجه سروی و علی احمدی، ۱۳۹۱؛ جمالی و سیف، ۱۳۹۱؛ کلدی و فلاح، ۱۳۸۸؛ فاتحی و دیگران، ۱۳۸۸). براین اساس، هر دیدگاهی جنبه‌ای خاص از تحصیلات دانشگاهی را بررسی نموده است. تحقیقات بسیار محدودی، از جمله آراسته، بهرنگی و شریفی حسین آبادی (۱۳۹۱) نگاه چندجنبه‌ای داشته‌اند. لذا انجام این تحقیق از چند جنبه دارای اهمیت است. اول این که در برخی تحقیقات چوکوودی، فلیکس اروندو و آنووزمب (Chukwudi, Felix Erondy & Onwuazombe, 2012)؛ قره‌آغاجی و میراحدی، ۱۳۹۳؛ صادقی و باقریان، ۱۳۹۲؛ پیرزهی و بهروان، ۱۳۹۲؛ پرولد (Perold, 2012)؛ حقیقت نائینی، ۱۳۹۰؛ سعیدی رضوانی، محمد حسین زاده و باغلی، ۱۳۸۹؛ سعادت و محقق، ۱۳۸۸)، نتایج ضد و نقیض مشاهده می‌شود. برخی

تحقیقات دیگر (زارعی، عزیزی و کاظمی، ۱۳۹۳؛ پورامیری، خلیلی و شکوهی، ۱۳۹۲؛ مهربان، داداش خواه و کریمی، ۱۳۹۱؛ قاسمی تودشکچوئی، رحمانی و نیک فرجام، ۱۳۹۰)، نتایج دیگری به صورت تقریباً منفی داشته اند. محقق در این پژوهش، با استفاده از مدلی جدید و به کمک کارکردهای چهارگانه ی نظریه کنش اجتماعی پارسونز^۱، دانشگاه را به مثابه نظامی فرهنگی می بیند که چهار خرده فرهنگ دارد که هریک کارکرد خاص خود را دارند. از طرف دیگر، محقق در نظر دارد مقایسه و همسویی بین این ابعاد چهارگانه را نیز به دست آورد و براساس آن مشخص کند سهم هریک از ابعاد چهارگانه ی کارکردهای دانشگاه براساس ارزیابی جوانان چگونه است تا بتوان براساس آن، به طور غیرمستقیم انگیزه های ورود به دانشگاه را رتبه بندی کرد. بنابراین سؤالات پژوهش عبارتند از:

- کارکردهای تحصیلات دانشگاهی در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از منظر پاسخگویان در میان جامعه ی آماری و به صورت تفصیلی در میان افراد مورد مطالعه چگونه است؟

- رتبه بندی پاسخگویان از میزان کارکردهای تحصیلات دانشگاهی در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی چگونه است؟

- آیا کارکردهای تحصیلات دانشگاهی از نظر سه دسته ی جامعه ی آماری (دانش آموزان، دانشجویان و فارغ التحصیلان) متفاوت است؟

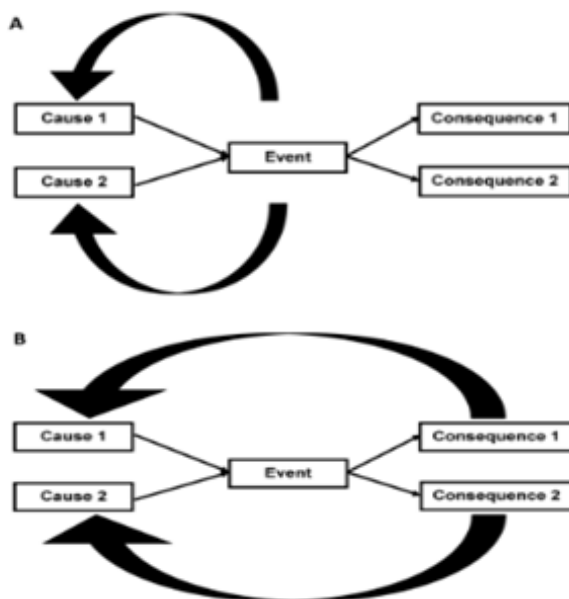
- آیا کارکردهای تحصیلات دانشگاهی از نظر پاسخگویان (براساس متغیرهای زمینه ای مثل جنس، سن، وضعیت تأهل، پایگاه خانوادگی، وضعیت در خانواده، وضعیت اشتغال، رشته ی تحصیلی فرد پاسخگو و علاقه به ورود به دانشگاه و نوع دانشگاه) متفاوت است؟

چارچوب مفهومی پژوهش

شارون و نلسون (Sharon & Nelson, 2002: 137) نقش کارکردی نگرش را در دسته ای از تئوری های توصیف کرده اند که بر انگیزه ها یا کارکردهایی توجه دارند که

نگرش‌ها آنها را برای فرد به خدمت می‌گیرند. نگرش، مفهومی است که به معنای ارزیابی نیز به کار می‌رود. «درباره‌ی این مفهوم تعاریف زیادی وجود دارد. این واقعیت که ما گرایش داریم جنبه‌های گوناگون زندگی اجتماعی را ارزیابی کنیم، یکی از مؤلفه‌های اصلی بسیاری از این تعاریف را تشکیل می‌دهد. از این منظر می‌توان گفت، یک تعریف، به لحاظ کارکردی مناسب است. نگرش در واقع به ارزیابی هر جنبه‌ای از جهان اجتماعی اطلاق می‌شود (Tesser & Martin, 1996)، نقل در بارون، برن و جانسون، ۱۳۸۹: ۲۰۴». «این تعریف از نگرش تلویحاً این جنبه را نیز دربرمی‌گیرد که ارزیابی ما از اشیاء، اشخاص یا رویدادها تا چه حد مثبت یا منفی است. براساس تعریف دیگر، نگرش‌ها تداعی‌های ارزیابانه‌ی اندوخته در حافظه هستند (Fazio & Roskos-Ewoldsen, 1994)، نقل در بارون، برن و جانسون، ۱۳۸۹: ۲۰۴». بنابراین در این تحقیق، محقق دیدگاه جوانان را از جنبه‌ی این گونه نگرش‌های کارکردی بررسی می‌کند زیرا نگرش‌ها، براساس این نظریه، خود بیانگر انگیزه‌های آنان نیز هست. یعنی در واقع، انگیزه‌ها می‌تواند براساس کارکردها مشخص شود. در این زمینه نظریه‌ای مطرح است که افراد، پیامدهای وقایع را، علت در نظر می‌گیرند. براساس مقاله‌ی لبوف و نورتون، (Leboeuf & Norton, 2011: 128) «افراد به طور غیرعادی پیامدهای وقایع را به عنوان علت وقایع بیان می‌کنند. اشارات پاسخگویان درباره‌ی علت وقایع، به طور نظام‌مند تحت تأثیر این امر قرار می‌گیرد که آن علل (از نظر اندازه و فایده) چقدر شبیه پیامدهای آنهاست، حتی وقتی پیامدها از نظر عینی در رابطه با علت‌ها، بی‌فایده باشند. در حالی که ممکن است آن پیامد نسبت به علت بسیار کوچک باشد. این موضوع با نام "تطبیق علت - پیامد" شناخته شده است که می‌تواند بر نگرش‌ها و ارزیابی‌ها نسبت به موضوعات مختلف مؤثر باشد و ایجاد شود زیرا مردم، معمولاً جهان را قابل پیش‌بینی می‌بینند و به همین دلیل، این تطبیق طرحی در دسترس است که به آنها کمک می‌کند این انگیزه تقویت شود». این نویسندگان مطرح می‌کنند که در برخی موارد، با این که چنین استدلال‌های بسیار استثنائی هستند، «مردم به طور فراوان و نظام‌مند اجازه می‌دهند که پیامدهای موضوعی خاص، علل آن

را تحت تأثیر قرار دهد. مخصوصاً ایشان بیان می‌دارند که افراد نه تنها از این اطلاعات درباره‌ی یک رویداد کانونی برای بیان علل آن استفاده می‌کنند (شکل ۱، A)، بلکه هم چنین از این اطلاعات درباره‌ی پیامدهای نهایی وقایع سازنده‌ی چنین استنباطاتی استفاده می‌کنند (شکل ۱، B). حتی وقتی آن پیامدها به طور قراردادی تعیین شوند و سابقه بی‌فایده‌گی نیز درباره‌ی آن رویداد کانونی داشته باشند» (همان: ۱۲۹). این دو نظریه پرداز اظهار می‌دارند که مخصوصاً این گونه استنباطات علیّی ممکن است به وسیله تطبیق پیامدها مشخص شده باشند، زیرا افراد فرض می‌کنند برای مثال، که انجام یک امر وقتی دارای علل بزرگ‌تر (نسبت به علل کوچک‌تر) است که پیامدهای بزرگ داشته باشد و زمانی علت‌های خوب بیشتری دارد که احتمالاً پیامدهای خوب داشته باشد» (همانجا). «فرض این نظریه این است که افراد تمایل دارند "تطبیق علت- پیامد" را بکار گیرند و اثر ادراکی علت این تمایل است. این تطبیق نه تنها می‌تواند فرایند ادراک طبیعی یا افراط بی‌طرفی میان‌بر را منعکس نماید، بلکه می‌تواند پایه‌ی انگیزشی داشته باشد» (همان: ۱۳۰). وقتی افراد بفهمند که جهان قابل پیش‌بینی است، ممکن است این حقیقت را نادیده بگیرند که بعضی پیامدها به طور دلخواه یا به وسیله‌ی شانس تعیین می‌شوند و به جای آن بین پیامدهای یک واقعه و علتش قانون برقرار نمایند. این اتفاق مخصوصاً می‌تواند به شکل "تطبیق علت - پیامد" باشد؛ زیرا افراد به طور طبیعی مثال‌های متعددی مشاهده می‌کنند که در آن علت‌ها و پیامدها از نظر فایده یا شناخت مانند یکدیگر هستند. بنابراین این نظریه‌پردازان پیشنهاد می‌کنند که "تطبیق علت- پیامد" می‌تواند تصویر A را در شکل ۱ ایجاد کند. زیرا علل و پیامدهای ادراک‌کننده به طور نظام‌مند، انگیزه را برای دیدن جهان قابل پیش‌بینی و B در شکل ۱ برانگیخته می‌سازند، زیرا این تطبیق مخصوصاً به صورت طرح علیّی در دسترس است که در آن مردم می‌توانند به تشخیص چنین رابطه‌ی نظام‌مندی تکیه کنند (همانجا).



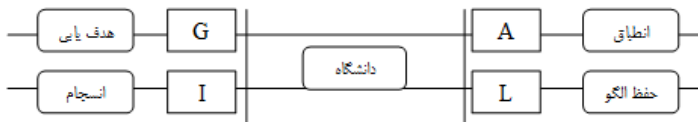
شکل ۱) دو مدل از استدلال علی

منبع: (Leboeuf & Norton, 2011: 129)

نکته: افراد می‌توانند نه تنها به وقایع برای پی بردن به علل وقایع بنگرند (A یا الف)، بلکه ممکن است هم‌چنین به پیامدهای واقعه (بی فایده بودن واقعه) نیز برای پی بردن به علل وقایع بنگرند (B یا ب).

بنابراین محقق در این مقاله درصدد این است که نشان دهد "تطبیق علت- پیامد" از جنبه‌ها و جهت‌های متنوعی پدیدار می‌شود و جوانان از این تطبیق برای بیان دیدگاه‌های خود درباره کارکردهای تحصیلات دانشگاهی استفاده می‌کنند. محقق با توجه به واکاوی پیشینه‌های تحقیق از جنبه‌های مختلف، سعی کرده است که این جوانب را طوری در نظر بگیرد که تصویر جامعی از کارکردهای تحصیلات دانشگاهی ارائه دهد. براساس نظریه‌ی کنش اجتماعی پارسونز، دانشگاه به عنوان یک نظام فرهنگی چهار کارکرد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دارد که برای ادامه بقای خویش باید به نیازهای

متنوع اعضایش در قالب این چهار خرده نظام پاسخ دهد. اساس این چهارکارکرد در نظام سلسله مراتبی سیبرنتیک پارسونز، سطوح واقعیت اجتماعی با چهار ضرورت است، زیرا چهار سطح برای واقعیت اجتماعی وجود دارد که هر کدام به زعم وی یک کارکرد مهم و ضروری دارد.



شکل ۲) خرده نظام های دانشگاه براساس مدل پارسونز

پارسونز برداشت روشنی از سطوح واقعیت اجتماعی و نیز روابطشان داشت و تنظیم سلسله مراتبی این سطوح واقعیت نیز آشکار است. این سطوح در نظام پارسونز به دو شیوه ترکیب شده اند. نخست، آن که هریک از سطوح پایین تر، شرایط و انرژی مورد نیاز را برای سطوح بالاتر فراهم می کند. دوم این که سطوح بالاتر سطوح زیرین خود را در این سلسله مراتب تحت نظارت دارند. از جهت محیط های فعالیت نظام کنش، پایین ترین سطح که همان محیط جسمانی و سازمانی این جنبه های غیرنمادین بدن انسان، ساختمان بدنی و اعضایش را شامل می شود. در بالاترین سطح، واقعیت غایی قرار دارد که به نظر جکسون توبی^۱ از صبغه ای مابعدطبیعی برخوردار است. اما باز هم به گفته ی توبی، پارسونز این واقعیت را یک امر فراطبیعی نمی نگرد، بلکه منظورش از آن گرایش کلی جوامع بشری به برخورد نمادین با عدم قطعیت ها، دلواپسی ها و فجایع زندگی بشری است که با معنی دار بودن سازمان اجتماعی تعارض دارند (ریتزر، ۱۳۸۹: ۱۳۲).

روش شناسی پژوهش

روش این پژوهش پیمایش، مقطعی و واحد تحلیل و مشاهده، در سطح خرد (جوانان) هستند. روش جمع آوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته براساس طیف برش قطبین

است. جامعه ی آماری پژوهش، شامل جمعیت جوان (۱۵ تا ۳۰ سال) ساکن شهر گناباد است که براساس آمار سرشماری ۱۳۹۰ مرکز آمار ایران، ۲۰۰۲۸ نفر هستند. براساس فرمول حجم نمونه $(n = \frac{Nt^2S^2}{Nd^2 + t^2S^2})$ تعداد ۴۶۹ نفر نمونه به دست آمد که محقق برای دقت بیشتر، ۵۰۰ نفر در نظر گرفت. از این تعداد، ۴۷۱ نفر به طور دقیق به پرسش نامه ها پاسخ دادند. در این فرمول $t = 1/96$ که براساس ضریب اطمینان ۰/۹۵ در نظر گرفته شد. $d = 0/05$ سطح خطای پذیرفته شده و پیش برآورد واریانس ۰/۳۱۲ $S^2 =$ است که از ۵۰ پرسشنامه مربوط به پیش آزمون برای متغیر وابسته به دست آمد و حجم نمونه براساس فرمول مذکور ۴۶۹ نفر به دست آمد.

$$n = \frac{20028 \times (1/96)^2 \times 0/312}{20028 \times (0/05)^2 + (1/96)^2 \times 0/312} = 469$$

روش نمونه گیری، خوشه ای چندمرحله ای است که براساس حوزه بندی شهرداری گناباد و مرکز آمار و اطلاعات ایران، این شهر به ۳۱ حوزه ی شهری تقسیم بندی شده است. ابتدا در یک تقسیم بندی کلی، این شهر به سه بخش شمالی، مرکزی و جنوبی قسمت شد. در سمت شمال شهر ده حوزه، در مرکز ده حوزه و در جنوب یازده حوزه قرار دارد. در مرحله ی بعد در هر بخش، پنج حوزه و از هر حوزه، پنج بلوک مسکونی به روش تصادفی انتخاب شد که پرسشگران با مراجعه به درب منازل، افراد مورد نظر را یافتند و مصاحبه با آن ها انجام شد. برای سنجش متغیر وابسته، وجهه یک فارغ التحصیل دانشگاه در نظر گرفته شده است. جدول ۱ تعریف عملیاتی را نشان می دهد.

جدول (۱) ابعاد و شاخص های کارکردهای تحصیلات دانشگاهی بر اساس مدل AGIL پارسونز

متغیر	ابعاد	شاخص ها	گویه ها در طیف برش قطبین
کارکردهای تحصیلات دانشگاهی از منظر جوانان	کارکرد	کسب دانش و تخصص	متخصص- غیر متخصص/ دارای توانمندی بالا در رشته تحصیلی- دارای توانمندی پایین در رشته تحصیلی
	فرهنگی	خلاقیت و ذهن باز	دارای فهم سطحی- دارای فهم عمیق/ خلاق- غیر خلاق/ کوتاه فکر- بلند نظر/ دارای استعداد شکوفا شده- دارای استعداد شکوفا نشده/ راکد- پویا/ آگاه- ناآگاه
	کارکرد	موقعیت های بهتر اجتماعی	دارای روابط گسترده- دارای روابط محدود/ شهروند فعال و مشارکت جو- شهروند منفعل/ دارای اعتماد به نفس- بدون اعتماد به نفس
	اجتماعی	منزلت اجتماعی	باکلاس- بی کلاس/ سربلند- سرشکسته/ بامنزلت- بی منزلت/ مایه افتخار خانواده- غیر قابل افتخار برای خانواده/ ارزشمند- بی ارزش
	کارکرد	قدرت فردی	قدرتمند در تحقق اهداف شخصی- ضعیف در تحقق اهداف شخصی/ دارای استقلال فکری از خانواده- دارای وابستگی فکری به خانواده/ مؤثر در تصمیم گیری های خانواده- بی اثر در تصمیم گیری های خانواده/ بانفوذ در بین اطرافیان- بی نفوذ در بین اطرافیان
	سیاسی	قدرت سازمانی	بهره مند از راه های متعدد برای پیشرفت- محروم از راه های متعدد برای پیشرفت/ رئیس- زیردست/ مسلط بر دیگران در محیط کار- تحت سلطه دیگران در محیط کار/ فرادست- فرودست
	کارکرد	فرصت شغلی مناسب، درآمد کافی	دارای درآمد- هزینه زا/ پولدار- بی پول/ نان آور- نانخور/ ثروتمند- فقیر/ دارای دستمزد کافی و خوب - دارای دستمزد بخور و نمیر
	اقتصادی	کارایی در جامعه	کارآمد در خدمت به جامعه- ناکارآمد در خدمت به جامعه/ تولید کننده- مصرف کننده/ مفید و مؤثر در اقتصاد جامعه- غیرمفید و بی اثر در اقتصاد جامعه

در ادبیات مربوطه، متغیرهای زمینه ای مانند جنسیت، پایگاه اقتصادی- اجتماعی، سن و... عواملی تأثیرگذار در انگیزه و گرایش افراد برای ورود به دانشگاه عنوان شده اند. بنابراین، تعدادی از این متغیرها (جنسیت، سن، مقطع تحصیلی، وضعیت تأهل، پایگاه خانوادگی، وضعیت در خانواده، وضعیت اشتغال، رشته ی تحصیلی فرد پاسخگو و علاقه به ورود به دانشگاه و نوع دانشگاه) در این پژوهش به کار گرفته شد. روایی پرسش نامه از طریق روش توافق داوران، چندین بار ارزیابی و پس از پیش آزمون، اعتبار صوری آن مجدداً ارزیابی و اعتبار سازه آن نیز سنجیده شد. مقدار kmo در اعتبار سازه ۰/۹۲۶

بود. در نهایت، در پرسش نامه نهایی در هر بعد، هشت جفت کلمه ی متضاد باقی ماند. پایایی ابزار از طریق آلفای کرونباخ برای آلفای کل ۰/۹۲، کارکرد اقتصادی ۰/۸۳، کارکرد اجتماعی ۰/۸۷، کارکرد سیاسی ۰/۸۰ و کارکرد فرهنگی ۰/۸۴ بود. جدول ۲ توزیع نمونه را بر حسب متغیرهای زمینه ای نشان می دهد.

جدول ۲) توزیع فراوانی جوانان مورد مطالعه در شهر گناباد بر حسب متغیرهای مستقل

سن			وضعیت در خانواده				وضعیت تأهل		جنسیت		متغیرهای مستقل
۲۰-۲۵	۲۵-۳۰	۳۰-۳۵	سرپرست خانواده و همسر	همسر	فرزند	متاهل	مجرد	مرد	زن		
۱۲۹	۱۴۰	۲۰۲	۷۸		۳۹۲	۱۲۵	۳۴۶	۲۳۶	۲۳۵	فراوانی	
۲۷/۴	۲۹/۷	۴۲/۹	۱۶/۶		۸۳/۴	۲۶/۵	۷۳/۵	۵۰/۱	۴۹/۹	درصد معتبر	
پایگاه اقتصادی-اجتماعی			علاقه برای ورود به دانشگاه			وضعیت فعالیت		مقطع تحصیلی		متغیرهای مستقل	
بالا	متوسط	پایین	زیاد	متوسط	کم	نیست	است	دانشجوی	دانش آموز		
۵۲	۳۶۸	۱۳۵	۳۴۸	۱۱۶	۳	۷۶	۸۵	۳۱۰	۱۶۱	۱۴۶	فراوانی
۱۱/۴	۵۸/۹	۲۹/۷	۷۴/۵	۲۴/۸	۰/۶	۱۶/۱	۱۸/۰	۶۵/۸	۳۴/۲	۳۴/۸	درصد معتبر

طبق جدول ۲، ۴۹/۹٪ نمونه زن و ۵۰/۱٪ مردند. ۳۱٪ دانش آموز، ۳۴/۸٪ دانشجوی و ۳۴/۲٪ فارغ التحصیل هستند. ۷۳/۵٪ مجرد و ۲۶/۵٪ متأهل هستند. پایگاه اجتماعی - اقتصادی ۲۹/۷٪ نمونه در سطح پایین و ۵۸/۹٪ متوسط و ۱۱/۴٪ بالا هستند.

یافته های پژوهش

یافته ها نشان می دهد که در بین چهار کارکرد، کارکرد اجتماعی با میانگین ۳۲ بالاترین نمره را کسب کرده است، بعد از آن کارکرد فرهنگی با میانگین حدود ۳۰ بالاترین نمره را به دست آورده است. کارکرد سیاسی با میانگین ۲۸/۷۱ و کارکرد اقتصادی با میانگین ۲۳/۴۳ کمترین نمره را دارند.

جدول ۳) شاخص های آماری متغیر کارکردهای تحصیلات دانشگاهی و ابعاد چهارگانه

متغیر	میانگین	میانه	مد	انحراف استاندارد	کمترین	بیشترین	طیف
کارکرد اقتصادی	۲۳/۴۳	۲۳	۲۲	۶/۱۲۹	۸	۴۰	۳۲
کارکرد سیاسی	۲۸/۷۱	۲۹	۲۷	۵/۰۳۵	۸	۴۰	۲۷
کارکرد اجتماعی	۳۲/۰۶	۳۲	۳۲	۵/۱۴۶	۸	۴۰	۳۲
کارکرد فرهنگی	۲۹/۸۰	۳۰	۳۰	۵/۳۴۰	۱۱	۴۰	۲۹
کارکرد تحصیلات دانشگاهی	۱۱۳/۹۸	۱۱۳	۱۰۹	۱۷/۱۲۸	۵۹	۱۶۰	۱۰۱

برای رتبه بندی کارکردهای تحصیلات دانشگاهی از آزمون فریدمن^۱ که مناسب ترین انتخاب است، استفاده شد. مطابق نتایج جدول ۴، میانگین رتبه ی کارکرد اجتماعی ۳/۴۴ است که بالاترین کارکرد در بین چهار کارکرد دیگر است. بعد از آن، کارکرد فرهنگی با میانگین رتبه ی ۲/۷۶ در مقام دوم قرار دارد. کارکرد اقتصادی نیز با میانگین رتبه ی ۲/۴۴ در اولویت سوم است و در نهایت، کارکرد اقتصادی با میانگین رتبه ی ۱/۳۷ پایین ترین اولویت محسوب می شود.

جدول ۴) اولویت بندی کارکردهای تحصیلات براساس آزمون فریدمن

کارکردهای تحصیلات دانشگاهی	میانگین رتبه	اولویت
کارکرد اجتماعی	۳/۴۴	۱
کارکرد فرهنگی	۲/۷۶	۲
کارکرد سیاسی	۲/۴۴	۳
کارکرد اقتصادی	۱/۳۷	۴

نتیجه ی آزمون فریدمن در مورد اولویت بندی در دو جنس نشان می دهد که اولویت بندی کارکردها در دو جنس مشابه است؛ به طوری که کارکرد اجتماعی در اولویت هر دو جنس قرار دارد، بعد از آن هم به ترتیب، کارکرد فرهنگی و سیاسی قرار دارند. در نهایت هم، کارکرد اقتصادی آخرین اولویت محسوب می شود.

نتایج تحلیل خوشه‌ای

برای دسته‌بندی پاسخگویان از ارزیابی کارکردهای تحصیلات دانشگاهی، از روش "تحلیل خوشه‌ای"^۱ استفاده شد. محقق براساس نمرات هر دسته از اعضای نمونه، پاسخگویان را در سه دسته ضعیف، متوسط و خوب نام‌گذاری کرد. جدول ۵، توزیع فراوانی اعضای نمونه را از این ارزیابی در سه دسته نشان می‌دهد. بیش از نیمی از پاسخگویان (۵۳/۵٪) نسبت به کارکردهای تحصیلات دانشگاهی نظر خوبی دارند. در دسته ی ضعیف، ۲۲/۱٪ و در دسته ی متوسط هم ۲۴/۴٪ قرار دارند.

جدول ۵) توزیع فراوانی دسته بندی پاسخگویان از کارکردهای تحصیلات دانشگاهی

دسته بندی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
ضعیف	۱۰۴	۲۲/۱	۲۲/۱
خوب	۲۵۲	۵۳/۵	۷۵/۶
متوسط	۱۱۵	۲۴/۴	۱۰۰/۰
مجموع	۴۷۱	۱۰۰/۰	

نتایج رگرسیون رتبه‌ای برای متغیر وابسته

هدف اصلی این پژوهش، بررسی کارکردهای تحصیلات دانشگاهی و اولویت‌بندی آن‌ها در نظر پاسخگویان است، اما با استفاده از مجموعه‌ی متغیرهای مستقل موجود در تحقیق، می‌توان به تبیین متغیر وابسته‌ی موجود نیز پرداخت. برای این منظور، رگرسیون رتبه‌ای^۲ مناسب‌ترین نوع رگرسیون است. یکی از مفروضات این رگرسیون این است که زمانی باید به کار گرفته شود که متغیرهای مستقل در سطح اسمی و متغیر وابسته در سطح رتبه‌ای باشد. در این تحقیق نیز متغیر کارکردهای تحصیلی با استفاده از تحلیل خوشه‌ای در سطح رتبه‌ای طبقه‌بندی شد، پس متغیر کارکردهای تحصیلات دانشگاهی به‌عنوان متغیر وابسته در سطح ترتیبی وارد معادله می‌شود. سه متغیر سن پاسخگویان و پایگاه اقتصادی- اجتماعی و علاقه به ورود به دانشگاه نیز

1. Custer Analysis
2. Ordinal Regression

به عنوان متغیرهای فاصله ای در قسمت مربوط به خود (Covariate) قرار می گیرند. سپس متغیرهای جنس، مقطع تحصیلی، وضعیت تأهل، وضعیت در خانواده و وضعیت فعالیت که همه در سطح سنجش اسمی قرار دارند، در قسمت مربوطه یعنی Factors قرار می گیرند. آزمون نیکویی برازش مدل و مربوط به مفروضات رگرسیون ترتیبی - با توجه به این که آماره بیش از ۰/۰۵ است - مشخص می کند که مدل تناسب لازم را دارد و بیشتر موارد در مفروضات رگرسیون رعایت شده است. ضریب نکلرک^۱، رقم حدود ۰/۱۳ را نشان می دهد؛ یعنی مجموعه متغیرهای مستقل، حدود ۱۳٪ تغییرات متغیر وابسته را در جامعه ی آماری تبیین می کنند. همان گونه که در جدول ۶ مشاهده می شود، برآوردهای عرض از مبدأ از سه طبقه کارکردهای تحصیلات دانشگاهی به دو طبقه کاهش یافته است؛ چرا که در دستور رگرسیون ترتیبی، طبقه ی آخر متغیر وابسته، به عنوان طبقه ی مرجع برای بررسی احتمال های تغییر در متغیر وابسته به ازای تغییر در متغیرهای مستقل در نظر گرفته می شود. همان طور که در این جدول مشاهده می شود، تأثیر متغیرهای سن، علاقه به ورود به دانشگاه، جنسیت طبقه ی "زن"، مقطع تحصیلی طبقه ی "دانش آموز و دانشجو"، وضعیت تأهل طبقه ی "مجرد"، وضعیت در خانواده ی طبقه ی "فرزند" و وضعیت فعالیت طبقه ی "بیکار" در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ معنادارند؛ یعنی همراه با کاهش مقادیر متغیرهای سن، مقطع تحصیلی، وضعیت در خانواده و وضعیت فعالیت، میزان کارکردهای تحصیلات دانشگاهی از نظر پاسخگویان افزایش می یابد و همراه با افزایش علاقه به ورود به دانشگاه، میزان کارکردهای تحصیلات دانشگاهی از دید پاسخگویان افزایش می یابد. هم چنین نتایج نشان می دهد نمرات کارکردهای تحصیلی دانشگاه برای زنان و جوانان مجرد بالاتر است.

جدول ۶) برآوردهای مقادیر پارامتر

متغیرها		مقدار برآورد	خطای استاندارد	آزمون والد	درجه ی آزادی	سطح معناداری	۹۵ درصد فاصله ی اطمینان	
							دامنه ی پایین تر	دامنه ی بالا تر
آماره های مربوط به معادله ی رگرسیون سطوح متغیر وابسته								
طبقه ۱		-۲/۴۸۲	۰/۸۶۰	۸/۳۳۴	۱	۰/۰۰۴	-۴/۱۶۷	-۰/۷۹۷
طبقه ۲		-۰/۶۰۴	۰/۸۵۲	۰/۵۰۲	۱	۰/۴۷۹	-۲/۲۷۴	۱/۰۶۷
آماره های مربوط به معادله ی رگرسیون متغیرهای مستقل								
سن		-۰/۰۸۳	۰/۰۲۶	۹/۹۳۳	۱	۰/۰۰۲	-۱/۳۴	-۰/۰۳۱
پایگاه اقتصادی- اجتماعی		۰/۰۰۰	۰/۰۰۶	۰/۰۰۰	۱	۰/۹۸۴	-۰/۰۱۲	۰/۰۱۳
علاقه به ورود به دانشگاه		۰/۲۳۲	۰/۰۵۹	۱۵/۵۶۱	۱	۰/۰۰۰	۰/۱۱۷	۰/۳۴۷
جنسیت (زن)		۰/۳۵۳	۰/۱۲۹	۷/۴۴۸	۱	۰/۰۰۶	۰/۰۹۹	۰/۶۰۶
مقطع تحصیلی (دانشآموز)		-۱/۰۹۵	۰/۳۴۸	۹/۸۹۷	۱	۰/۰۰۲	-۱/۷۷۷	-۰/۴۱۳
مقطع تحصیلی (دانشجو)		-۰/۷۳۳	۰/۲۳۵	۹/۶۹۰	۱	۰/۰۰۲	-۱/۱۹۵	-۰/۲۷۱
وضعیت تأهل (مجرد)		۰/۵۰۳	۰/۲۰۷	۵/۹۳۵	۱	۰/۰۱۵	۰/۰۹۸	۰/۹۰۸
وضعیت در خانواده (فرزند)		-۰/۵۲۲	۰/۲۶۳	۳/۹۲۶	۱	۰/۰۴۸	-۱/۰۳۸	-۰/۰۰۶
وضعیت فعالیت (بیکار)		-۰/۶۳۰	۰/۲۱۱	۸/۹۴۰	۱	۰/۰۰۳	-۱/۰۴۲	-۰/۲۱۷

سطح معناداری در آزمون خطوط موازی - که کمتر از ۰/۰۵ است - نشان می دهد که تأثیر متغیرهای مستقل بر تمام سطوح (طبقات) متغیر وابسته یکسان نیست؛ یعنی اثر متغیرهای مستقل بر همه ی طبقات متغیر وابسته یکسان نیست.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر در پی دستیابی به دیدگاه های جوانان درمورد کارکردها و دستاوردهای دانشگاه است تا از این طریق، به بخشی از دیدگاه های آنان درمورد دانشگاه و انگیزه های آنان از ورود به دانشگاه پی ببرد. نتایج در بخش توصیفی (جدول ۲) نشان می دهد که کارکردهای اجتماعی تحصیلات دانشگاهی، در اولویت نخست جوانان قرار دارد و کارکرد اقتصادی، در اولویت آخر آن ها قرار گرفته است؛ اما در هر صورت تمامی کارکردهای تحصیلات دانشگاهی، مد نظر جوانان است و به تمامی این کارکردها، نمره ی حداقلی "متوسط" داده شده است. بنابراین، نمی توان گفت که برای جوانان، تنها یک دسته از کارکردها، مثلاً کارکرد اجتماعی مهم است و سایر عوامل در طیف یک تا صفر، نمره ی صفر را می گیرند. در این تحقیق، طبق نظریه ی پارسونز مشخص می شود که تمام چهار خرده نظام در دانشگاه، نقش خود را در ارزیابی های جوانان ایفاء می کنند و آنان در بررسی نگرش یا عملکرد خود همه جوانب را در نظر می گیرند. درحالی که نتیجه ی این پژوهش نشان می دهد که پاسخگویان، کارکرد اول تحصیلات دانشگاهی را کارکرد اجتماعی آن می دانند. یافته ها در اکثر پژوهش های خارجی، مبین این واقعیت هستند که داوطلبان، کارکرد اقتصادی و فرهنگی را به عنوان اولویت کارکردی تحصیلات دانشگاهی در نظر گرفته اند. اما در تحلیلی جزئی تر، جداول ۳ و ۴ داده ها نشان می دهند جوانان بیش از همه، به کارکرد اجتماعی دانشگاه توجه دارند؛ یعنی کارکردهای اجتماعی تحصیلات دانشگاهی هم چون داشتن منزلت اجتماعی، باکلاس بودن، مایه ی افتخار خانواده و ارزشمندبودن در بین اطرافیان را در رأس کارکردهای دانشگاه دانسته اند. بعد از آن، کارکرد فرهنگی بالاترین نمره را کسب کرده است. این نتایج با نتایج تحقیقات مک نیلا و گانون (MacNeela & Gannon, 2014) ایزدی و دیگران (۱۳۹۳)؛ توکلی (۱۳۹۲)؛ پیرزهی و بهروان (۱۳۹۲)؛ جمالی و سیف (۱۳۹۱)؛ کلدی و فلاح (۱۳۸۸)؛ فاتحی و دیگران (۱۳۸۸) و خواجه سروی و علی احمدی (۱۳۹۲) منطبق است. براساس نظریه "تطبیق علت - پیامد"، می توان دید که جوانان انگیزه های رفتن به دانشگاه و ادامه تحصیل در دانشگاه، را در واقع با پیامدهای آن تفسیر می کنند. از این نتیجه می توان چنین برداشت

کرد که دانشگاه، محلی برای آموزش و انتقال فرهنگ علم و تحقیق و نوآوری در عرصه‌های علمی است. دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، با آموزش‌های مهارت‌های علمی و عملی به نیروی انسانی، به تأمین نیروی کارآمد مورد نیاز جامعه می‌پردازند. "داشتن تحصیلات دانشگاهی" از گذشته تا به امروز در جامعه‌ی ما یک ارزش محسوب می‌شود؛ اما امروز "رفتن به دانشگاه" در جامعه‌ی ما نه تنها یک "ارزش" است، بلکه به یک "هنجار" تبدیل شده است. نیاز به احترام، به عنوان یک نیاز اساسی و وجود هنجار "رفتن به دانشگاه" در جامعه، داشتن تحصیلات عالیه را برای افراد جامعه با ارزش می‌کند. این تبدیل "رفتن به دانشگاه" به هنجار، یعنی این که اولویت کارکرد اجتماعی برای داوطلبان ورود به دانشگاه (مردان و زنان)، در صدر قرار گرفته است. در صورتی که برای داشتن دانشگاهی کارآمد و تأثیرگذار در جامعه، توجه بیشتر به کارکردهای علمی و فرهنگی دانشگاه، مورد نیاز است. کارکرد سیاسی در رتبه‌ی سوم قرار دارد و در نهایت، کارکرد اقتصادی کمترین نمره را دریافت کرده است؛ یعنی درآمدزایی، مفید و مؤثر بودن در اقتصاد جامعه، تولیدکردن، کارایی در خدمت به جامعه و ... از طریق تحصیلات دانشگاهی را کم‌اهمیت‌تر از سایر کارکردهای تحصیلات دانشگاهی دانسته‌اند. نتایج تحقیقات زارعی، عزیزی و کاظمی، (۱۳۹۳)؛ پورامیری، خلیلی و شکوهی (۱۳۹۲)؛ قاسمی تودشکچوئی، رحمانی و نیک فرجام (۱۳۹۰) و مهرابیان، داداش‌خواه و کریمی (۱۳۹۱) تا حدی منطبق با این نتیجه است. نکته‌ی تأمل‌برانگیز در این زمینه این است که پاسخگویان، کارکرد اقتصادی دانشگاه را به عنوان آخرین اولویت کارکردهای دانشگاه انتخاب کردند. این نگاه پاسخگویان به کارکرد اقتصادی دانشگاه را می‌توان براساس نظریه تطبیق علت - پیامد به انتظارات دانشجویان از تحصیل خود در دانشگاه و دستیابی به فرصت‌های شغلی دانست که در واقع، شاید بتوان گفت نوعی ناهماهنگی در نظام آموزش عالی را می‌رساند که از طرف جوانان، به علت نامساعد بودن بازار کار در برخی رشته‌های تحصیلی، اشتباهاً به تحصیلات دانشگاه ربط داده می‌شود.

براساس اطلاعات جدول ۶، در مجموع زنان نسبت به مردان، کارایی بیشتری برای دانشگاه قائل هستند و این توجیه‌کننده‌ی تعداد بیشتر زنان در دانشگاه است. بررسی‌های

دقیق تر نشان می دهد که زنان به تمامی کارکردهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تحصیلات دانشگاهی نمره ی بیشتری دادند و این تفاوت با مردان به لحاظ آماری معنادار است. این نتیجه با نظر آراسته، بهرنگی و شریفی حسین آبادی (۱۳۹۱) تناسب دارد. حتی در شرایط کنونی که امکان ورود به بازار کار برای زنان دانش آموخته بسیار مشکل شده است، در مقایسه با مردان، به کارکرد اقتصادی نمره ی بالاتری داده اند. این نتیجه را می توان با نتایج پژوهش های محمودیان و رشوند (۱۳۹۱)؛ قاسمی تودشکچوئی، رحمانی و نیک فرجام (۱۳۹۰)؛ لیاقت دار و دیگران (۱۳۸۸)؛ حیدری، صالحی عمران و منتظری جویباری (۱۳۸۸)؛ آنچور و دیگران (Anchor & et al, 2011)؛ بیرن و دیگران (Byrne & et al, 2012) و کمبر و هونگ (Kember & Hong, 2010) منطبق دانست. براساس نظریه ی "تطبیق علت- پیامد"، علاقه مندی زنان به کسب اعتبار و موقعیت اجتماعی، احراز شغل و مشارکت سیاسی، در گرایش آن ها به آموزش عالی بسیار مؤثر است. شاغلان فارغ التحصیل هم طبیعتاً در مقایسه با بیکاران فارغ التحصیل، به کارکردهای دانشگاه نمره ی بیشتری دادند (جدول ۶). این نتیجه با تحقیق چوکوودی، فلیکس ارونو و آنووزمب (Chukwudi, Felix Erondy & Onwuzombe, 2012) حقیقت نائینی (۱۳۹۰) و سعیدی رضوانی، محمد حسین زاده و باغلی (۱۳۸۹) هماهنگی دارد. زیرا کارایی آموزش عالی برای این افراد، تا حد زیادی به اثبات رسیده است. به عبارت دیگر، حاصل تلاش و زحمات خود در دانشگاه را از طریق به دست آوردن شغل مناسب دیده اند. در این نتیجه نیز حضور این نظریه ی "تطبیق علت - پیامد" به وضوح به چشم می خورد. با وجود این که در بسیاری از تحقیق ها، بر اولویت کارکرد اجتماعی در بین دختران و اولویت کارکرد اقتصادی تحصیلات دانشگاهی در بین پسران برای ورود به دانشگاه تأکید شده است (ظهیری نیا و بهروزیان، ۱۳۹۱)، در این تحقیق، اگر چه نمره ی تمامی کارکردهای تحصیلات دانشگاهی در بین زنان بیشتر از مردان است، اما در اولویت بندی ها، برای مردان هم کارکردهای اجتماعی نخستین اولویت است. بنابراین، مردان هم در این نظر، با زنان همسو هستند.

نتایج تحلیل واریانس یک طرفه نیز نشان می دهد که دانش آموزان در مقایسه با

دانشجویان و فارغ التحصیلان، دیدگاه بهتری نسبت به کارکردهای تحصیلات دانشگاهی دارند. نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان داد کسانی که سن بالاتری دارند (دانشجویان و فارغ التحصیلان)، از آنجا که ورود به دانشگاه را تجربه کرده اند، دیدگاه ضعیف تری در مقایسه با دانش آموزان دارند و کارکردهای کمتری برای دانشگاه قائل-اند. این نتیجه با نتیجه ی پژوهش پرولد (Perold, 2012) هماهنگ است. این نتیجه نیز بیانگر این موضوع است که دانش آموزان براساس نظریه "تطبیق علت- پیامد"، با توجه به نتایج و پیامدهایی که تحصیلات برای تحصیلکرده ها داشته است، ارزیابی بهتری نسبت به دانشجویان دارند، زیرا این دسته از جوانان، تنها به پیامدهای تحصیلات از نظر دستیابی به فرصت های شغلی توجه دارند و در صورت نرسیدن به آن، تحصیلات دانشگاهی را مفید نمی دانند. تفاوت بین نمره ی کارکردهای تحصیلات دانشگاهی در بین سه گروه دانش آموزان، دانشجویان و فارغ التحصیلان و در کنار آن، تأثیر منفی سن بر کارکردهای تحصیلات دانشگاهی، از دیگر یافته های پژوهش حاضر است. این نتیجه ناظر بر این واقعیت است که دانش آموزان و نوجوانان، با تصور مثبت وارد دانشگاه می شوند. آن ها دانشگاه را صرفاً محلی برای کسب مدرک دانشگاهی می دانند که در آن، امکان جابه جایی طبقه ی اجتماعی خود و صعود به طبقات بالاتر اجتماعی- اقتصادی را می یابند. به همین دلیل است که بیشتر دانش آموزان ایرانی، تمایل زیادی برای ورود به دانشگاه دارند؛ اما در دوران دانشجویی یا فارغ التحصیلی و براساس تحلیل هزینه- فایده ای که برای خود (از نظر اقتصادی) می نمایند و براساس پیامدهای تحصیلات (دستیابی به فرصت های شغلی یا شغل بهتر)، ممکن است نگاه شان نسبت به کارکردها و تحصیلات دانشگاهی تغییر کند و در بعضی موارد، مانند افراد فارغ التحصیل بیکار، نگاهی ضعیف به تحصیلات دانشگاهی دارند. این وضعیت، شرایط را برای بی انگیزگی و رخوت جوانان که مهم ترین سرمایه های انسانی جامعه محسوب می شوند، فراهم می کند که به نظام آموزش عالی در معیارهای انتخاب رشته های دانشگاهی برمی گردد و به تحصیلات دانشگاهی ارتباطی ندارد.

نبود تفاوت در میزان کارکردهای تحصیلات دانشگاهی در میان پایگاه های اجتماعی و اقتصادی متفاوت، از دیگر یافته های این پژوهش است. نتیجه ی این تحقیق، همسو

با سایر پژوهش های این زمینه نشان می دهد که جوانان با پایگاه های اقتصادی و اجتماعی متفاوت، نمره های یکسانی به کارکردهای تحصیلات دانشگاهی می دهند. تنها استثنا در این زمینه، کارکردهای اقتصادی تحصیلات دانشگاهی است. بدین معنا که جوانانی که پایگاه اجتماعی و اقتصادی بالاتری دارند، نمره ی بیشتری به کارکردهای اقتصادی دانشگاه می دهند. این نتیجه تا حدودی منطقی به نظر می رسد؛ زیرا جوانانی که والدین آن ها از سطح تحصیلات بالایی برخوردارند و از لحاظ پایگاه اقتصادی و درآمدی هم در سطح بالایی قرار می گیرند، کارایی تحصیلات دانشگاهی را به وضوح در زندگی والدین خود مشاهده کرده اند و الگوهای موفق از فارغ التحصیلان دانشگاهی را در کنار خود می بینند. این روند، خود بر چرخش و انتقال سرمایه ی فرهنگی خانواده مؤثر است. گرایش شدید به آموزش عالی در بین جوانان و بویژه زنان، ناشی از نبود یا کمبود زمینه های دیگر برای پیشرفت و موفقیت برای آنان در جامعه است. مسئولان می توانند با چاره اندیشی در این زمینه، برای رفع موانع حقوقی، قانونی، اجتماعی و فرهنگی، گام های مؤثری بردارند. افزایش بسیار زیاد زنان تحصیل کرده، گرچه در حیات خانوادگی و فردی، مفید و مؤثر قلمداد می شود، در نهایت، موجب حضور گسترده ی قشری از زنان در جامعه می شود که به سرخوردگی اجتماعی دچار شده اند. برای داشتن مجامع دانشگاهی پویا و شکوفا در جامعه، باید به خروج تحصیلات دانشگاهی از نماد منزلت و وجهه ی صرف برای افراد توجه کرد. به این ترتیب، با ورود نیروهای جویای حقیقی علم به دانشگاه، دانش مداری در کانون توجه قرار می گیرد که این خود به تحول بنیادی در نظام ارزش گذاری جامعه نیازمند است؛ اما شروع این حرکت می تواند از دانشگاه باشد. مراکز آموزش عالی و دانشگاه ها به عنوان نهادهای مولد دانش، باید برای تربیت دانشجویان، هدفمند تلاش کنند و این امر تحقق نمی یابد مگر در سایه ی دقت در انتخاب و گزینش دانشجویان، بویژه در مقاطع تحصیلات تکمیلی و اجتناب از گسترش بی حساب و نمایشی آن و سپس شکل دهی به دانشجویان به عنوان نیروی کارآمد و کارآفرین. با روند کاهش جذب دانشجو به دلیل کاهش جمعیت جوانان، از این پس می توان به کیفیت آموزشی توجه بیشتری داشت که این امر نیازمند نظارت

انتقادی بر کیفیت گروه‌های آموزشی تمامی دانشگاه‌ها و مقاومت در برابر حاکمیت معیارهای کمی بر آموزش عالی است.

منابع

- آراسته، حمیدرضا؛ بهرنگی، محمدرضا؛ شریفی حسین آبادی، مهین (۱۳۹۱). "بررسی عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه‌ی تحصیل در دانشگاه". *مجله‌ی آموزش عالی/ایران*، سال چهارم، ش ۴ (زمستان): ۱-۲۴.
- احمدی، سعید؛ خضری، حسن (۱۳۹۰). "مقایسه‌ی مهارت‌های تدریس معلمان فارغ‌التحصیل دانشگاه آزاد اسلامی، پیام نور و دولتی". *مجله‌ی پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، دوره دوم، ش ۱ و ۲ (بهار و تابستان): ۳۲-۴۱.
- احمدی، محمدحسین؛ الوند، مریم؛ قهرمانی، فریبا (۱۳۹۰). "بررسی تأثیر دروس تخصصی رشته‌ی انتظامی دوره‌ی کاردانی مصوب دانشگاه علوم انتظامی بر عملکرد فارغ‌التحصیلان". *مجله‌ی توسعه‌ی مدیریت نیروی انسانی و پشتیبانی*، دوره ششم، ش ۲۲ (زمستان): ۳۷-۸۱.
- اسدی‌بگی، محمد؛ نادری، ابوالقاسم؛ انتظاری، یعقوب (۱۳۹۲). "ارزیابی مورد انتظار دانشجویان از تحصیلات دانشگاهی". *فصلنامه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، دوره نوزدهم، ش ۶۸ (تابستان): ۱۴۱-۱۶۰.
- ایزدی، صمد، و دیگران (۱۳۹۳). "بررسی ارتباط سرمایه‌ی فرهنگی با انگیزه‌ی ورود به دانشگاه و عملکرد تحصیلی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان". *توسعه‌ی آموزش در علوم پزشکی*، دوره هفتم، ش ۱۴ (تابستان): ۱۱-۱۹.
- بارون، رابرت ا؛ برن، دونا؛ جانسون، بلرتی (۱۳۸۹). *روانشناسی اجتماعی*. ترجمه علی تحصیلی. تهران: نشر آمه.
- پورامیری، علی؛ خلیلی، قدسیه؛ شکوهی، مصطفی (۱۳۹۲). "خودارزیابی پزشکان عمومی فارغ‌التحصیل دانشگاه علوم پزشکی کرمان نسبت به توانایی تشخیص و درمان مشکلات ارتوپدی". *گام‌های توسعه در آموزش پزشکی*، دوره دهم، ش ۱ (بهار): ۱-۱۲.

- پیرزهی، عبدالخالق؛ بهروان، حسین (۱۳۹۲). "عوامل جامعه شناختی مؤثر بر انگیزه ی تحصیلی دانشجویان دانشگاه فردوسی". *مجله ی علوم/اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، دوره دهم، ش ۲ (پاییز و زمستان): ۲۳-۵۶.
- توکلی، محمدرضا (۱۳۹۲). "بررسی شیوع اهمال کاری تحصیلی در بین دانشجویان و ارتباط آن با ویژگی های جمعیت شناختی. ترجیح زمان مطالعه و هدف از ورود به دانشگاه". *فصلنامه ی روان شناسی تربیتی*، دوره نهم، ش ۲۸ (تابستان): ۹۹-۱۲۴.
- جمالی، صغری؛ سیف، دیبا (۱۳۹۱). "پیش بینی تحول روانی - اجتماعی دانشجویان استعداد درخشان بر مبنای تجارب حاصل از تحصیل در دانشگاه". *مجله ی روان شناسی*، دوره شانزدهم، ش ۶۲ (تابستان): ۱۲۱-۱۴۱.
- حقیقت نائینی، غلام رضا (۱۳۹۰). "ارزیابی تأثیر بخشی فارغ التحصیلان کارشناسی گروه شهرسازی دانشگاه هنر طی سال های ۱۳۷۸-۱۳۸۴". *معماری و شهرسازی دانشگاه هنر*، دوره سوم، ش ۶ (بهار و تابستان): ۵-۲۳.
- حیدری، حجت صفار؛ صالحی عمران، ابراهیم؛ منتظری جویباری، انسیه (۱۳۸۸). "زمینه یابی افزایش مشارکت زنان در آموزش عالی، مطالعه موردی: دانشگاه مازندران". *مجله ی آموزش عالی/ایران*، سال اول، ش ۴ (زمستان): ۸۵-۱۰۶.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۹). *نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- زارعی، جواد؛ عزیزی، احمد؛ کاظمی، اعظم (۱۳۹۳). "بررسی عوامل مؤثر بر کاهش میل به ادامه تحصیل در دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز". *توسعه ی آموزش در علوم پزشکی*، دوره هفتم، ش ۱۵ (پائیز): ۴۹-۵۹.
- خواجه سروی، غلام رضا؛ علی احمدی، علی رضا (۱۳۹۱). "طراحی و اجرای مدل عمومی ارزیابی پیشرفت فرهنگی - اجتماعی در دانشگاه ها". *مجله تحقیقات فرهنگی*، دوره پنجم، ش ۲۰ (زمستان): ۲۳-۴۲.
- سعادت، سهیل؛ محقق، محمدعلی (۱۳۸۸). "بررسی انگیزه ادامه ی تحصیل و وضعیت شغلی داوطلبان شرکت در آزمون پذیرش دستیار در سال ۱۳۸۶". *مجله طب*

و تزکیه، سال هجدهم، ش ۷۲ و ۷۳ (بهار و تابستان): ۴۷-۵۵.

- سعیدی رضوانی، محمود؛ محمدحسین زاده، معصومه؛ باغلی، حسین (۱۳۸۹).
 "سرنوشت شغلی فارغ التحصیلان دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه فردوسی
 مشهد". *مطالعات تربیتی و روان شناسی*، دوره یازدهم، ش ۲ (پائیز و زمستان): ۵۷-۸۶.
 - صادقی، مصطفی؛ باقریان، علی (۱۳۹۲). "ارزیابی میزان و عمل اشتیاق به ادامه ی
 تحصیل در دانشجویان دندان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان". *مجله دانشگاه
 علوم پزشکی رفسنجان*، دوره دوازدهم، ش ۲ (اردیبهشت): ۱۰۳-۱۱۴.
 - صالحی، غلامرضا (۱۳۸۸). *دانشگاه ایرانی (درآمدی بر جامعه شناسی آموزش عالی)*.
 تهران: کویر.

- ظهیری نیا، مصطفی؛ بهروزیان، بهروز (۱۳۹۱). "مقایسه عوامل مؤثر در ورود زنان و
 مردان به دانشگاه". *زن و جامعه*، سال سوم، ش ۴ (زمستان): ۶۹-۸۹.
 - فاتحی، ابوالقاسم، و دیگران (۱۳۸۸). "چرایی افزایش نسبی ورود دختران به دانشگاه،
 مطالعه موردی: دانشگاه اهواز". *مطالعات راهبردی زنان*، دوره یازدهم، ش ۴۴ (تابستان):
 ۱۷۳-۲۰۴.

- قاسمی تودشکچوئی، غلام رضا؛ رحمانی، مقداد؛ نیک فرجام، مسعود (۱۳۹۰). "نگرش
 دانشجویان مقطع علوم پایه ی دانشگاه علوم پزشکی شهر کرد نسبت به روان پزشکی
 و تمایل آنان برای ادامه تحصیل در این رشته". *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم
 پزشکی اصفهان*، دوره بیست و نهم، ش ۱۶۵ (بهمن): ۱-۱۰.

- قره آغاچی، ناهید؛ میراحدی، مژده (۱۳۹۳). "بررسی میزان انگیزه و علاقه دانشجویان
 کارشناسی رشته رادیولوژی دانشگاه علوم پزشکی تبریز نسبت به انتخاب شغل و یا ادامه
 تحصیل در مقاطع بالاتر در سال ۱۳۹۱". *فصلنامه مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم
 پزشکی*، دوره پنجم، ش ۲ (تابستان): ۱۴۸-۱۵۵.

- کلدی، علیرضا؛ فلاح، فاطمه (۱۳۸۸). "بررسی کارکردهای اجتماعی و فرهنگی
 دانشگاه ها از نظر دانشجویان". *پژوهش نامه علوم اجتماعی*، سال سوم، ش ۱ (بهار):
 ۷۱-۸۹.

- لیاقت دار، محمدجواد، و دیگران (۱۳۸۸). "تأثیر و نقش نگرش فرهنگی جامعه، نهاد خانواده و توسعه ارتباطات در گرایش زنان به آموزش عالی". *جامعه شناسی کاربردی*، سال بیستم، ش ۱، پیاپی ۳۳ (بهار): ۷۱ - ۸۲.

- مهرابیان، فردین؛ داداش خواه، زینب؛ کریمی، زینب (۱۳۹۱). "نگرش دانشجویان بهداشت محیط دانشگاه علوم پزشکی گیلان نسبت به رشته تحصیلی و آینده شغلی". *مجله پژوهش در آموزش علوم پزشکی*، دوره چهارم، ش ۱ (بهار و تابستان): ۴۳ - ۴۸.

- محمودیان، حسین؛ رشوند، مرجان (۱۳۹۱). "اشتغال زنان فارغ التحصیل آموزش عالی و عوامل جمعیتی و اجتماعی مؤثر بر آن، مطالعه موردی: شهر تهران". *زن در توسعه و سیاست*، دوره دهم، ش ۱ (بهار): ۸۳ - ۱۰۴.

- هاشمی پور، مریم السادات؛ نوابی، نادر؛ سرداری، الهه (۱۳۹۰). "عوامل مؤثر بر تمایل به ادامه ی تحصیل در رشته های مختلف تخصصی در دانشجویان دانشکده های دندان پزشکی کرمان، رفسنجان و زاهدان". *مجله آموزش در علوم پزشکی*، دوره یازدهم، ش ۸ (اسفند): ۹۷۹ - ۹۸۲.

- Adams, John E. (1997). "A Study to Determine the Impact of a Precollege Intervention on Early Adolescent Aspiration and Motivation for College in West Virginia". Dissertation of Doctor of Philosophy, Virginia Polytechnic Institute and State University.

- Anchor, J. Fiserova & et al. (2011). "Student expectations of the financial returns to higher education in the Czech Republic and England: Evidence from Business schools". *Economics of Education Review*, vol. 30, No. 4: 673-681.

- Byrne, M. & et al. (2012). "Motivations, expectations and preparedness for higher education: A study of accounting students in Ireland, the UK, Spain and Greece". *Accounting Forum*, Vol. 36, No. 2: 134-144.

- Davis, H.; Noland, B.; Deaton, R. (2001). "Novel approaches to college choice: A survey of post-secondary opportunities". (AIR)

- annual meeting: 1-28. Long Beach, CA, June 3-6. (online). Available: <http://www.state.tn.us/thec/policyinit.html>
- Giannelli, G. C; Monfardini, C. (2000). "Joint Decisions On Household Membership And Human Capital Accumulation Of Youths, The Role Of Expected Earning and Local Markets". IZA, Discussion Paper, No. 191: 1-33. (online). available on the center's homepage www.iza.org
 - Kember, D.; Ho, A.; Hong, C. (2010). "Initial motivational orientation of students enrolling in undergraduate degrees". *Studies in Higher Education*, Vol. 35, No. 3: 263-276.
 - Sharon, S. & Nelson M. (2002). "The Role of Attitude Functions in Persuasion and Social Judgment". PP. 137-153. Drived from *The persuasion handbook: Developments in theory and practice*, SAGE Publications. Edited by: James Price Dillard & Michael Pfau.
 - Drived from Price Dillard, J. & Pfau, M. (2002). *The persuasion handbook: Developments in theory and practice*, SAGE Publications.
 - Chukwudi Ugwu, A; Felix Erundu, O. ; Onwuazombe, C. (2012). "Attitudes and Barriers to Post Graduate Education among Radiographers in South Eastern Nigeria", *International Journal of Tropical Disease & Health*, Vol. 2, No. 2: 112-122.
 - Leboeuf, B. A.; Norton, M, I. (2012). "Consequence- Cause Matching: Looking to the Consequences of Events to infer Their Causes". *Journal of Consumer Research*, Vol. 39, No. 10: 128-141.
 - MacNeela, P.; Gannon, N. (2014). "An Interpretative Phenomenological Analysis of University Student Volunteering", *Journal of Adolescent Research*, Vol. 29, No. 3: 407-436.
 - Perold, H. (2012). "Viewing post - school education from a youth perspective". *University World News Global Edition*.

بررسی هرمنوتیکی مفهوم قدرت سیاسی در شهریار ماکیاولی و ادب نامه نزاری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۵/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۸/۲۰

مسلم خسروی زارگز^۱

سمیه حمیدی^۲

لیلا برکی^۳

چکیده

ادب نامه و شهریار را می توان دو اثری دانست که در آن ها توصیه هایی به پادشاه از سوی اندیشمندانی به دور از عرصه قدرت شده است. اولین اثر، از سوی نزاری قهستانی در ایران عصر مغول و توسط ادیبی طرد شده از دربار آل کرت و دومی توسط ماکیاولی، فیلسوف ایتالیایی و مورد غضب نظام سیاسی بیزانس، نگاشته شد. به رغم تفاوت زمانی و محیطی، عزلت سیاسی، دلگیری از صاحبان قدرت و سودای بازگشت به قدرت از جمله دغدغه های اساسی نگارندگان بوده است که سبب شکل گیری نگاه مشابهی به عرصه ی سیاست از سوی این دو اندیشمند شده است. در این نوشتار تلاش می شود با روش هرمنوتیک اسکینر و با تأکید بر تأثیر زمینه های اجتماعی و سیاسی ظهور متن، به تحلیل نحوه نگرش به مفهوم سیاست در ادب نامه و شهریار پرداخته شود. واژگان کلیدی: نزاری قهستانی، ماکیاولی، ادب نامه، شهریار، هرمنوتیک، قدرت سیاسی

۱. عضو هیأت علمی علوم سیاسی دانشگاه بیرجند، نویسنده مسؤول

moslem.khosravy@birjand.ac.ir

somaye.haimidi@birjand.ac.ir

۲. استادیار علوم سیاسی دانشگاه بیرجند

۳. دانش آموخته کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه بیرجند

مقدمه

خلق هر متن را می‌توان هم از زاویه نیت مؤلف سنجید و هم از زاویه اثرگذاری شرایط زیست مؤلف بر ذهن او. قائل بودن به اهمیت زاویه دوم در پدیدار شدن یک متن، سبب اعتقاد به تأثیرگذاری زمینه‌های اجتماعی-سیاسی در شکل‌گیری متون خواهد شد. ادب‌نامه و شهریار به عنوان دو متن رئالیستی مولود زمانه خود هستند. بررسی بن‌مایه‌های فکری و شرایط اجتماعی، سیاسی و زیستی این دو اندیشمند، گویای شرایط به نسبت مشابه نگارش دو اثر مذکور می‌باشد. خالقان این آثار یعنی نزاری و ماکیاولی متأثر از شرایط سیاسی و اجتماعی زمانه که به عزلت و کناره گذاشتن آن‌ها از عرصه قدرت انجامیده، به نوشتن پرداختند و تلاش نمودند تا با ترسیم راه و روش زمامداری بر حاکمان عصر خویش، راه ورود به عرصه سیاست را برای خود هموار نمایند. مسأله نوشتار حاضر بر این اساس است که تأثیر شرایط فکری، اجتماعی و سیاسی نسبتاً مشابه زمانه ماکیاولی و نزاری در نگارش شهریار و ادب‌نامه و بویژه فهم نویسندگان آن از قدرت سیاسی، چه تأثیری داشته است؟ پاسخ نگارندگان بر این اساس است که شرایط نسبتاً مشابه سیاسی-اجتماعی زمانه ماکیاولی و نزاری در نحوه نگاه آن‌ها به قدرت سیاسی تأثیرگذار بوده، به گونه‌ای که هر دو نفر تلاش نموده‌اند با نگاهی رئالیستی به مفهوم قدرت سیاسی، راهی برای بازگشت خود به سیاست مهیا سازند.

پیشینه پژوهش

در حوزه اندیشه ماکیاولی چندین کتاب به رشته تحریر درآمده‌اند که تقریباً تأکید همه آن‌ها بر اندیشه سیاسی وی است، کتاب‌های ماکیاولی (کمال زاده و مهاجر، ۱۳۹۰)، ماکیاولی و اندیشه رنسانس (جهانبگلو، ۱۳۸۷)، نیکلو ماکیاولی (درخشه، ۱۳۹۰) به صورت اختصاصی به طرح آرا و اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی ماکیاولی و زمانه طرح آن‌ها پرداخته است. هر چند در میان کتب تاریخ اندیشه سیاسی در غرب، از سقراط تا ماکیاولی (پولادی، ۱۳۹۳)، تاریخ فلسفه سیاسی از ماکیاولی تا منتسکیو (کلوسکو، ۱۳۹۳)، تاریخ عقاید سیاسی از افلاطون تا ماکیاولی (عزیزی، ۱۳۸۴) و خداوندان

اندیشه سیاسی (فاستر، ۱۳۵۸) نیز می‌توان نظریات این اندیشمند در باب سیاست را مشاهده نمود، ولی تمامی کتاب‌های مذکور فقط به طرح اندیشه‌های سیاسی ماکیاولی پرداخته‌اند و شاید تنها اثری که از زاویه هرمنوتیک به بررسی تأثیر زمینه‌های فکری، اجتماعی و سیاسی و تکیه بر قصد نویسنده در خلق اثر شهریار اشاره‌ای داشته است کتاب ماکیاولی کوئنتین اسکینر^۱ باشد (اسکینر، ۱۳۷۲).

در زمینه شعر و اندیشه نزاری نیز به دو اثر مهم می‌توان اشاره نمود: کتاب اسماعیلیان پس از مغول (ابوجمال، ۱۳۸۹) که به شرح وضعیت اسماعیلیان پس از سقوط مغول می‌پردازد و در سطرهایی از کتاب، شرحی از افکار نزاری مطرح می‌شود و کتاب مجموعه مقالات همایش ملی نقد و تحلیل زندگی شعر و اندیشه حکیم نزاری قهستانی (۱۳۹۳) نیز حاوی آخرین مقاله پژوهشی درباره اندیشه و شعر نزاری است که کمبود منابع در زمینه نزاری، نویسندگان را وادار به استفاده از مقالات این همایش نمود. در این دو اثر تنها به بررسی اوضاع و شرایط زیست نزاری پرداخته شده و اشاره چندانی به تأثیر شرایط فکری، اجتماعی و سیاسی در نگارش ادب نامه نزاری نشده است و مقاله پیش‌رو می‌تواند نخستین تلاش در جهت مقایسه شرایط ظهور دو اثر شهریار و ادب نامه از منظر هرمنوتیک اسکینر باشد.

چارچوب نظری

هرمنوتیک در اصل مشتق از نام "هرمس" خدای یونان باستان است. هرمس، الهه مرزها و واسطه بین خدایان و مردمان، خالق سخن و تفسیرکننده خواسته‌های خدایان برای مردمان بوده است. به همین مناسبت، هرمنوتیک در لغت به معنای "وابسته به تفسیر" است و در اصطلاح شامل مجموعه بحث‌هایی است که درباره "تفسیر متن" و فهم آن مطرح می‌شود. اما "تفسیر" و "متن" در این عبارت به چه معنا است؟ تفسیر به معنای شناخت معنای مقصود و کشف و بیان مراد گوینده است و این با "تأویل" فرق دارد؛ زیرا تأویل کشف ریشه‌های معنا و سایه‌های معنایی سخن است. "متن" در

این تعبیر، شامل هر چیزی است که در ورای آن مطلبی و مفهومی نهفته باشد. از این رو، نه تنها نوشته، بلکه سخن و هر اثر هنری؛ مانند نقاشی، موسیقی، و سینما را در بر می‌گیرد (پالمر، ۱۳۷۷: ۳-۱۰).

هرمنوتیک را به سه نوع هرمنوتیک روشی، هرمنوتیک فلسفی و هرمنوتیک انتقادی تقسیم‌بندی نموده‌اند (منوچهری، ۱۳۸۰: ۱۰). در هرمنوتیک روشی، هرمنوتیک به مثابه روشی جهت دستیابی به موضوع علوم انسانی و فهم آن نگریسته می‌شود. شلاپرماخر^۱، ماکس وبر^۲، دیلتای^۳ و اسکینر در این گروه قرار می‌گیرند. هرمنوتیک فلسفی به دنبال چیستی خود فهم و تأویل است و پرسش اصلی در آن است که: "چگونه فهم ممکن می‌شود؟" در این رویکرد مسأله توضیح و تبیین چگونه فهمیدن نیست؛ بلکه به پرسشگری ماهیت خود فهم توجه می‌شود. هایدگر^۴ و گادامر^۵ در زمره متفکران این حوزه قرار می‌گیرند. در مقابل هرمنوتیک انتقادی است که در این شیوه هرمنوتیک به مثابه روش و ابزاری جهت نیل به رهایی انسان‌ها فهمیده می‌شود (نوذری و پورخداقلی، ۱۳۸۹: ۹۵-۹۸). هرمنوتیک انتقادی معتقد است که افراد می‌توانند به واسطه معانی مشترک وارد گفتگو با یکدیگر شوند.

پرسش اصلی در هرمنوتیک و اندیشه سیاسی این است که برای درک معنا و فهم یک متن چه رویه‌هایی باید اتخاذ کرد؟ در پاسخ به این پرسش دو رویکرد زمینه‌گرا و متن‌گرا شکل گرفته است. رویکرد سومی نیز به وجود آمده است که بر مباحث زبان‌شناختی و قصد مؤلف تأکید دارد. این رویکرد در حوزه اندیشه سیاسی بیشتر در آرای کوئنتین اسکینر نمود یافته است. اسکینر استاد علوم سیاسی در دانشگاه کمبریج است. از نظر او متن، تجسم یک عمل ارتباطی قصد شده در یک فضای فکری، عقیدتی و تاریخی خاص است. هر جمله متضمن نیت خاصی درباره مورد یا موقعیت خاص و معطوف به حل مشکلی خاص است (روشن، ۱۳۸۷: ۱۱) روش اسکینر در ردیف

-
1. Schleiermacher
 2. Max Weber
 3. Dilthey
 4. Heidegger
 5. Gadamer

روش‌های هرمنوتیکی مؤلف محور قرار دارد؛ روش‌هایی که معنای متن، را همان قصد و نیت مؤلف می‌دانند و معتقدند که برای رسیدن به معنای متن، باید مراد مؤلف آن را درک کرد. او با به کار بردن این روش در فهم اندرزهای غیر فضیلت‌مندانه ماکیاولی به شهریاران می‌نویسد: «بخشی از فهم معنای این اندرز منوط به فهم معنای گفتاری آن، یعنی مفهوم دلالت کلمات به کار برده شده در آن است، اما مسأله مهم‌تر که ضرورت دارد انجام شود این است که منظور ماکیاولی از این ایده چیست و وی چرا آن را نوشته است» (اسکینر، ۱۳۷۲: ۸۶).

بنیاد روش‌شناسی اسکینر پاسخ‌گویی به این سؤال است که در تلاش برای فهم یک متن، چه رویه‌های مناسبی باید اتخاذ نمود؟ بنا به تصریح اسکینر در پاسخ به این سؤال، دو پاسخ متعارف یا دو روش‌شناسی رایج ولی متضاد ارائه شده است. نخست روش‌شناسی قرائت زمینه‌ای که زمینه را تعیین کننده معنای هر متن می‌داند و لذا فهم معنای متن را منوط به فهم زمینه‌های فکری، دینی، سیاسی و اقتصادی می‌داند. مطابق این نگاه در هر تلاش برای فهم معنا، می‌بایست زمینه کلی یا چارچوب نهایی را بازسازی نمود. دوم روش‌شناسی قرائت متنی است که بر خودمختاری ذاتی متن، به عنوان تنها کلید ضروری برای فهم معنای آن تأکید دارد و هر تلاشی را برای بازسازی زمینه اجتماعی بیهوده تلقی می‌کند (Tully, 1988: 29). اسکینر هر دو روش فوق را مورد انتقاد قرار داده و روش‌شناسی خاص خود را که مدعی است از این انتقادات مبرا است، مطرح می‌نماید.

از نگاه او در حیطه اندیشه و فلسفه هیچ مشکل یا مسأله دائمی و عام و هیچ پاسخ دائمی و فرازمانی نداریم. وی معتقد است که برای تفسیر معنای متن به منزله تجسم عینی نیت مؤلف، فهم نیت وی لازم است. این نیت نیز صرفاً عملی ذهنی نیست، بلکه کنشی اجتماعی محسوب می‌شود که در زبان عصر مؤلف عینیت می‌یابد. برای درک نیت مؤلف، علاوه بر شناخت زبان و مفاهیم معانی، شناخت زمینه‌های اجتماعی، تاریخی و فکری زمانه وی نیز لازم است (روشن، ۱۳۸۷: ۱۱).

نکته‌ی اصلی روش‌شناسی اسکینر این است که وی میان "قصد برای انجام یک کار"

و "قصد در حال انجام آن" تمایز قایل می‌شود و معتقد است برای فهم معنای یک متن، دستیابی به قصد مؤلف برای انجام آن کافی نیست، بلکه باید قصد مؤلف را در حال نوشتن آن متن نیز بیابیم. بنابراین از نظر وی، ما در فرایند فهم معنای متن به دنبال کشف انگیزه‌های آگاهانه‌ای که از ذهن عامل گذشته نیستیم، بلکه با قرار دادن متن در زمینه‌ی گسترده‌تر به دنبال قصدیت موجود در خود عمل و رمزگشایی از این هستیم که عامل با رفتار کردن به شیوه‌ای خاص چه کرده است و درصدد بیان چه چیزی بوده است. این تمایز میان قصد و انگیزه‌ی مقدم بر عمل، با قصد موجود در حین عمل که توسط اسکینر انجام گرفته است (حقیقت، ۱۳۷۶: ۳۵۶). نقطه تمایز روش‌شناسی هرمنوتیکی اسکینر است.

با توجه به آن چه که در چارچوب نظری گفته شد نمی‌توان تولید یک متن را بدون در نظر گرفتن شرایط اجتماعی، تاریخی و فکری زمانه وی تحلیل کرد، بلکه متن واسطه‌ای است بین نویسنده و مخاطب تا نویسنده از طریق آن بتواند نیت خود را با توجه به شرایط زمانه خویش به مخاطب انتقال دهد.

بررسی زمینه‌های فکری - اجتماعی و سیاسی نگارش ادب‌نامه حکیم نزاری

حکیم سعدالدین بن شمس‌الدین بن محمد نزاری بیرجندی قهستانی، از شاعران معروف قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری است، نزاری در اواسط قرن هفتم و نزدیک به سال ۶۵۰ هجری در ناحیه قهستان از توابع بیرجند چشم به جهان گشود (صفا، ۱۳۶۶: ۷۳۷-۷۳۱). از این رو هم به نزاری قهستانی و هم به نزاری بیرجندی شهرت داشته است (پورجوادی، ۱۳۸۵: ۳). خانواده نزاری از خاندان‌های اصیل قهستانی و در زمره اشراف زمین دار آن جا بوده که بعد از حمله هولاکو خان مغول به سرزمین‌شان و قتل عام اسماعیلیان مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شدند (متوسلی و حسینی کازرون، ۱۳۹۳: ۳).

سعدالدین در زمان حمله‌ی مغول کودکی ۶ یا ۷ ساله بود. او بعد از فروکش کردن تهاجم دشمن و ایجاد نظم و امنیت تقریبی در قهستان تحصیلات خود را آغاز کرد. پدر

او شمس الدین محمد وی را در بیرجند به مکتب فرستاد و در آن جا سعدالدین اندکی زبان عربی را فراگرفت و بخش هایی از قرآن را حفظ کرد. ظاهراً در همین ایام بود که استعداد و قریحه ی شاعری او آشکار گشت (ابوجمال، ۱۳۸۹: ۷۴).

پدر نزاری نقش مهمی در شکل گیری جهان بینی وی داشته است. نزاری معلومات وسیع خود را از اندیشه و ادبیات اسماعیلی توسط پدر یا احتمالاً یک یا چند تن از داعیان اسماعیلی که از حمله مغول جان سالم به در برده اند کسب کرده است (غلامی، ۱۳۹۳: ۴).

زمانه نزاری زمانه ای پر سانحه و پر از تشنجات سیاسی و نظامی بود. بنابراین می توان گفت تقریباً سراسر زندگی نزاری قهستانی در زمان حکومت مغولان در ایران سپری شد و وی شاهد ویرانی های عظیمی بود که مهاجمان در وطن او به بار آوردند (تنهایی و زنگویی، ۱۳۹۳: ۳). هولاکوخان در پایان سال ۶۵۱ هجری، به قصد برچیدن کامل اسماعیلیان از قهستان خراسان، حمله ی خود را آغاز کرد که نهایت آن، قلع و قمع اسماعیلیان در سال ۶۵۴ هجری قمری است (همانجا).

بنابراین حکیم نزاری در شرایطی زندگی می کرد که ایران و به خصوص خراسان در نتیجه ی حملات مغولان در اوضاع نابسامان سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به سر می برد. فقر و فلاکت در کشور بیداد می کرد و ناامنی حاکم بود. از طرفی، حکومت های مستقلی که شکل گرفته بود زمینه را برای جنگ های داخلی فراهم کرده بودند. این شرایط بر شکل گیری اندیشه و تبلور آن در شعر نزاری اثرگذار بوده است. نزاری با لحنی انتقادی از وجود بسیاری از ردایل اخلاقی، بی عدالتی ها و نیز اوضاع نابسامان اجتماعی و سیاسی خود گله مند است. نزاری یک نقاد بی باک اجتماعی است. او اگر چه به مدح و ستایش برخی از حاکمان محلی چون آل کرت یا حکام محلی قهستان پرداخته اما این امر مانع از آن نشده که از نقد اوضاع نابسامان اقتصادی و اجتماعی جامعه خود غافل بماند (تنهایی و زنگویی، ۱۳۹۳: ۳).

حکیم نزاری به واسطه اشعار نغزش مورد توجه حاکمان زیادی قرار گرفت و به دنبال آن در مناصب مهمی به کار گماشته شد. این امر او را از مال دنیا بی نیاز کرد و در شرایط

مطلوبی قرار داد (بهنام فر و کشاورز، ۱۳۹۳: ۶). نزاری در حدود سال ۶۶۹ قمری به هرات وارد شد و در این زمان که به خدمت شمس الدین حاکم آل کرت درآمد، بیست سال بیشتر نداشت. نزاری در دیوان استیفای ممالک که مسؤول جمع آوری مالیات و امور مالی بود مشغول شد. به نظر می رسد وی در هرات نخست با سمت مأمور اداری در دفتر صدارتی پادشاه آل کرت استخدام شده و راه یابی او به محافل درباری هرات، احتمالاً پس از سال ها تجربه ی شاعری امکان پذیر شده است (لامعی گیو و اسدزاده، ۱۳۹۳: ۳). به روشنی معلوم نیست که نزاری که در عنفوان جوانی به دربار حاکمان آل کرت هرات راه پیدا می کند، آیا واقعاً در همان ابتدا در حد یک شاعر زبردست درباری بوده است یا نه؟ ولی آن چه مشخص است به مدح ملوک آل کرت پرداخته است. این احتمال وجود دارد که فقر و تهیدستی خانواده او پس از غلبه مغولان، وی را به این کار واداشته است. از طرفی نیز تحصیلات و تعلیم و تربیت وی بدان حد از کفایت رسیده بود که او را برای خدمت در دستگاه دولتی واجد شرایط کند (غلامی، ۱۳۹۳: ۶).

نزاری با توجه به ماهیت شغلش و در جریان انجام وظایف اجرایش ناگزیر بود که سفرهای مختلف و متعددی را انجام دهد. بنابراین بارها به قهستان، سیستان، ری و سایر نواحی خراسان سفرکرد. نزاری طولانی ترین سفرش را از قهستان به منطقه قفقاز در سال ۶۷۹ قمری آغاز نمود و تجربه ی این سفر دوساله را در قالب سفرنامه به نظم در آورد (ابوجمال، ۱۳۸۹: ۸۲).

در ضمن این سفرها بود که نزاری وضعیت اسف بار مردم و آثار مصیبت بار مالیات های سنگینی را که دولت مغول و مأموران آن ها بر مردم نواحی روستایی تحمیل کرده بودند را مشاهده نمود. این امر باعث پیدایش بینش انتقادی و نهایتاً روی گردانی نزاری از سلسله آل کرت شد. این احتمال وجود دارد که محول شدن مأموریت جدید از طرف سازمان دعوت اسماعیلی، موجبات ترک دربار را فراهم کرده باشد (همان: ۶). نزاری پس از اتمام این سفر از دربار هرات کناره می گیرد و به موطن خویش قهستان برمی گردد (حمیدی، خسروی زارگز و فرزانه پور، ۱۳۹۳: ۲).

حکیم نزاری پس از بازگشت از سفر قفقاز و روی گردانی از دربار آل کرت، در دربار

علیشاه حاکم وقت قهستان به خدمت مشغول شد. ممکن است نزاری در ساله ۶۹۴ هجری قمری پس از آن که علیشاه پایگاه خود را در بیرجند مستقر ساخت و با کمک سپاه سیستان، مغولان را از آن ولایت بیرون راند، به دربار وی راه یافته باشد. این که انگیزه دوباره نزاری پس از ترک دربار آل کرت و ورود به دربار مهربانیان قهستان چه بوده است، دقیقاً مشخص نیست. شاید گذر عمر او را بر آن داشته است و شاید هم اطلاعات و تجربه وی در دربار آل کرت، علیشاه را بر آن داشته است تا وی را به خدمت بگیرد. در حالی که این امکان نیز وجود دارد که مسئولیت جدیدی که در طی سفرش در تبریز و به احتمال قوی از طرف امام اسماعیلی یا بزرگان دیگر اسماعیلی به وی محول شد، اقتضا می کرده تا در دربار حضور داشته باشد (غلامی، ۱۳۹۳: ۱۱-۱۲).

آرامش نزاری در دربار علیشاه دیری نپایید و به زودی هدف تهمت ها و حمله های شدید علمای اهل سنت قرار گرفت، هر چند در این میان رابطه دوستانه نزاری و علیشاه به دلیل اعتراض نزاری به محکوم شدن یکی از دوستانش به مرگ، به تیرگی گرایید و نزاری نهایتاً از مقام خود عزل شد (همان: ۱۲-۱۳). اما حکیم که هم چنان علاقه داشت در عرصه سیاسی فعالیت داشته باشد، سعی نمود دوباره نظر علیشاه را جلب کند. پس کتاب ادب نامه را نوشت و به وی تقدیم کرد. این اثر به قصد رفع سوءظن شاه و جلب عنایت او سروده شده است. شاعر در این اثر درصدد است تا تهمت هایی که بر اثر دسیسه های درباریان به او وارد شده را رد کند، هر چند با سرودن این منظومه به نتیجه دلخواه خود نمی رسد (صمصامی، ۱۳۹۳: ۳). بالاخره نزاری در ۵۰ سالگی عطای دربار را به لقایش بخشید، مصادره میراث پدری اش از سوی حکام محلی سبب شد تا سال های آخر عمرش را در نهایت فقر و فاقه سپری نماید (غلامی، ۱۳۹۳: ۱۳).

زمینه های فکری - اجتماعی و سیاسی نگارش شهریار ماکیاولی

نیکولو ماکیاولی در سال ۱۴۶۹ میلادی در شهر نآرام فلورانس به دنیا آمد. در سراسر سده سیزدهم میلادی اتحادیه گوتلف ها^۱ که طرفدار پاپ بودند با گیبیلین ها^۲ که هوادار

1. Gvylf

2. Gyblyn

امپراتوری مقدس روم بودند، درگیر جنگ بودند. پایان قرن سیزدهم گوئلف‌های فلورانسی خود به دو دسته تقسیم شدند: سفیدها (ضدپاپ) و سیاه‌ها (طرفدار پاپ). کشمکش و کشتار دهشتناک، وجه ممیزه این دو گروه در این دوران بود. این وقایع چنان بر ذهن ماکیاوول اثرگذار بود که بخش اعظم کتاب تاریخ فلورانس را به توصیف این کشتار فرقه‌ای و مرگبار اختصاص داده است (کاری و زارات، ۱۳۷۸: ۲۲).

خانواده نیکولو از خاندان‌های کهن بودند که گه‌گاهی مقام‌های بسیار بالا در حکومت به دست می‌آوردند. با این حال ثروت زیادی نداشتند و پدر به زحمت مخارج خانواده را تأمین می‌کرد. وی تحصیل خود را از حدود هفت سالگی شروع نمود و ابتدا زبان لاتین و سپس فن و خطابه سخنوری و نوشتن را آموخت.

عصر ماکیاوولی عصر انحطاط فئودالیسم و فروپاشی جهان‌بینی قرون وسطایی است. اندیشه سیاسی ماکیاوولی تحت تأثیر چنین شرایطی پدیدار می‌شود. برای شناخت هرچه بیشتر ماکیاوولی نیازمند شناخت اوضاع و احوال زمانه او هستیم. در این دوره خاندان مدیچی^۱ در فلورانس حکومت می‌کرد و در این دولت-شهر از امکانات سیاسی و اقتصادی فوق‌العاده‌ای برخوردار بود به گونه‌ای که وابستگی این خانواده به محافل بانکی و مالی در پیشرفت فلورانس نقش اساسی داشت. شرایط تاریخی ایتالیا به گونه‌ای بود که هر یک از خانواده‌های آن مدعی حکومت بودند و از آن‌جا که ایتالیا هیچ‌گاه متحد و یکپارچه نشده بود، دولت-شهرهای آن می‌کوشیدند تا تعادل قدرت را حفظ کنند. ایتالیا در این دوران از نظر سیاسی کشوری تجزیه شده‌ای بود. برخی دولت‌شهرهای آن (نظیر ونیز و فلورانس) جمهوری بودند و برخی دیگر به صورت پادشاهی اداره می‌شدند. در واقع، این‌ها دو نوع حکومت ناپایدار در این کشور بودند که به سرعت جایگزین یکدیگر می‌شدند و هر دوی آن‌ها درگیر جاه‌طلبی‌های شخصی بودند. ناپایداری دولت-شهرها چندین عامل داشت، از جمله لشکرهای شان عمده‌تاً از سربازان مزدور تشکیل می‌شد. عامل دیگر، وجود سرزمین‌هایی بود که مستقیماً توسط کلیسای کاتولیک اداره می‌شدند و نهایتاً مسأله دیگر دخالت سایر کشورهای اروپایی یعنی آلمان،

فرانسه و اسپانیا در خاک ایتالیا بود (فاستر، ۱۳۵۸: ۴۶۲).

یکی از معلمان ماکیاولی به نام سودرینی^۱ رئیس شورای حکومتی فلورانس بود که ماکیاولی به سفارش وی در سال ۱۴۹۸ به سمتی دولتی منصوب شد (آمیگه، ۱۳۶۶: ۳). ماکیاولی در ۲۹ سالگی وارد مشاغل دولتی می‌شود و به دلیل هوش سرشار و ذوق و استعداد وافرش در فهم مناسبات سیاسی، پله‌های ترقی را به سرعت می‌پیماید. او به تدریج به مأموریت‌های سیاسی فرستاده می‌شود و در حکومت جمهوری به قدر و منزلتی دست می‌یابد (موسکا و گاستون، ۱۳۷۰: ۱۲۸). اولین مأموریت وی در ژوئیه ۱۵۰۰ میلادی رخ داد، هنگامی که ماکیاول به دربار لویی دوازدهم پادشاه فرانسه رفت تا درباره گرفتاری‌های شهر فلورانس با شهرپیزا، به مذاکره بپردازد. مدت اقامت وی در آن جا به شش ماه انجامید. در آن زمان بود که وی به وضع نامشخص دولت-شهرهای ایتالیا که روز به روز مبهم‌تر می‌شد پی برد. در این سال فلورانس برای بازپس‌گیری پیزا اقدام به لشکرکشی نمود. پیزا یورش فرانسه به فلورانس را غنیمت شمرده و نهایتاً اعلام استقلال کرد. مسأله اشغال پیزا و کمک نکردن فرانسوی‌ها برای بازپس‌گیری آن، ضربه روحی سنگینی بر ماکیاول وارد نمود. دومین واقعه تأثیرگذار بر اندیشه وی، آشنایی‌اش با سزار بورجیا^۲ بود. فردی که در سال‌های ۱۵۰۱ الی ۱۵۰۲ تقریباً شمال و مرکز ایتالیا را مورد تاخت و تاز قرار داد و آن جا را زیر سیطره خود قرار داده بود. یورجیا می‌خواست با فلورانسی‌ها متحد شود، به همین منظور از جانب فلورانس نماینده‌ای فرستاده شد؛ این فرد کسی نبود به جز ماکیاول. این مأموریت در حقیقت آغاز دوره‌ای بود که زندگی سیاسی ماکیاولی بیش از هر زمان دیگری در آن شکل گرفت و در آن زمان وی توانست مستقیماً ناظر بر کشورداری سرزمینش باشد و به ارزیابی آن بپردازد. در سال ۱۵۰۲ بورجیا قهرمان کتاب شهریار ظهور می‌کند. ماکیاولی با او ملاقات می‌کند و آرزوها و آمال خود را در وی محقق می‌بیند. ماکیاول در ۱۵۱۰ به ملاقات امپراتور ماکسیمیلیان رفت و او را فردی ضعیف در تصمیم‌گیری یافت. به همین دلیل در این ملاقات، حقارت بی‌چون و چرای امپراتور را به خاطر بی‌ارادگی‌اش و هم‌چنین

1. Santorini

2. Cesare Borgia

ستایش مبالغه‌آمیز بی حد و حصرش از وضعیت آلمان نکوهش کرد (ردهد، ۱۳۷۳: ۱۲۵).

در جنگ میان پاپ و فرانسوی‌ها در سال ۱۵۱۲ که در آن اسپانیا از پاپ حمایت می‌کرد، جمهوری فلورانس که حامی فرانسه بود زیر سم اسبان اسپانیایی از بین رفت و خاندان مدیچی قدرت را از دست داد و «بخت همان‌گونه که از رژیم جمهوری روی برتافته بود، از ماکیاولی هم برگشت» (اسکینر، ۱۳۷۲: ۳۹). کنار رفتن بخت از ماکیاولی تا حدی بود که در ۱۵۱۳ به جرم توطئه علیه خاندان مدیچی به زندان گرفتار و متحمل رنج و سختی بسیار شد. در سال ۱۵۱۳ یکی از اعضای خاندان مدیچی به عنوان پاپ منصوب شد (لئوی دهم) و به شکرانه آن زندانیان آزاد شدند. ماکیاولی پس از رهایی از زندان برای بازگشت به عرصه سیاست تلاش‌هایی کرد که ناکام ماند. وی از دوستش، سفیر فلورانس در رم، فرانچسکو وتوری^۱ درخواست کرد که کاری برایش در دربار (حتی غلطاندن سنگ) جور کند اما وتوری موفق به این کار نشد. ماکیاولی به مزرعه کوچک پدری رفت و پانزده سال باقیمانده عمر را در فقری همراه با امید سپری نمود. وی کتاب‌هایش را در همین سال‌ها به رشته تحریر درآورده است (دورانت، ۱۳۷۳، ج ۵: ۵۸۲). ماکیاولی وضعیت جدید زندگی خود را در نامه‌ای به دوستش فرانچسکو وتوری چنین شرح می‌دهد:

به خانه برمی‌گردم و به اتاق مطالعه‌ام می‌روم؛ در آستانه در جامعه غبارآلود روز را از تن بیرون می‌کنم و لباسی فاخر می‌پوشم و با این لباس مناسب به بارگاه مردان روزگار کهن گام می‌نهم. در آن جا با رویی گشاده به استقبالم می‌آیند و من از طعمی که تنها بهره من است و برای آن زاده شده‌ام تناول می‌کنم. آن گاه بی هیچ پرده پوشی با آن‌ها سخن می‌گویم و از دلایل کارهای شان می‌پرسم و آن‌ها نیز متواضعانه پاسخ می‌گویند. در همه آن چهار ساعت که به گفتگو مشغولم، هیچ احساس ملالی نمی‌کنم. مصائب را از یاد می‌برم. نه از تنگدستی می‌هراسم و نه مرگ مرا به وحشت می‌اندازد؛ خودم را تماماً وقف این گفتگو می‌کنم (کاری و زارات، ۱۳۷۸: ۴۹).

نیکولو ماکیاولی سرانجام در سال ۱۵۲۷ میلادی و بعد از تحمل یک دوره بیماری با رویکردی دوباره به دین در ۵۸ سالگی وفات یافت. بر سنگ مزارش این جمله حک شده است «هیچ سنگ نبشته‌ای را یارای برابری با این چنین نام بلندی نیست» (دورانت، ۱۳۷۳، ج ۵: ۵۸۳).

بررسی تطبیقی مفهوم قدرت سیاسی در شهریار ماکیاولی و ادب نامه حکیم نزاری

قصد ماکیاول از نگارش شهریار، تلاش برای حضور دوباره در صحنه سیاست است. کتابی جنجال برانگیز که نتیجه واقع گرایی و نگاه رئالیستی ماکیاول به قدرت و عرصه قدرت سیاسی است. در این کتاب، نویسنده تلاش می کند بهترین شیوه حکومت بر جامعه از هم گسیخته‌ای هم چون ایتالیا را نشان دهد. شهریار زاییده ذهن نوآور نویسنده‌ای است که در روزگاری می زیست که کشورش به چند پادشاهی تقسیم شده و لگدکوب قدرت های جوان و نوساخته اروپا، چون فرانسه و اسپانیا شده است. ماکیاولی امید داشت خاندان مدیچی بتواند ایتالیا را متحد و یکپارچه سازد (صمصامی، ۱۳۹۳: ۳).

نزاری هم برای جلب نظر علیشاه و بازگشت به دربار کتاب ادب نامه را به وی تقدیم می کند. ادب نامه به شرح تاریخی و نقد اجتماعی دوران خود می پردازد و علاوه بر آن، اندرزهایی برای بهترین شیوه حکومت بر مردم را به پادشاه ارائه می دهد (متوسلی و حسینی کازرون، ۱۳۹۳: ۱۱). ادب نامه درون مایه سیاسی دارد و بیشتر مسائل سیاسی و درباری عصر شاعر در آن مطرح شده است. اما با توجه به این که سیاست در بطن جامعه قرار دارد، حاوی مثل هایی است که برگرفته از پندارها و مفاهیم حکمت آمیز اجتماعی و فرهنگی است (سنچولی و کشاورزی، ۱۳۹۳: ۲).

با بررسی تطبیقی شهریار و ادب نامه می توان به مفاهیم مشترکی در حوزه قدرت سیاسی دست یافت. البته ناگفته پیداست هدف این دو اثر صرفاً همین نیست و ماکیاول و نزاری در یک شرایط کاملاً مشابه نزیسته اند و تمام افکارشان نیز شبیه هم نیست، بلکه این تحقیق قصد دارد فقط به یکی از ابعاد مسأله، یعنی مفهوم قدرت سیاسی در شهریار و ادب نامه بپردازد.

بررسی شرایط فکری - اجتماعی و سیاسی ماکیاولی و نزاری نشان می‌دهد که دو اثر شهریار و ادب‌نامه در شرایط تقریباً مشابهی نگارش یافته است، هر دو نویسنده در سیاست عملی درگیر بوده که جنبه نظری بسیار عمیقی، این عمل و تجربه را پشتیبانی می‌کرده است. بنابراین اندیشه این دو متفکر حاصل عمل و نظر آنهاست. از سوی دیگر، هر دو طعم تلخ حضور بیگانه و بی‌ثباتی سیاسی را در پیرامون خود چشیده‌اند. هر دو با خشونت، بی‌رحمی و بی‌خانمانی، فقر و گرسنگی ناشی از جنگ آشنا هستند. هر دو زمانی را در قدرت حضور داشته، ولی چند صباحی بعد آن را از کف داده و تمام عمر را با خاطره بازگشت به قدرت می‌گذرانند. در واقع ماکیاول و نزاری مدام در اندیشه ورود مجدد به قدرت سیاسی هستند؛ اما شرایط سیاسی اجتماعی زمانه این امر را برایشان فراهم نمی‌آورد و این امر، سبب می‌شود تا آخرین سال‌های عمر را در تنهایی و انزوا در ملک پدری خود و دور از هرگونه هیاهوی سیاست سپری نمایند (البته باید گفت که نوع حضور این دو نفر در ساختار قدرت سیاسی متفاوت است، ماکیاولی در سطوح بالای قدرت ولی نزاری به عنوان شغلی کارمندی و دیوانی). این نوشتار قصد دارد به بررسی مفهوم قدرت سیاسی و ویژگی‌های آن در کتاب شهریار ماکیاولی و ادب‌نامه نزاری بپردازد و با توجه به شرایط فکری - اجتماعی و سیاسی (زمینه) نسبتاً مشابه این دو اندیشمند نشان دهد که این زمینه مشابه باعث ظهور متون مشابه بویژه در حوزه قدرت سیاسی شده است.

۱- امنیت و قدرت سیاسی

ماکیاول مانند هر اندیشمند دیگری، فرزند زمانه خویش است و در اندیشه‌اش اوضاع زمان خود را بازتاب می‌دهد. او در کتاب شهریار وضعیت نابسامان کشور خود را نشان می‌دهد. کشوری چندپاره و دستخوش بازی‌های سیاسی که توسط کشورهای قدرتمند همسایه، مورد هجوم قرار گرفته است. در واقع، ایتالیا قربانی قدرت‌نمایی این کشورها می‌شود. وی با توجه به همین اوضاع است که در بحث پایانی کتاب شهریار به دنبال شهریاری قدرتمند است که بتواند ایتالیا را از خطر بیگانگان حفظ کند و امنیت را بر

جامعه حکم فرما کند (ماکیاولی، ۱۳۸۸: ۴۲-۴۳). ماکیاولی با توجه به اوضاع سیاسی اجتماعی و هرج و مرج حاکم بر جامعه همه چیز را برای ظهور فردی قدرتمند و خردمند که بتواند اوضاع را سامان ببخشد فراهم می بیند. او معتقد است همان گونه که پارسیان و آتانیان در شرایطی قرار گرفتند تا در نهایت مردی بزرگ ظهور کرد و اوضاع کشورشان را سامان داد و آن ها را به مرتبه و جایگاه بلند رساند، اوضاع کنونی جامعه ایتالیا نیز همین ویژگی را دارد و مستعد ظهور یک شهریار قدرتمند، برای سامان دادن به ایتالیاست: "ایتالیایی که بی هیچ سروسامان، فروکوفته و غارت زده، پاره و پاره و لگدکوب و گرفتار هزار بلاست و با توجه به گسترش تحولات و زوال جنگاوری در این کشور، ایجاد یک سپاه قدرتمند، اولین اقدام در این زمینه است" (همان: ۱۹۳-۱۹۴).

حکیم نزاری نیز از جمله بزرگانی است که با توجه به مسائل ساختار سیاسی دوره زندگی خود با دغدغه امنیت مواجه بوده است و شاید بتوان گفت نگاه بدبینانه و صرفاً رئالیستی وی به قدرت سیاسی، ناشی از همین مسأله باشد. یکی از دغدغه ها و دردهای حکیم ناامنی است، بیراه نخواهد بود اگر گفته شود که این مسأله بر تعریف وی از قدرت سیاسی و هم چنین نگاه رئالیستی وی مؤثر است. او در مدح از محمد سیرشاه یکی از ویژگی های مثبت وی را برقراری دوباره امنیت در قاینات و خراسان می داند (حمیدی، خسروی زارگز و فرزانه پور، ۱۳۹۳: ۵).

مدینه اقالیم چون سیستان
ز چنگال شیران برون کرده ای
چو سیلاب ناپاک بنیاد کن
به مال کسان کرده چنگال تیز
شدی چون خراسان خراب و بیاب
جهان را ز ظلمت تو دادی نجات
(نزاری قهستانی، ۱۳۹۲: ۲۲).

به جود وجود تو شد قهستان
قهستان کز آفت مصون کرده ای
نهنگان خونخوار کشتی شکن
ز مستی گداپیشه پرستیز
ز سعی تو آن ورنه در انقلاب
سپردی به مردی طریق ثبات

۲- دین و قدرت سیاسی

ماکیاولی تفکیک حوزه دین از حوزه سیاست را قبول ندارد. او این مسأله که مذهب بتواند برتر یا مستقل از دولت باشد را رد می‌کند. در اندیشه ماکیاول مذهب جایگاه بالایی دارد که می‌تواند سلامت و خوشبختی دولت را فراهم کند. وی به اصل تفکیک حوزه روحانی از حوزه سیاسی می‌تازد و نظریه قانون طبیعی را رد می‌کند. ماکیاولی هیچ فرقی میان قانون طبیعی و الهی قائل نیست و نه تنها اندیشه برتری دین را نسبت به دولت رد می‌کند، بلکه خود این ادعا را که دین ممکن است وجودی مستقل از دولت داشته باشد را به کلی نفی می‌کند. وی معتقد است در اوضاع و احوالی که شرایط برای نافرمانی و فرار از مجازات فراهم است، برای این که مردم نسبت به دولت وفادار بمانند، نیاز به انگیزه‌ای قوی دارند که فقط دین می‌تواند آن را تولید کند. ماکیاولی مقامی بس والا برای مذهب در درون تشکیلات دولت قائل است؛ ولی این مقام فقط در داخل دولت است و چیزی بالاتر یا مستقل از دولت نیست (فاستر، ۱۳۵۸: ۴۶۵-۴۶۷).

ماکیاولی (۱۳۸۸: ۱۳۴-۱۹۳) در فصل یازدهم کتاب شهریار، به شهریاری دین یاران می‌پردازد. از نظر او امنیت بالایی در حکومت‌های دینی وجود دارد: "این گونه شهریاری‌ها را یا به هنر می‌گیرند یا به یاری بخت، اما بی‌این و آن نگاه می‌دارند، زیرا نهادهای دیرینه دینی نگهبان آن‌اند که قدرتی بی‌مانند دارند. تنها این گونه شهریاران‌اند که کشوری دارند بی‌آن‌که به کارشان برسند و اگر چه کشورشان بی‌دفاع است کسی نیز آن را از ایشان نمی‌ستاند و رعایا نیز از این غمی ندارند که سایه حکومتی بر سرشان نیست، زیرا نه توانایی و نه امید گسیختن از آن را دارند. پس تنها این گونه شهریاری‌ها ایمن‌اند و شادکام".

حکیم نزاری همانند ماکیاولی به جدایی دین از دولت اعتقادی ندارد و این که هر کدام از این دو بخواهد در حوزه خود قدرت‌نمایی کند را رد می‌کند. او تنها شاه را مظهر قدرت سیاسی و دینی می‌داند:

یک اقلیم را اگر دو فرمانده است	خراب است و گر خود همه یک ده است
نگنجد دو شمشیر در یک نیام	به نزدیک خلق این مثل هست عام

(نزاری قهستانی، ۱۳۹۲: ۲۷)

وی معتقد است "ملک و دین" لازم و ملزوم یکدیگرند و آن کسی که قدرت سیاسی را در دست دارد؛ الزماً باید در مسائل دینی صاحب نظر و برجسته باشد:

دو اصل اند در یک مکان ملک و دین نباشند از هم جدا آن و این
 هر آن کس که بر ملک باشد امیر نمی باشد از دین پاکش گزیر (همانجا)

هم چنین نزاری همانند ماکیاولی نقش مهمی برای دین در ساختار سیاسی قائل است: به دین مملکت را توان داشتن محال است تن به جز جان داشتن (همانجا)

با این وجود از نظر نزاری جایگاه دین و علمای دینی هیچ گاه بالاتر یا مستقل از قدرت سیاسی نیست:

درین منزل از عالمان چاره نیست به شرطی که در صدر همواره نیست (همانجا)

بنابراین با وجود این که دین جایگاهی رفیع در اندیشه نزاری دارد، وظایف و اختیارات دین و علمای دینی به حوزه های خاصی محدود شده است:

ملک را ز دیندار نبود گریز به خاصان و عامان بشیر و نذیر
 به ره آورد عامه را از ضلال نماید بدیشان حرام از حلال
 به راه شریعت هدایت کند به مقدار هر کس روایت کند (همانجا)

۳- قدرت مطلقه سیاسی

ماکیاولی در بخش های مختلف کتاب شهریار، اقتدار عمل را به عنوان یکی از مهم ترین ویژگی های یک شاه قدرتمند به حساب می آورد، شاه مظهر قدرت سیاسی است و قدرت سیاسی برترین نوع قدرت است. وی معتقد است: "شهریار نمی باید گوش به سخن هیچ کس سپارد و بر هر چه رأی آن قرار گرفته پایداری باشد و بر رأی خویش استوار" (ماکیاولی، ۱۳۸۸: ۱۸۰).

ماکیاولی هم چنین تأکید می کند شهریار باید همیشه اقتدار خود را حفظ کرده و دستوراتش قطعی باشد. در فرایندهای تصمیم گیری نیز این نظر شاه است که به عنوان ملاک مدنظر قرار می گیرد، چرا که قدرت به صورت مطلق در دست شاه به عنوان تصمیم گیرنده نهایی در همه مسائل است:

"شهریار در همه حال می باید چنان رفتار کند که حکایت از شکوه و دلیری و آهستگی و توانایی کند و چون در باب کار و باری فرمانی روان کند فرمانش باید برگشت ناپذیر شمرده شود و چنان می باید رفتار کند که هیچ کس را گمان فریفتن یا وسوسه کردن وی در سر نیاید" (همان: ۱۵۱).

برای نمایاندن این قدرت مطلق سیاسی در عرصه اجتماعی ماکیاول توصیه هایی برای شهریار دارد:

"چون کسی در زندگی اجتماعی دست به کاری شگرف زند، خوب یا بد، شهریار می باید آن را چنان پاداش یا کیفر دهد که بر سر زبان ها افتد. بالاتر از همه آن که شهریار در هر کاری می باید چنان باشد که در بزرگی و کاردانی انگشت نمای همگان شود" (همان: ۱۷۲)

حکیم نزاری هم قدرت سیاسی را به عنوان قدرت برتر در اختیار شاه می بیند، شاهی که در رأس حکومت قرار دارد و اعضاء دولت و مردم از او تبعیت کرده و از او دستور می گیرند. وی اطاعت از قدرت سیاسی و شخص شاه را تنها عاملی می داند که افراد از طریق آن می توانند به اهداف و آرزوهای خود برسند:

هر آن آرزو هوا و هوس	که خواهی و داری بدان دسترس
به یک یک مرادت نکو کن نگاه	که هست اندر آن طاعت پادشاه

(نزاری قهستانی، ۱۳۹۲: ۴۵)

از طرف دیگر، نزاری خدمت بیشتر به شاه و تسلیم بودن در برابر اوامر وی را عاملی می داند برای نزدیکی بیشتر به شاه و مبنایی برای شایسته سالاری:

نه هرکس که شایسته تر پیش شاه	بود معتبرتر به اقبال و جاه
بخدمت هر آن کس که پرکارتر	به قربت همان کس سزاوارتر (همان: ۴۴)

۴- کارگزاران حکومتی و قدرت سیاسی

ماکیاولی یکی از مهم ترین وظایف شهریار را انتخاب وزیر و کارگزاران حکومتی می داند، انتخابی که می تواند ملاکی مهم برای ارزیابی خود شهریار هم باشد. از نظر او

کارگزاران حکومتی نقش مهمی در ارزیابی کلی از حکومت دارند، به گونه‌ای که رفتار و عملکرد نادرست آن‌ها باعث ارزیابی منفی از حکومت و رفتار و عملکرد مناسب آن‌ها باعث ارزیابی مثبت مردم از حکومت می‌شود.

"شهریار را گزینش وزیران نه کاری است خرد. خوبی و بدی آن به زیرکی شهریار باز بسته است. پیرامونیان فرمانروا نخستین سنجه‌ی هوشمندی اویند. اگر اینان کارآمد و وفادار باشند وی را می‌توان همواره خردمند شمرد، زیرا توانسته است کارآمدی ایشان را باز شناسد و وفادارشان نگاه دارد. اما اگر جز این باشند هیچ کس را در حق وی نظر نیک نخواهد بود، زیرا نخستین خطای وی برگزیدن چنین کسانی است" (ماکیاولی، ۱۳۸۸: ۱۸۷). حکیم نزاری هم چون ماکیاولی نقش نزدیکان و اطرافیان را در ارزیابی مردم از شاه مهم می‌داند:

ملک را شناسندگان جهان	به اطراف در، آشکار و نهان
بدانند از همنشینان او	دلایل برند از قرینان او
از احوال ایشان بر احوال شاه	بگیرند در دم دلیل و گواه

(نزاری قهستانی، ۱۳۹۲: ۹۹)

هم چنین حکیم به اطرافیان شاه هم توصیه می‌کند که مواظب اعمال و گفتار خود باشند، زیرا همه این‌ها به حساب شاه گذاشته می‌شود:

ز خود با خبر باش در نهی و امر	بپرهیز از طعنه زید و عمرو
که هستند ناظر به احوال تو	ز هرگونه گونه اقوال و اعمال تو
چو کردند بیش و کم را نگاه	کنندت بد و نیک نسبت به شاه
در اخلاق هرگونه زشت و نکوست	نگویند از تست گویند ازوست

(همانجا)

۵- سخاوتمندی و قدرت سیاسی

ماکیاولی سخاوتمندی را به عنوان یک خصلت خوب برای شهریار تأیید می‌کند که به شیوه درست و شایسته باشد. به نظر وی این خصلت خوب اگر به شیوه‌ی درستی صورت نگیرد، نهایتی جز خزانه خالی و بدنامی در پی نخواهد داشت. ماکیاولی اسراف

در سخاوت و سخاوت‌مندی برای شهرت را نقد می‌کند و معتقد است سرانجام این کار خزانه‌ای خالی ایست که نهایتاً باید با افزایش مالیات از مردم پر شود که این خود نفرت مردم از شاه را در پی دارد. وی برای اثبات این موضوع این گونه استدلال می‌کند:

"اگر بخشندگی درست و به شیوه‌ی شایسته باشد، کسی از آن خبردار نخواهد شد. تو را از بدنامی خلاف آن در امان نخواهد داشت، اما هرکه بخواهد در میان مردم به بخشندگی نامدار شود، می‌باید از نمایش آن فروگذار نکند و شهریاری که چنین کند، به زودی خزانه‌ای تهی خواهد داشت و سرانجام ناگزیر از آن خواهد شد که برای نگاه داشت نام خویش در داد - و - دهش، بیش بار برگرده مردم بگذارد و خراج بستاند. این کار رعایا را از وی بیزار خواهد کرد و نیز به سبب تهی کیسگی‌اش در چشم دیگران خوار خواهد گشت" (ماکیاولی، ۱۳۸۸: ۱۳۷).

حکیم نزاری هم سخاوت را مورد تعریف و تمجید قرار می‌دهد و آن را یکی از ویژگی‌های خوب شاه می‌داند:

بگویم گر انصاف بردی رهی	بهین خاصیت های شاه و رهی
تو هم گر یساریت باشد بکوش	فراخی دست و دل و چشم و گوش

(نزاری قهستانی، ۱۳۹۲: ۹۶)

نزاری با همه مزایایی که برای سخاوت و بخشندگی برمی‌شمارد و از جمله به دست آوردن اطاعت دیگران، ولی افراط شاه در سخاوت را رد می‌کند:

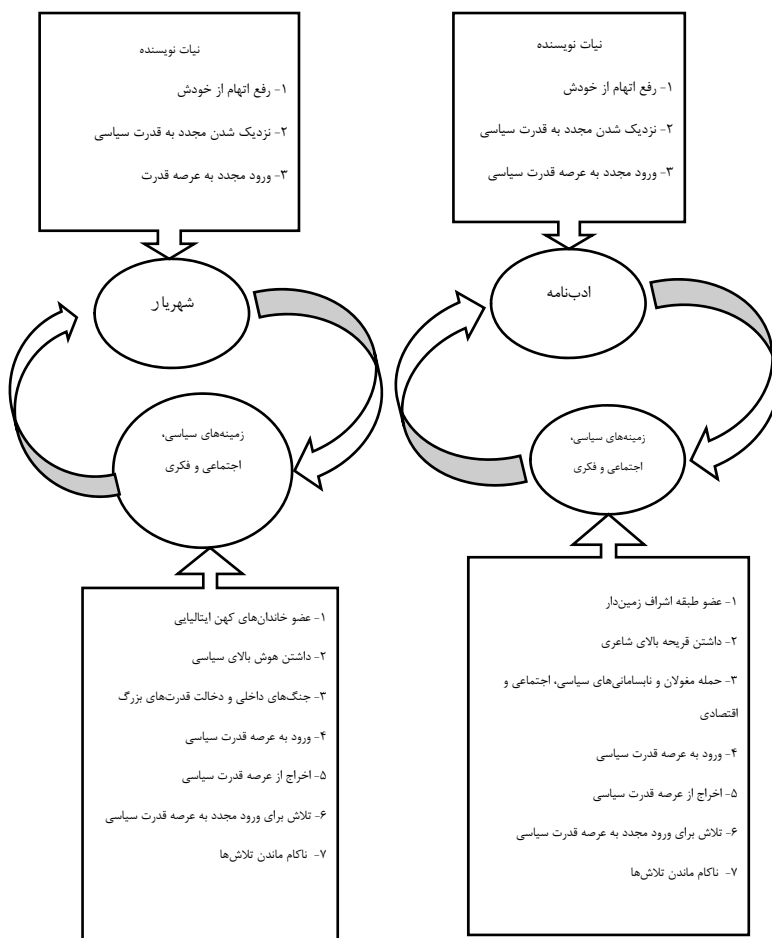
دماغ دو گیتی معطر کند	سقا کل عالم مسخر کند
بود خاصیت هاش ازین جنس و نوع	کند بنده آزادگان را به طوع
که اسراف بیرون ز انصاف شد	و لیکن نه چندانک اسراف شد
میانجی سخاوت به انصاف کرد	تهی دست گردد ز اسراف مرد

(همانجا)

حکیم هم مانند ماکیاول سرانجام این اسراف در سخاوت را خزانه‌ای تهی می‌داند: چو شه را به انصاف رخصت دهی شود زین سخاوت خزاین تهی (همانجا)

همان گونه که بررسی شد با مطالعه تطبیقی شهریار ماکیاولی و ادب نامه حکیم نزاری

و نگاه این دو متفکر به مفهوم قدرت سیاسی، می توان به مشترکات مهم و متعددی دست یافت که این نوشتار به طور خلاصه مهم ترین آن ها از جمله دغدغه امنیت، نسبت دین و قدرت سیاسی، قدرت مطلقه سیاسی، کارگزاران حکومتی و سخاوتمندی شاه را شناسایی و تحلیل نمود. به نظر نویسندگان، مشترکات زمینه ای (زمینه های فکری - اجتماعی و سیاسی) باعث بروز مشترکات متنی (دغدغه امنیت، نسبت دین و قدرت سیاسی، قدرت مطلقه سیاسی، کارگزاران حکومتی و ...) میان این دو نویسنده شده است، نمودار ۲ نیز گویای همین مسأله است.



نمودار ۲) تطبیق متن و زمینه در نگارش شهریار ماکیاولی و ادب نامه نزاری

نتیجه

مطابق رهیافت هرمنوتیک، زمینه‌ای که فرد در آن زندگی می‌کند در شکل‌گیری اندیشه‌ها و اعتقاداتش مؤثر است. می‌توان گفت که شرایط سیاسی و اجتماعی تقریباً یکسان در زندگی نزاری و ماکیاولی باعث شده آن‌ها در برخی مسائل، با هم اشتراک نظر داشته باشند. با توجه به هرج و مرج حاکم بر جامعه‌شان، نبود یک حکومت مقتدر و جامعه چندپاره، امنیت به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های آن‌ها تبدیل شده است. حکیم نزاری به مدح کسانی می‌پردازد که توانسته‌اند امنیت را در قهستان برقرار کنند. ماکیاولی نیز در پی شهریاری قدرتمند است که بتواند امنیت را در ایتالیای آشوب زده و مورد هجوم بیگانگان مستقر کند. ماکیاولی و نزاری دین و قدرت سیاسی را جدای از هم نمی‌دانند، گرچه برای دین جایگاه رفیعی قائل هستند. اما این جایگاه تنها در درون ساختار سیاسی معنا پیدا می‌کند و اصولاً نمی‌تواند مستقل یا فراتر از قدرت سیاسی باشد. از طرفی، در نظر هر دو دین نقش مهمی در تأمین امنیت دارد. هر دو در این مسأله اتفاق نظر دارند که اطرافیان شاه تأثیر بسیار زیادی در نوع قضاوت دیگران از حکومت دارند و هر عمل و گفتاری که آن‌ها انجام می‌دهند، به حساب شخص شاه و حکومت او گذاشته می‌شود. نزاری و ماکیاولی قدرت سیاسی را به عنوان قدرت برتر در اختیار پادشاه که مظهر قدرت سیاسی است می‌دانند و معتقدند که قدرت سیاسی به صورت مطلق در اختیار شاه است و کسی حق تعیین تکلیف برای او را ندارد، در فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی نیز ملاک خود پادشاه است. هر دوی آن‌ها معتقدند بخشندگی صفت خوبی است که هر پادشاه باید داشته باشد، اما اگر این سخاوت جنبه خودنمایی گرفته و به سمت اسراف برود، برای دولت مشکل ایجاد می‌کند و نتیجه این اسراف خزانه‌های خالی دولت خواهد بود.

در نهایت آن چنان که گفته شد وجود شرایط فکری - اجتماعی و سیاسی مشترک در حکیم نزاری و ماکیاولی، باعث ظهور اندیشه و متن تقریباً مشترک از سوی آن‌ها و نحوه نگرشی نسبتاً مشابه به مفهوم قدرت سیاسی شده است.

منابع

- آمیگه، فیلیپ (۱۳۶۶). عصر زرین دیپلماسی: درس‌های عملی دیپلماسی. ترجمه کاظم شیوا رضوی. تهران: پیک ایران.
- ابوجمال، نادیا (۱۳۸۹). /اسماعیلیان پس از مغول/. ترجمه محمود رفیعی. تهران: هیرمند.
- اسکینر، کوئینتن (۱۳۷۲). ماکیاولی. ترجمه عزت‌الله فولادوند. تهران: طرح نو.
- بای بوردی، چنگیز غلام‌علی (۱۳۷۰). زندگی و آثار نزاری. ترجمه مهناز صدری. تهران: علمی.
- بهنام‌فر، محمد؛ کشاورز، سمیه (۱۳۹۳). "بررسی تطبیقی زندگی و آثار نزاری و متنبی". در: مجموعه مقالات همایش ملی نقد و تحلیل زندگی، شعر و اندیشه حکیم نزاری قهستانی. گردآوری محمد بهنام‌فر. بیرجند: چهاردرخت: ۴۰۵-۴۲۴.
- پالمر، ریچارد (۱۳۷۷). علم هرمنوتیک. ترجمه حنا بی کاشانی. تهران: هرمس.
- پورجوادی، نصرالله (۱۳۸۵). مثنوی روز و شب. تهران: نی.
- پولادی، کمال (۱۳۹۳). تاریخ اندیشه سیاسی در غرب از سقراط تا ماکیاولی. تهران: نشر مرکز.
- تنهایی، نرگس؛ زنگویی، علی (۱۳۹۳). "بازتاب اوضاع سیاسی - اجتماعی قهستان در آثار حکیم نزاری". در: مجموعه مقالات همایش ملی نقد و تحلیل زندگی، شعر و اندیشه حکیم نزاری قهستانی. گردآوری محمد بهنام‌فر. بیرجند: چهاردرخت: ۲۲۰-۲۳۵.
- جهانبگلو، رامین (۱۳۸۷). ماکیاولی و اندیشه رنسانس. تهران: نشر مرکز.
- حقیقت، صادق (۱۳۷۶). روش‌شناسی علوم سیاسی. قم: دانشگاه مفید.
- حمیدی، سمیه؛ خسروی زارگز، مسلم؛ فرزانه پور، حسین (۱۳۹۳). "واکاوی تعریف قدرت سیاسی از منظر ادب نامه حکیم نزاری قهستانی (از زین به زمین)". در: مجموعه مقالات همایش ملی نقد و تحلیل زندگی، شعر و اندیشه حکیم نزاری قهستانی. گردآوری محمد بهنام‌فر. بیرجند: چهاردرخت: ۲۵۰۵-۲۵۱۸.
- درخشه، جلال (۱۳۹۰). نیکولو ماکیاولی. تهران: دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و

مطالعات فرهنگی.

- دورانت، ویل (۱۳۷۳). *تاریخ تمدن: رنسانس، ج ۵*. ترجمه صفدر تقی زاده و ابوطالب صارمی. تهران: علمی و فرهنگی.

- ردهد، برایان (۱۳۷۳). *اندیشه سیاسی از افلاطون تا ناتو*. ترجمه مرتضی کاخی و اکبر افسری. تهران: آگاه.

- روشن، امیر (۱۳۸۷). "کوئنتین اسکینر و هرمنوتیک قصدگرا در اندیشه سیاسی". *رهیافت های سیاسی و بین المللی*، ش ۱۴ (تابستان): ۱۱ - ۳۵.

- سنچولی، احمد؛ کشاورزی، کبری (۱۳۹۳). "بررسی و تحلیل درون مایه های امثال و حکم در ادب نامه حکیم نزاری" در: *مجموعه مقالات همایش ملی نقد و تحلیل زندگی، شعر و اندیشه حکیم نزاری قهستانی*. گردآوری محمد بهنام فر. بیرجند: چهاردرخت: ۶۰۴-۶۱۸.

- صفا، ذبیح الله (۱۳۶۶). *تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲*، بخش ۳. تهران: فردوس.

- صمصامی، شیرین (۱۳۹۳). "جامعه شناسی سیاسی حکیم نزاری و ماکیاولی (با نگرشی بر ادب نامه و شهریار)" در: *مجموعه مقالات همایش ملی نقد و تحلیل زندگی، شعر و اندیشه حکیم نزاری قهستانی*. گردآوری محمد بهنام فر. بیرجند: چهاردرخت: ۱۰۷۵-۱۰۹۳.

- عزیزی، محسن (۱۳۸۴). *تاریخ عقاید سیاسی از افلاطون تا ماکیاولی*. تهران: دانشگاه تهران.

- غلامی، علی محمد (۱۳۹۳). "نزاری قهستانی؛ از وزارت تا فلاح". در: *مجموعه مقالات همایش ملی نقد و تحلیل زندگی، شعر و اندیشه حکیم نزاری قهستانی*. گردآوری محمد بهنام فر. بیرجند: چهاردرخت: ۲۲۶۲-۲۲۸۶.

- فاستر، مایکل (۱۳۵۸). *خدایان/اندیشه سیاسی، ج ۱*. ترجمه جواد شیخ الاسلامی. تهران: امیرکبیر.

- کاری، پاتریک؛ زارات، اسکار (۱۳۷۸). *ماکیاولی*. ترجمه علی معظمی جهرمی. تهران: نشر شیرازه.

- کلوُسکو، جورج (۱۳۹۳). *تاریخ فلسفه سیاسی از ماکیاولی تا منتسکیو*، ج ۳. ترجمه خشایار دیهیمی. تهران: نشر نی.
- کمال زاده، محمد؛ مهاجر، میثم (۱۳۹۰). *ماکیاولی*. تهران: قلم نو.
- لامعی گیو، احمد؛ اسدزاده، زهره (۱۳۹۳). "شرح احوال و دقایق افکار و آثار حکیم نزاری قهستانی". در: مجموعه مقالات همایش ملی نقد و تحلیل زندگی، شعر و اندیشه حکیم نزاری قهستانی. گردآوری محمد بهنام فر. بیرجند: چهاردرخت: ۲۲۰-۲۳۵.
- ماکیاولی، نیکولو (۱۳۸۸). *شهریار*. ترجمه داریوش آشوری. تهران: آگاه.
- متوسلی، نعیمه؛ حسینی کازرون، احمد (۱۳۹۳). "حکیم نزاری قهستانی (زندگی، تعلیم، تربیت، شعر، تصوف مذهب)". در: مجموعه مقالات همایش ملی نقد و تحلیل زندگی، شعر و اندیشه حکیم نزاری قهستانی. گردآوری محمد بهنام فر. بیرجند: چهاردرخت: ۱۷۴۰-۱۷۴۷.
- منوچهری، عباس (۱۳۸۰). *هرمنوتیک، دانش و رهایی*. تهران: بقعه.
- موسکا، گائتانو؛ گاستون، بوتو (۱۳۷۰). *تاریخ عقاید و مکتب‌های سیاسی از عهد باستان تا امروز*. ترجمه حسین شهیدزاده. تهران: مروارید.
- نزاری قهستانی، سعدالدین محمد (۱۳۹۲). *ادب‌نامه*. به کوشش محمود رفیعی. تهران: هیرمند.
- نوذری، حسنعلی؛ پورخداقلی، مجید (۱۳۸۹). "روش‌شناسی مطالعه اندیشه سیاسی: متدولوژی کوئنتین اسکینر". *علوم سیاسی*، ش ۱۱ (تابستان): ۹۵ - ۱۱۹.
- Tully, James (1988). *Meaning and Context: Quentin Skinner and His Critics*. New Jersey: Princeton university press.

تحلیل جامعه‌شناختی شاخص‌های سرمایه فرهنگی و عوامل مؤثر بر آن

مطالعه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه‌های پیام نور و آزاد اسلامی قاین

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۸/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۷

محمدحسن شربتیان^۱

زهرا اسکندری^۲

چکیده

سرمایه فرهنگی، قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی در هر فرد و در برگیرنده‌ی تمایلات پایدار فرد است که در خلال اجتماعی شدن در افراد، بر اساس سه بعد (ذهنی، عینی و نهادی) انباشته می‌گردد. هدف مقاله حاضر، سنجش میزان بهره‌مندی دانشجویان دانشگاه‌های پیام نور و آزاد اسلامی قاین از سرمایه فرهنگی و هر یک از مؤلفه‌های آن و تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر عواملی مانند اوقات فراغت، استفاده از موبایل، مصرف گرایی، گرایش به سلیقه، سبک بدن و موسیقی بر میزان سرمایه فرهنگی در میان دانشجویان است. چارچوب نظری این پژوهش، رهیافت ترکیبی در حوزه سرمایه فرهنگی و هم‌چنین هر یک از عوامل مورد بررسی از نظریات بورديو، بنت و وبلن ... است. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دختر دانشگاه‌های پیام نور و آزاد اسلامی قاین هستند که حجم نمونه طبق فرمول کوکران ۳۲۲ نفر و به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای طبقاتی، افراد انتخاب شده‌اند. ابزار گردآوری پرسش‌نامه محقق ساخته است که پس از برآورد، پایایی سؤالات میزان آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۵ درصد به دست آمده است. با استفاده از نرم افزار Spss22 و استفاده از آمارهای توصیفی و استنباطی (تحلیل عاملی، رگرسیون و تحلیل مسیر) نتایج به دست آمده از این پژوهش بیانگر وجود ارتباط بین متغیرهای مستقل (فراغت، موبایل، مصرف گرایی، گرایش به سلیقه،

۱. عضو هیأت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور، نویسنده مسؤول

sharbatian@pnu.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور

zahraeskandari.eskandari3@gmail.com

سبک بدن و موسیقی) با متغیر وابسته (میزان سرمایه فرهنگی) است. میزان بهره‌مندی دانشجویان از سرمایه فرهنگی طبق نتایج به دست آمده در حد زیاد (۵۱/۲۴) ارزیابی شده است. بر اساس نتایج رگرسیون گام به گام، مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر میزان سرمایه فرهنگی دانشجویان، متغیر موبایل است که ضریب بتای ۰/۳۰۹ را داشته است. معادله پیش‌بینی میزان سرمایه فرهنگی می‌تواند ۷۵/۶ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کند.

واژگان کلیدی: اوقات فراغت، سبک زندگی، سرمایه فرهنگی، سلیقه، مصرف

مقدمه

سرمایه فرهنگی، قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی در هر فرد و در برگرفته‌ی تمایلات پایدار فرد است که در خلال اجتماعی شدن در فرد، انباشته می‌شوند و دارای سه بعد ذهنی، عینی و نهادی است. موفقیت‌های مادی، سرمایه به حالت عینیت یافته و میراث فرهنگی به شکل اموال جلوه می‌کند و سرانجام، سرمایه فرهنگی می‌تواند به حالت نهادینه شده در جامعه، به صورت عناوین، مدارک تحصیلی، موفقیت در مسابقات ورودی و غیره که به استعدادهای فرد عینیت می‌بخشد، جلوه‌گر شود.

اصطلاح سرمایه فرهنگی نخستین بار توسط بوردیو^۱ به ادبیات علوم اجتماعی و انسانی وارد شده است. فرهنگ از نظر بوردیو مانند نوعی اقتصاد یا بازار است. از نظر او تمام افراد بشر کنشگر هستند، چه آن‌هایی که آگاهانه عملی را انجام می‌دهند و چه آن‌هایی که ناخودآگاه پذیرای سلطه‌اند. به عبارتی دیگر، افراد فعال و منفعل یک کنشگرند. سرمایه فرهنگی در افزایش آگاهی از آئین‌ها، باورها، دانش‌ها و هنرها مؤثر بوده و موجبات شناسایی عوامل پیوند افراد جامعه را فراهم می‌آورد و نحوه شکل‌گیری هویت جمعی را بیان می‌کند. سرمایه فرهنگی به عنوان یک دارایی تعریف می‌شود که مجسم‌کننده، ذخیره‌کننده یا تأمین‌کننده ارزش فرهنگی، علاوه بر هرگونه ارزش

اقتصادی است که می تواند داشته باشد (قرونه، ۱۳۸۹: ۴۰).

امروزه تفریح و گذران مناسب اوقات فراغت، وسیله ای مؤثر برای پرورش قوای فکری، جسمی و اخلاقی افراد بوده و عاملی برای جلوگیری از کجروی های اجتماعی محسوب می شود. این اوقات، در حقیقت یک مسأله طبیعی - اجتماعی انسان بوده و به عنوان احتیاج اساسی و پایه برای وی محسوب می گردد. بنابراین، با برنامه ریزی برای اوقات فراغت، آسایش روحی و روانی ایشان تأمین می شود و شخصیت آنان رشد و شکوفایی می یابد. مصرف گرایی، برداشت بیش از اندازه ی هر فرد از منابع نادر و کمیاب خانواده است. یکی از شاخصه های مصرف گرایی، مصرف به عنوان سبک زندگی است. بنا به نظر فدرستون^۱ (۱۳۹۲: ۸۳). اساساً مصرف گرایی بعد از گذر از دوران های مختلف حیات خویش، یعنی دوران مصرف برای تفاخر و کسب منزلت، دوران مصرف برای هم خوانی با طبقه اجتماعی خاص، دوران مصرف برای تمایز از طبقات اجتماعی دیگر و دوران مصرف برای ساخت هویت، نهایتاً اکنون به دوران مصرف به عنوان سبک زندگی رسیده است. مد نیز به عنوان یکی از منابع اصلی بر ساختن هویت و تعیین موقعیت خود نسبت به دیگران، در میان افراد جوامع اخیر اهمیت دارد. مد نقش مهمی نیز در بیان هویت قومی دارد. مد و موسیقی از مؤلفه های سبک زندگی محسوب می شوند. همه ی انسان ها کم و بیش از موسیقی برای پر کردن لحظات فراغت خود استفاده می کنند. رشد فناوری های تغذیه، سلامت و ورزش از یک سو و اهمیت یافتن عاملیت و استقلال عمل، مصرف گرایی شدید، اهمیت یافتن جوانی و افزایش علاقه به بدن های جوان و زیبا که خود از فرهنگ عامه پسند رسانه های نو تأثیر گرفته است از سوی دیگر، بدن و بدنی شدن را به موضوعی محوری در مطالعات اجتماعی و فرهنگی جامعه معاصر تبدیل ساخته است (ذکایی، ۱۳۸۶: ۱۷۲). فناوری تلفن همراه، سبک های زندگی جوانان را بیش از سبک های زندگی سایر گروه های سنتی تغییر داده اند. بنابراین یک مسأله جالب توجه این است که جوانان چگونه هویت خود را در جهان فناوری بر می سازند (wilska & pedrozo, 2007: 356). اهمیت سرمایه فرهنگی تا بدان حد است که

عدم وجود سرمایه فرهنگی مشارکت فرهنگی، افراد در جامعه را پایین می آورد و جامعه از توسعه فرهنگی باز می ماند.

بیان مسأله

سرمایه فرهنگی به عنوان صلاحیت در فرهنگ پایگاه ها، گرایش ها و ایده ها تعریف می شود که اغلب یک سازوکار مهم در بازتولید سلسله مراتب اجتماعی در نظر گرفته می شود. طبق نظریه صاحب نظران توسعه، سرمایه فرهنگی شاخصی از توسعه فرهنگی به شمار می رود. لذا با توجه به اهمیت تأمین سرمایه فرهنگی، لازم است که کارگزاران فرهنگی شناخت کاملی از این سرمایه و برآوردی از رشد آن در اختیار داشته و چگونگی تحولات آن را بدانند و منابعی را برای تأمین این نیاز به گونه ای مناسب تخصیص دهند، مضاف بر این که سرمایه می تواند دارای اشکال مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشد، یعنی این امکان وجود دارد که موقعیت افراد را از لحاظ سرمایه فرهنگی آن ها مورد بررسی قرار دهیم. چنین به نظر می رسد که این نظریه می تواند برای لایه های تصمیم ساز و تصمیم گیر حوزه توسعه و اقتدار ملی که تأکید بر ابعاد وحدت و عدالت دارند، مفید باشد. پس سرمایه فرهنگی به منزله موتور حرکتی برای پیشرفت جامعه محسوب می شود و اگر دانشجویان کشورمان به میزان کافی دارای سرمایه فرهنگی نباشند، توسعه فرهنگی کشور با مشکل روبه رو خواهد شد. در حالت نهاده شده، سرمایه فرهنگی به شکل و مدارج آموزشی و امتیازات ضمانت شده همراه است که نقش مؤثر در بسط توسعه فرهنگی دارد. بورديو در این سه وجه اشاره به تمایلات و گرایش ها روانی افراد، میزان مصرف کالاهای فرهنگی و ارتقاء مدارک، مدارج تحصیلی و علمی فرهنگی افراد جامعه می کند که در سنجش هویت فرهنگی و توسعه پایدار فرهنگی جوامع، نقش بسزایی دارد. بی اطلاعی از سرمایه فرهنگی (مهارت های تجربی، مدارک تحصیلی و تخصص ها) افراد یک جامعه، به مثابه گنجی است که پنهان شده و کسی از وجود آن خبر ندارد. مسأله مورد نظر از آن جهت حائز اهمیت است که نابرابری شدید در توزیع سرمایه فرهنگی می تواند پیامدهای نامطلوب ذیل را برای جامعه به دنبال

داشته باشد؛ محرومیت اکثر اعضای جامعه در دسترسی به منابع معرفتی، محدود شدن امکان بسط خردگرایی تعمیم یافته در عرصه‌های مختلف زندگی، نزول سطح مشارکت همگانی مؤثر در تولیدات و خلاقیت‌های علمی و فرهنگی، محدودیت در گردش اطلاعات و جذب دانش‌های نوین و کاهش ارزش تغییر در جامعه. در چنین شرایطی تغییرپذیری در جامعه کاهش می‌یابد و تغییرات اجتماعی کند و ناعقلانی می‌شود و اکثریت افراد جامعه، نقش پیرو را بازی می‌کنند. هدف از انجام این پژوهش تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر عوامل مؤثر (اوقات فراغت و ارتباط با دیگران، به کارگیری فناوری‌های نوین، مصرف‌گرایی، گرایش به مد، سبک بدن و موسیقی) در میزان سرمایه فرهنگی دانشجویان دختر دانشگاه پیام نور و آزاد اسلامی قاین است. بنابراین این پژوهش درصدد رسیدن به اهداف ذیل است:

۱- تعیین و برآورد سطح سرمایه فرهنگی و شاخص‌های آن (سرمایه عینیت یافته، نهادی شده و سرمایه ذهنی) در میان دانشجویان دختر دانشگاه‌های آزاد اسلامی و پیام نور قاین؛

۲- تعیین و برآورد میزان استفاده و به کارگیری این دانشجویان از فناوری‌های نوین (موبایل و ...)، مدگرایی، ورزش، موسیقی و مصرف‌گرایی؛

۳- تبیین میزان تأثیر عوامل مؤثر (اوقات فراغت، دسترسی به فناوری‌های نوین، مصرف‌گرایی، مدگرایی، موسیقی و ورزش) بر میزان سرمایه فرهنگی دانشجویان دختر دانشگاه پیام نور و آزاد اسلامی قاین؛

۴- تعیین راهکارهای مناسب برای افزایش میزان سرمایه فرهنگی دانشجویان دختر در این دو دانشگاه؛

با توجه به این مباحث، می‌توان اشاره‌ای به آخرین دستاوردها و پژوهش‌هایی که در این زمینه در جامعه داخلی و بین‌المللی تولید شده، به صورت مختصر در سطور ذیل اشاره کرد.

خالد، محمدی و پاکباز (۱۳۹۳: ۴۵) در پژوهشی با عنوان "بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی جوانان شهر تهران" اشاره به این نتایج می‌کنند که بین

سرمایه فرهنگی و کیفیت زندگی افراد، رابطه‌ی معناداری وجود دارد. به این معنا که سرمایه فرهنگی، کیفیت زندگی افراد و میزان رضایت از آن را افزایش می‌دهد. هم‌چنین میان هر یک از مؤلفه‌های کیفیت زندگی با سرمایه فرهنگی، ارتباط معناداری مشاهده شده است.

کارکنان نصرآبادی و دیگران (۱۳۹۱: ۱۴۳) در پژوهشی با عنوان "عوامل مؤثر بر سرمایه فرهنگی در شهرستان‌های کاشان و آران و بیدگل" به مطالعه عوامل مؤثر بر سرمایه فرهنگی در کاشان پرداخته است. هدف اساسی این مقاله، چگونگی پیوند و تعامل متغیرهای میزان هویت اجتماعی و سرمایه اجتماعی با میزان سرمایه فرهنگی در جامعه آماری مورد مطالعه بود. این مطالعه از نوع پیمایش اجتماعی بوده است. طبق نتایج تحلیل رگرسیونی به عمل آمده، میزان تأثیر هر یک از متغیرهای آگاهی اجتماعی، شرکت در گروه‌ها و اعتماد به نهادها بر میزان سرمایه فرهنگی را به ترتیب به میزان ۰/۱۰۴، ۰/۲۶۸ و ۰/۲۰۱ درصد نشان داده است.

ابراهیمی و مسلمی پطروودی (۱۳۹۰: ۸۸) در پژوهشی با عنوان "اوقات فراغت، سرمایه فرهنگی و زنان" به مطالعه موردی زنان ۱۵-۶۴ ساله شهرستان جویبار پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که میانگین مشارکت زنان در اوقات فراغت فعال، بیشتر از مشارکت زنان در فراغت غیرفعال است و نتایج رگرسیون خطی این پژوهش نشان دهنده تأثیر معنادار سرمایه فرهنگی عینیت یافته و نهادینه شده بر اوقات فراغت می‌باشد. دنا گاورلیوک و الین گاورلیوک (Gavereliuc, Dana & Gavereliuc, Alin, 2014: 54) پژوهشی با عنوان "سرمایه‌ی نمادین و ابعاد سرمایه فرهنگی برای سازمان‌های آموزشی رومانیایی" انجام داده‌اند، این تحقیق در بخش غربی کشور رومانی انجام شده است. در این تحقیق به سرمایه نمادین به عنوان موتور ژنراتور ایجادکننده الگوهای باز در محیط آموزشی اشاره دارد و به بررسی مشکلات و معضلات فکری و رفتاری نظام آموزشی غرب رومانیایی می‌پردازد و برای آن راه حل فکری و عملی ارائه می‌دهد.

با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته توسط محققین ایرانی، پژوهش‌های کمی در ایران به غیر از سال‌های اخیر به بررسی سرمایه فرهنگی و شاخص‌های آن در میان

دانشجویان دختر پرداخته‌اند. با توجه به اهمیت موضوع و این که میزان سرمایه فرهنگی در بین جوانان و بالاخص دانشجویان تأثیر مستقیمی در توسعه فرهنگی کشور دارد، پس پرداختن به این موضوع اهمیت زیادی دارد. در بین محققین خارجی و پژوهش‌های انجام گرفته تقریباً تحقیقات زیادی در سال‌های اخیر در زمینه سرمایه فرهنگی انجام گرفته است. اما این پژوهش با استفاده از تحلیل جامعه‌شناختی به بررسی عوامل مؤثر بر میزان سرمایه فرهنگی دانشجویان دختر دانشگاه پیام نور و آزاد اسلامی قاین می‌پردازد و راهکارهایی برای بهبود زندگی روزمره دانشجویان با توجه به عوامل تأثیرگذار در میزان سرمایه فرهنگی شان ارائه می‌دهد.

چارچوب نظری

سرمایه فرهنگی مشتمل بر کفایت زبانی، فرهنگی و مهارت در فرهنگ طبقات بالاتر می‌باشد. (Dumais, 2002: 44) بوردیو باور داشت که سرمایه‌ی فرهنگی بر ویژگی سبک‌های زندگی گروه‌های متفاوت، ذائقه‌ها، شایستگی‌های فرهنگی، مشارکت فرهنگی و هم‌چنین گرایش به فرهنگ سیاسی و اخلاقیات دلالت می‌کند. با طرح نظریه‌ی سرمایه‌ی فرهنگی، بوردیو از جمله کسانی بود که این مفهوم را در آثار خود به کار برد. کتاب تمایز بوردیو نشان داد که سرمایه‌ی فرهنگی و اقتصادی به گونه‌ای عمل می‌کند تا الگوهای تفاوت اجتماعی پیچیده را ایجاد کند که با فرایند قشربندی اجتماعی و نابرابری در ارتباط است. توجه به این نکته ضروری است که می‌توان کتاب تمایز را به عنوان تشریح طولانی از شاخص‌های کلیدی سرمایه‌ی فرهنگی قرائت کرد. این کتاب شامل تعریف رسمی از این مفهوم نیست. مشکل آن است که بوردیو و همکارانش مفهوم سرمایه‌ی فرهنگی را، متناوباً با "فرهنگ مشروع" به کار می‌برند، همین باعث می‌شود که لزوماً مفهوم سرمایه‌ی فرهنگی با فرهنگ والا و ممتاز مرتبط باشد که با موسیقی کلاسیک و مجموعه کتاب‌های ادبی نشان داده می‌شود (prier & Savage, 2011: 56) تأکید بوردیو بر سرمایه‌ی فرهنگی به واقع، تأکید بر حوزه‌ی مناقشه و کشمکش آمیز میدان‌های گوناگون اجتماع است. بر اساس هستی‌شناسی مورد نظر بوردیو، بعضی از

مردم سهم بیشتری از منابع با ارزش جامعه دارند و در نتیجه، دیگران از سهم کمتری برخوردار خواهند بود. چنین باوری هر چند ادامه‌ی درک مارکسی از واقعیت اجتماعی است اما به خلاف مارکس سرمایه را در حصار تنگ میدان اقتصادی نمی‌بیند. از همین رو، سرمایه‌ی فرهنگی برای توضیح و تبیین کشمکش‌های میدان‌های فرهنگی طرح می‌شود.

به گفته کارونیا و کارون (Caronia & caron, 2004: 30)، جوانان و نوجوانان براساس شیوه تبیین و روایت‌شان از کاربرد تلفن همراه الگوی فرهنگی خاص خودشان را از این فناوری ارتباطی می‌سازند. بر این مبنا تلفن همراه دلالت‌گر تفکر اجتماعی است که تفکر بازتابی درباره اخلاق، طرز رفتار و زیبایی‌شناسی کنش روزمره و زندگی اجتماعی را برانگیخته می‌سازد. بر مبنای دیدگاه بوردیو (Bourdieu. 1984: 47)، گذران اوقات فراغت می‌تواند بیانگر سبک زندگی و ذائقه‌های خاص باشد. که به متمایز شدن افراد از یکدیگر منجر شود. در واقع، یکی از کارکردهای اوقات فراغت، تمایز بخشی است. در دهه‌های اخیر، زنان که هم حضور بیشتری در عرصه‌های شغلی و تحصیلی یافته‌اند و هم در اثر تغییر سبک زندگی غالباً مسؤولیت خرید و تهیه اقلام مصرفی خانواده‌ها را بر عهده گرفته‌اند، بیشتر مخاطب تبلیغات مصرفی شده و نحوه حضور و الگوهای ارزشی و نگرشی و رفتاری آن‌ها، تأثیرات فردی و اجتماعی مهم‌تری بر جای گذارده است (رفعت‌جاه، ۱۳۸۶: ۱۳۷-۱۳۸).

تورشتین وبلن^۱ از جمله جامعه‌شناسانی بود که به موضوع مصرف و نقش زنان در این مورد توجه نموده است. به عقیده وبلن در طبقه مرفه جدید، نوعاً زنان هستند که زندگی اجتماعی را سازماندهی می‌کنند. آن‌ها ابزارهایی هستند برای مردان تا از طریق "مصرف نیابتی"، ثروت خود را به نمایش بگذارند (فاضلی، ۱۳۸۲: ۲۲). وبلن بر این باور است که فایده مصرف به عنوان وسیله کسب اعتبار، در بهترین شکل خود، در آن بخشی از جامعه مؤثرتر است که ارتباطات اشخاص و تحرک جمعیت به صورت گسترده وجود دارد (وبلن، ۱۳۸۳: ۱۴۹). زیمل^۲ نیز معتقد است که افراد با خریدن و

1. Thorstein Veblen

2. Simmel

پوشیدن لباس‌های روز، هم آگاهی و اطلاع خود را از جریان‌ها و گرایش‌های اجتماعی به یکدیگر نشان می‌دهند و نیز به آن‌ها نشان می‌دهند که با تلقی‌های مربوط به وجهه و مقبولیت جمعی آشنا هستند و در همان حال، برای خود هویتی فردی خلق می‌کنند تا خود را از توده جماعت شهری متمایز و مشخص سازند (بنت، ۱۳۸۶: ۱۶۰). هم‌چنین در سطح زندگی روزانه، موسیقی دارای قدرت است. موسیقی می‌تواند بر نحوه کنترل بدن‌ها، چگونگی رفتار با خود، چگونگی تجربه گذر زمان و چگونگی احساس درباره خود و دیگران و درباره وضعیت‌ها، تأثیر بگذارد. برخی محققان که نخواستند موسیقی را شی در نظر بگیرند، موسیقی را این‌گونه تعریف کرده‌اند: "موسیقی فعالیتی است پویا و متغیر که فضای اجتماعی و تاریخی در ساخت آن تأثیرگذار است" (Roy & Timothy, 2010). مارسل موس^۱ بیان می‌کند که رفتار بدنی از سنخ رفتار طبیعی نیستند بلکه رفتار فرهنگی‌اند، مجموعه‌ای از رفتارهای نمادی وابسته به حیثیت و موقعیتی که هر فرد در سلسله مراتب اجتماعی احراز کرده است.

مفهوم سرمایه فرهنگی بوردیو و تأکید آشکارش بر حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه (ارزش‌های اجتماعی، مهارت‌ها، خصلت‌ها و عادت‌واره‌های فرهنگی) صرف‌نظر از تغییری که پیدا نموده است، بدون شک در آینده نقش مهمی در حوزه نظریه‌های نابرابری، جامعه‌شناسی و فرهنگ ایفا خواهد نمود.

بنابراین چارچوب تحقیق پژوهش حاضر رهیافت ترکیبی در حوزه‌های متغیر وابسته (سرمایه فرهنگی) و متغیرهای مستقل (مصرف گرایی، مدگرایی، فراغت، موسیقی، مشارکت ورزشی و استفاده از تلفن همراه) خواهد بود بر اساس متغیرهای انتخاب شده از نظریات فوق و با توجه به ماهیت موضوع، طرح نظری تحقیق به شرح زیر ارائه می‌گردد.



شکل ۱) الگوی تحلیلی تحقیق (نگارنده)

با توجه به الگوی تحقیق ترسیم شده در این پژوهش، می توان مهم ترین فرضیه های این تحقیق را این گونه در سطور ذیل بیان کرد:

- ۱- استفاده از تلفن همراه موجب افزایش میزان سرمایه فرهنگی دانشجویان می شود.
- ۲- نحوه گذراندن اوقات فراغت بر میزان سرمایه فرهنگی دانشجویان تأثیر می گذارد.
- ۳- میزان مصرف گرایی بر میزان سرمایه فرهنگی دانشجویان تأثیر می گذارد.
- ۴- مدگرایی بر میزان سرمایه فرهنگی دانشجویان تأثیر می گذارد.
- ۵- گرایش به استفاده از موسیقی بر میزان سرمایه فرهنگی دانشجویان تأثیر می گذارد.
- ۶- مشارکت ورزشی بر میزان سرمایه فرهنگی دانشجویان تأثیر می گذارد.

روش شناسی

در این تحقیق، از روش پیمایش از نوع کاربردی استفاده شده است. جامعه آماری شامل دانشجویان دختر دانشگاه پیام نور و دانشگاه آزاد اسلامی قاین که ۹۶۰ نفر است، می باشد که ۱۶۷ نفر از دانشگاه پیام نور و ۱۵۵ نفر از دانشگاه آزاد اسلامی بوده اند و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، برابر با ۳۲۲ نفر انتخاب شده اند. در این پژوهش از روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای استفاده شده است. با توجه به تعداد نمونه به صورت تصادفی تعدادی از دانشجویان به عنوان جمعیت نمونه از بین دو دانشگاه انتخاب گردیده و اطلاعات مورد نیاز از آن ها با استفاده از روش پرسش نامه

مصاحبه ای (خود محقق ساخته) جمع آوری شده است. در این تحقیق پس از تکمیل پرسش نامه در یک نمونه ۳۵ نفری اقدام به احتساب ضریب آلفای کرونباخ مقیاس پرسش نامه گردیده است و گویه های نامناسب حذف و مجدداً محاسبه صورت گرفته است. یافته های پاسخ گوینان براساس آمار توصیفی و استنباطی و با به کارگیری از نرم افزار spss22 و با استفاده از آماره هایی چون تحلیل عاملی (ماتریس همبستگی)، و رگرسیون خطی چند متغیره تحلیل مسیر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

جدول (۱) میزان پایایی متغیرها (مستقل و وابسته)

متغیر	تعداد گویه	(آلفای کرونباخ)
دسترسی به تلفن همراه	۶	۰/۶۹
اوقات فراغت	۷	۰/۹۰
مصرف گرایی	۶	۰/۸۰
مدگرایی	۵	۰/۷۹
موسیقی	۶	۰/۷۹
مشارکت ورزشی	۵	۰/۷۴
سرمایه فرهنگی	۵	۰/۷۳

متغیر وابسته این تحقیق میزان سرمایه فرهنگی دانشجویان دانشگاه های پیام نور و آزاد اسلامی قاین می باشد. در مجموع میزان مقدار آلفای کل سؤالات پرسش نامه برابر با ۰/۷۵۶ بیانگر این است که گویه های پژوهش از میزان پایایی بالایی برخوردارند.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق

تعریف مفهومی سرمایه فرهنگی: دیمجیو (DiMaggio, 1982)، سرمایه ی فرهنگی را ابزاری برای تخصیص ثروت نمادین دارای تعیین اجتماعی و ارزشی که سزاوار جستجو و تصرف است، می داند. رابینز و گارنیر (Robins & Garnier, 1985)، نیز سرمایه ی فرهنگی را قابلیت های فرهنگی و زبان شناختی می داند.

تعریف عملیاتی سرمایه فرهنگی: براساس مطالعات تجربی خارجی و داخلی و منابع موجود به صورت عادت واره فرهنگی، مالکیت کالاهای فرهنگی، مهارت هنری - فرهنگی، مدرک تحصیلی، مدارک آموزشی و هنری، شاخص سازی و عملیاتی شده است. به دلیل خلاصه تر شدن پژوهش، تعریف عملیاتی و مفهومی متغیرها در جدول ۲ آورده شده اند.

جدول ۲) تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

متغیروابسته	شاخص	گویه
سرمایه فرهنگی	تجسم یافته	۱- علاقمند به یادگیری هنرهای مختلف ۲- داشتن مهارت در هنرهای مختلف ۳- صرف زمان برای کتاب خواندن ۴- صرف وقت برای انواع فعالیت های فرهنگی ۵- صرف زمان برای آشنایی با فرهنگ های گوناگون ۶- صرف زمان برای یادگیری زبان های دیگر
	عینیت یافته	۱- داشتن کتاب های مختلف، ۲- داشتن کامپیوتر ۳- داشتن تلویزیون ۴- سینما رفتن ۵- استفاده از انواع مجلات و
	نهادینه شده	۱- میزان تحصیلات فرد ۲- میزان تحصیلات پدر ۳- میزان تحصیلات مادر
متغیر های مستقل	شاخص	گویه
دسترسی به تلفن همراه	میزان ارتباط با تلفن همراه، ترجیح تلفن همراه به ارتباطات مستقیم، ...	۱- تلفن همراه تحرک و سرعت انجام کارهایم را بالا برده است. ۲- تلفن همراه دل و جرأت بیشتر، هنگام رفت و آمد در شهر به من داده است. ۳- با داشتن تلفن همراه دیگر احساس تنهایی به من دست نمی دهد. ۴- دادن پیامک هزینه های تلفن همراهم را بسیار پایین آورده است. ۵- سرگرمی با تلفن همراه را به اجتماعات دوستان ترجیح می دهم. ۶- بیشترین سرگرمی من در زندگی روزانه با تلفن همراه است.

۱- نوع فعالیت فراغت در بیرون از منزل ۲- میزان حضور در کلاس های آموزشی ۳- میزان رفتن به پارک و کوه و... ۴- شرکت در میهمانی های دوستانه ۵- شرکت در کلاس های ورزشی ۶- میزان سفرهای داخلی ۷- میزان سفرهای خارجی	نوع فعالیت فراغتی، رفتن به کوه و پارک، شرکت در پارتی های دوستانه، میزان سفرهای داخلی و خارجی و ...	اوقات فراغت
۱- به کالاهای جدید و با جایگاه اجتماعی علاقمند هستم. ۲- پول بیشتر برای محصولی می پردازم که جایگاه اجتماعی داشته باشد. ۳- اگر محصولی شکیل باشد، برایم جذابتر است. ۴- دوست دارم بیشتر اوقات خود را صرف خرید بکنم. ۵- هر چیزی که می خرم، بعد از مدتی از چشمم می افتد. ۶- بیشتر دوست دارم از مارک های معروف خرید کنم.	خرید کالاهای پرطرفدار، خرید مارک های معروف، خرید چیزهایی غیر ضروری، ...	مصرف گرایی
۱- دوست دارم لباس هایی بپوشم که به روز باشد. ۲- دوست دارم در جمع هایی که حضور پیدا می کنم از لباس های دارای مارک های معروف استفاده کنم. ۳- معمولاً در خرید لباس فقط به مد روز بودن آن توجه میکنم و به جنس آن توجهی نمی کنم. ۴- به نظر من استفاده از کالاهایی که مد هستند جایگاه من را بین سایرین بهتر می کند. ۵- اگر یکی از دوستانم از کالایی استفاده کند، من هم باید استفاده کنم.	توهین به مادر شوهر، بیرون کردن مادر از خانه و ...	مدگرایی
۱- اوقات زیادی را صرف گوش دادن به موسیقی می کنم. ۲- همه نوع موسیقی را معمولاً گوش می کنم. ۳- به نظر من موسیقی در آرامش روحی و روانی انسان تأثیر زیادی دارد. ۴- زمان مشخصی برای گوش دادن به موسیقی تعیین نکرده ام. ۵- معمولاً کارهایم را همراه با گوش دادن به موسیقی انجام می دهم. ۶- بدون موسیقی در انجام کارهایم با سختی روبه رو می شوم.	نوع موسیقی، زمانی که صرف گوش دادن موسیقی می شود، تأثیرات موسیقی بر انسان	موسیقی

۱- ورزش در بهبود سلامت جسم و روان به من کمک می کند. ۲- با شرکت در فعالیت های ورزشی، احساس خوبی پیدا می کنم. ۳- ورزش کردن به من کمک می کند تا از نظر جسمانی، اندامی متناسب را به دست آورم. ۴- شرکت در این گونه فعالیت ها، افسردگی را از من دور می کند. ۵- ورزش کردن به من کمک می کند وزن خود را کنترل کنم و از نظر جسمانی، سالم بمانم.	انجام ورزش برای سلامت جسم و روان، تناسب اندام، دوری از افسردگی	مشارکت ورزشی
---	--	--------------

یافته های تحقیق

آمار توصیفی

در این تحقیق از بین شاخص های آمار توصیفی به یاری شاخص های فراوانی، درصد نسبی و میانگین متغیرها، نتایج قابل توجهی به دست آورده شده است. مهم ترین متغیرهای زمینه ای هم چون سن، وضعیت تأهل، تحصیلات و درآمد را به عنوان متغیرهای زمینه ای (جمعیت شناختی) در نظر گرفته شده که نتایج در جدول ۳ مشاهده می شود.

جدول ۳) آمار توصیفی متغیرهای زمینه ای

سن	بیشترین تعداد پاسخ گویان به لحاظ سنی ۲۵-۴۰ سال	کمترین تعداد پاسخ گویان به لحاظ سنی ۴۵-۴۰ سال
وضعیت تأهل	مجرد: ۷۱/۱ درصد	متأهل: ۲۸/۹ درصد
میزان درآمد خانواده	بیشترین: ۱۹/۵ درصد درآمد بین ۹۰۰ تا ۹۹۰ هزار تومان	کمترین: ۱۱/۲ درصد درآمد کمتر از ۳۰۰ هزار تومان
تحصیلات	بیشترین: ۲۱/۲ درصد لیسانس	کمترین: ۱۰/۷ درصد فوق لیسانس

یافته های جدول فوق نشان می دهند که بیش ترین درصد فراوانی در گروه سنی ۲۰ تا ۲۵ سال و کم ترین درصد فراوانی مربوط به گروه سنی ۴۰ تا ۴۵ سال می باشد. وضعیت تأهل دانشجویان نشان می دهد که حدود ۷۱/۱ درصد پاسخ گویان مجرد و حدود ۲۸/۹ درصد دانشجویان متأهل هستند. حدود ۱۹/۵ درصد از پاسخ گویان درآمد بین ۹۰۰

تا ۹۹۰ هزار تومان داشته اند که بیشترین درصد درآمد را داشتند و حدود ۱۱/۲ درصد از دانشجویان درآمدی کمتر از ۳۰۰ هزار تومان داشتند. حدود ۲۱/۲ از دانشجویان دارای لیسانس و ۱۰/۷ درصد از دانشجویان دارای فوق لیسانس یا در حال تحصیل در این مقطع بودند.

جدول ۴) توزیع درصد فراوانی پاسخ گویان برحسب متغیرهای مستقل

متغیرها	زیاد		متوسط		کم		میانگین
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
دسترسی به تلفن همراه	۱۶۳	۵۰/۷۷	۸۵	۲۶/۴۷	۷۳	۲۲/۷۴	۱۸/۳۳
اوقات فراغت	۱۳۰	۴۰/۴۹	۹۲	۲۸/۶۶	۹۸	۳۰/۵۲	۲۱/۴۸
مصرف گرایی	۱۸۷	۵۸/۲۵	۸۴	۲۶/۱۶	۵۰	۱۵/۵۷	۱۹/۴۴
مدگرایی	۱۷۷	۵۵/۱۴	۱۰۰	۳۱/۱۵	۴۴	۱۳/۷۰	۱۶/۷۲
موسیقی	۱۵۶	۴۸/۵۹	۸۹	۲۷/۷۲	۶۷	۲۰/۸۷	۲۰/۳۱
ورزش	۱۹۹	۶۱/۹۹	۹۵	۲۹/۵۹	۲۵	۷/۷۸	۱۷/۴۸

جدول ۴ توزیع فراوانی پاسخ گویان بر حسب تمامی متغیرهای مستقل تحقیق را نشان می دهد. شواهد حاکی از آن است که متغیر ورزش با تعداد ۵ گویه در سطح زیاد، بالاترین فراوانی را به دست آورده است (۶۱/۹۹ درصد) و ۲۹/۵۹ درصد در سطح متوسط و ۷/۷۸ درصد در سطح کم ارزیابی شده اند و میانگین ۱۷/۴۸ را به خود اختصاص داده است. متغیر مصرف گرایی نیز در سطح زیاد بیشترین فراوانی را به دست آورده است (۵۸/۲۵ درصد) و ۲۶/۱۶ درصد متوسط و ۱۵/۵۷ درصد در سطح پایین ارزیابی شده اند. در متغیرهای مدگرایی، دسترسی به تلفن همراه و اوقات فراغت نیز در سطح زیاد، بیشترین فراوانی به دست آمده است. به طوری که به ترتیب مقادیر ۴۰/۴۹، ۵۰/۷۷ و ۵۵/۱۴ به دست آمده است. در کل متغیر اوقات فراغت نسبت به بقیه متغیرها از میانگین بیشتری برخوردار است.

جدول ۵) میزان شاخص های سرمایه فرهنگی در بین پاسخ گویان

انحراف معیار	میانگین	کم	تا حدودی	زیاد	شاخص سرمایه فرهنگی	
۳/۴۵	۱۶/۰۵	۸۱	۱۱۱	۱۳۰	فراوانی	سرمایه فرهنگی تجسم یافته
		۲۵/۱۵	۳۴/۴۷	۴۰/۳۷	درصد	
۳/۲۰	۱۳/۱۲	۳۲	۹۵	۱۹۵	فراوانی	سرمایه فرهنگی عینیت یافته
		۹/۹۳	۲۹/۵۰	۶۰/۵۵	درصد	
۲/۱۷	۱۱/۱	۷۷	۷۰	۱۷۵	فراوانی	سرمایه فرهنگی نهادینه شده
		۲۳/۹۱	۲۱/۷۳	۵۴/۳۴	درصد	
۸/۰۵	۳۸/۵۸	۷۲	۸۴	۱۶۵	فراوانی	سرمایه فرهنگی
		۲۲/۳۶	۲۶/۰۸	۵۱/۲۴	درصد	

یافته های جدول ۵ حاکی از آن است که بیشتر پاسخ گویان مورد بررسی، یعنی ۴۰/۳۷ درصدشان در سطح زیاد از سرمایه فرهنگی تجسم یافته برخوردارند و ۳۴/۴۷ درصد (متوسط) ارزیابی شده اند، در نتیجه سطح میانگین سرمایه فرهنگی تجسم یافته بالا است. و تعداد ۲۵/۱۵ درصد نیز در سطح کم از سرمایه فرهنگی تجسم یافته برخوردار هستند و هم چنین نتایج نشان دهنده آن هستند که ۶۰/۵۵ درصد از پاسخ گویان از کالاهای فرهنگی زیاد استفاده می کنند که بیشترین درصد پاسخ گویان در سطح سرمایه فرهنگی عینیت یافته را تشکیل می دهند. و تعداد ۲۹/۵۰ درصد از سرمایه فرهنگی عینیت یافته متوسط رو به بالا برخوردار هستند و تعداد ۹/۹۳ درصد از پاسخ گویان از سرمایه نهادینه شده کمی برخوردار هستند. در بررسی جدول سرمایه نهادی شده در سطور ذیل که شاخص سنجش آن بررسی سطح تحصیلات والدین و پاسخ گویان است، میزان تحصیلات بیشتر را نشان سرمایه فرهنگی نهادی شده بیشتر در نظر گرفته شده است. نتایج حاکی از آن است که ۲۳/۹۱ درصد سرمایه نهادی شده کم (تحصیلات پایین تر)، ۲۱/۷۳ درصد سرمایه فرهنگی نهادی شده تا حدودی ارزیابی شده است و ۵۴/۳۴ درصد در سطح زیاد سرمایه فرهنگی نهادی شده ارزیابی شده است. با توجه به جدول ۵، ۵۱/۲۴ درصد از پاسخ گویان از سرمایه فرهنگی بالایی برخوردار

بودند و ۲۶/۰۸ درصد از پاسخ گویان از سرمایه فرهنگی متوسط و ۲۲/۳۶ درصد سرمایه فرهنگی کمی داشته اند.

آزمون فرضیه های تحقیق (آمار استنباطی)

برای به دست آوردن ماتریس همبستگی بین متغیرهای تحقیق از روش تحلیل عاملی در آزمون فرضیه ها استفاده شد که نتایج در جدول ۶ آورده شده است:

جدول شماره ۶) تحلیل عاملی متغیرهای مستقل و متغیر وابسته

متغیر	KMO	بارتلت	احتمال معناداری
دسترسی به تلفن همراه	۰/۶۷۹	۲۱۷/۹۳۰	۰/۰۰۰
اوقات فراغت	۰/۸۶۴	۶۷۴/۰۳۳	۰/۰۰۰
مصرف گرایی	۰/۸۱۲	۵۳۷/۸۵۲	۰/۰۰۰
مدگرایی	۰/۶۸۲	۱۰۵/۵۳۴	۰/۰۰۰
موسیقی	۰/۷۷۱	۴۴۴/۸۷۶	۰/۰۰۰
مشارکت ورزشی	۰/۷۳۶	۲۵۴/۲۹۵	۰/۰۰۰
سرمایه فرهنگی	۰/۷۳۸	۲۴۰/۰۱۲	۰/۰۰۰

در جدول ۶ تحلیل عاملی سازه های تحقیق میزان KMO متغیر دسترسی به موبایل ۰/۶۷۹ می باشد، یعنی داده های این متغیر قابل تقلیل به تعدادی عامل های زیربنایی و بنیادی می باشند و نتیجه آزمون بارتلت این متغیر برابر است با ۲۱۷/۹۳۰ که در سطح خطای کوچک تر از ۰/۰۰۰ معنی دار است که نشان می دهد ماتریس همبستگی بین گویه ها، ماتریس همانی و واحد نمی باشد. میزان KMO متغیر اوقات فراغت برابر با ۰/۸۶۴ است، یعنی داده های این متغیر قابل تقلیل به تعدادی عامل های زیربنایی و بنیادی می باشند و نتیجه آزمون بارتلت این متغیر برابر است با ۶۷۴/۰۳۳ که در سطح خطای کوچک تر از ۰/۰۰۰ معنی دار است که نشان می دهد ماتریس همبستگی بین گویه ها، ماتریس همانی و واحد نمی باشد.

میزان KMO متغیر مصرف گرایی ۰/۸۱۲ است، یعنی داده های این متغیر قابل تقلیل به تعدادی عامل های زیربنایی و بنیادی می باشند و نتیجه آزمون بارتلت این متغیر برابر است با ۵۳۷/۸۵۲ که در سطح خطای کوچک تر از ۰/۰۰۰ معنی دار است که نشان می دهد ماتریس همبستگی بین گویه ها، ماتریس همانی و واحد نمی باشد.

میزان KMO متغیر مدگرایی ۰/۶۸۲ می باشد، یعنی داده های این متغیر قابل تقلیل به تعدادی عامل های زیربنایی و بنیادی می باشند و نتیجه آزمون بارتلت این متغیر برابر است با ۱۰۵/۵۳۴ که در سطح خطای کوچک تر از ۰/۰۰۰ معنی دار است که نشان می دهد ماتریس همبستگی بین گویه ها، ماتریس همانی و واحد نمی باشد.

میزان KMO متغیر موسیقی ۰/۷۷۱ می باشد، یعنی داده های این متغیر قابل تقلیل به تعدادی عامل های زیربنایی و بنیادی می باشند و نتیجه آزمون بارتلت این متغیر برابر است با ۴۴۴/۸۷۶ که در سطح خطای کوچک تر از ۰/۰۰۰ معنی دار است که نشان می دهد ماتریس همبستگی بین گویه ها، ماتریس همانی و واحد نمی باشد.

میزان KMO متغیر مشارکت ورزشی برابر با ۰/۷۳۶ است، یعنی داده های این متغیر قابل تقلیل به تعدادی عامل های زیربنایی و بنیادی می باشند و نتیجه آزمون بارتلت این متغیر برابر است با ۲۵۴/۲۹۵ که در سطح خطای کوچک تر از ۰/۰۰۰ معنی دار است که نشان می دهد ماتریس همبستگی بین گویه ها، ماتریس همانی و واحد نمی باشد.

در نهایت میزان KMO متغیر وابسته تحقیق (سرمایه فرهنگی) ۰/۷۳۸ می باشد، یعنی داده های این متغیر قابل تقلیل به تعدادی عامل های زیربنایی و بنیادی می باشند و نتیجه آزمون بارتلت این متغیر برابر است با ۲۴۰/۰۱۲ که در سطح خطای کوچک تر از ۰/۰۰۰ معنی دار است که نشان می دهد ماتریس همبستگی بین گویه ها، ماتریس همانی و واحد نمی باشد.

رگرسیون چندمتغیره

نتایج کلی رگرسیون چندمتغیره که به شیوه گام به گام گرفته شده است، نشان می دهد که به طور کلی، تمامی متغیرهای مستقل میزان متفاوتی از واریانس متغیر

وابسته را تبیین کرده اند، نتایج کلی این آزمون در جدول ۷ آمده است:

جدول ۷) رگرسیون خطی چندمتغیره شاخص های متغیر مستقل

الگو	متغیرها	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین چندگانه (R ²)	(R ²) تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد	سطح معنی داری
۱	مشارکت ورزشی	۰/۶۰۲	۰/۳۶۳	۰/۳۶۱	۱۹/۸۳۷۳	۰/۰۰۰
۲	مشارکت ورزشی، تلفن همراه	۰/۷۶۴	۰/۵۸۴	۰/۵۸۲	۱۶/۰۴۱۸	۰/۰۰۰
۳	مشارکت ورزشی، تلفن همراه، فراغت	۰/۸۱۶	۰/۶۶۷	۰/۶۶۴	۱۴/۳۸۴۹	۰/۰۰۰
۴	مشارکت ورزشی، تلفن همراه، فراغت، موسیقی	۰/۸۴۲	۰/۷۰۹	۰/۷۰۶	۱۳/۴۴۹۷	۰/۰۰۰
۵	مشارکت ورزشی، تلفن همراه، فراغت، موسیقی، مدگرایی	۰/۸۶۰	۰/۷۳۹	۰/۷۳۶	۱۲/۷۵۹۰	۰/۰۰۰
۶	مشارکت ورزشی، تلفن همراه، فراغت، موسیقی، مدگرایی، مصرف گرایی	۰/۸۷۲	۰/۷۶۰	۰/۷۵۶	۱۲/۲۶۶۹	۰/۰۰۰

نتایج تحلیل رگرسیونی متغیرهای مستقل (ورزش، تلفن همراه، فراغت، موسیقی، مدگرایی و مصرف گرایی) و متغیر وابسته (میزان سرمایه فرهنگی) در جدول ۷ آمده است. همان گونه که در جدول بالا هویداست مجموع متغیرهای وارد شده در الگو رگرسیونی با همدیگر ۷۵/۶ درصد از واریانس و یا تغییرات سرمایه فرهنگی را تبیین می کنند. بقیه واریانس آن ناشی از عوامل و متغیرهای دیگری است که در الگو نیامده اند. سطح معنی داری در همه متغیرها برابر ۰/۰۰۰ بوده است و این نشان می دهد که تأثیر چندگانه متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، یعنی سرمایه فرهنگی معنی دار است و همبستگی قوی بین هر شش متغیر مستقل و متغیر وابسته میزان سرمایه فرهنگی وجود دارد.

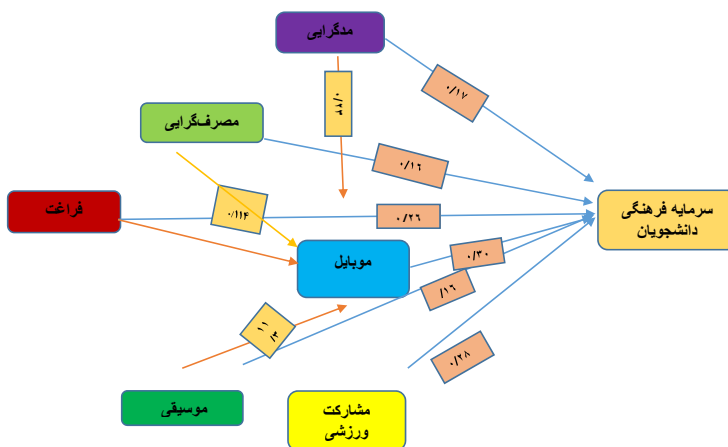
جدول ۸) مقدار ضریب رگرسیون چندمتغیره بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته

الگو	متغیرهای مستقل	ضرایب غیراستاندارد	ضرایب استاندارد شده	آزمون t	سطح معنی داری
۱	عدد ثابت	۹۰/۹۲۶	-	۲۳/۰۲۳	۰/۰۰۰
	مشارکت ورزشی	۳/۲۷۷	۰/۶۰۲	۱۴/۷۲۷	۰/۰۰۰
۲	عدد ثابت	۳۹/۳۸۵	-	۸/۱۵۸	۰/۰۰۰
	مشارکت ورزشی	۲/۸۱۵	۰/۵۱۷	۱۵/۳۹۲	۰/۰۰۰
	تلفن همراه	۲/۰۰۶	۰/۴۷۵	۱۴/۲۳۴	۰/۰۰۰
۳	عدد ثابت	۱۷/۲۲۶	-	۳/۵۱۷	۰/۰۰۰
	مشارکت ورزشی	۲/۳۳۵	۰/۴۲۹	۱۳/۶۳۲	۰/۰۰۰
	تلفن همراه	۱/۷۰۱	۰/۴۰۶	۱۳/۰۶۷	۰/۰۰۰
	فراغت	۱/۲۷۲	۰/۳۱۲	۹/۶۷۴	۰/۰۰۰
۴	عدد ثابت	۱/۴۰۴	-	۰/۲۷۸	۰/۷۸۱
	مشارکت ورزشی	۱/۸۰۷	۰/۳۳۲	۱۰/۳۱۶	۰/۰۰۰
	تلفن همراه	۱/۶۳۳	۰/۳۸۹	۱۳/۳۷۶	۰/۰۰۰
	فراغت	۱/۲۱۰	۰/۲۹۷	۹/۸۱۷	۰/۰۰۰
	موسیقی	۰/۹۸۶	۰/۲۳۳	۷/۴۵۲	۰/۰۰۰
۵	عدد ثابت	-۸/۰۳۱	-	-۱/۶۰۶	۰/۱۰۹
	مشارکت ورزشی	۱/۶۲۸	۰/۲۹۹	۹/۶۶۸	۰/۰۰۰
	تلفن همراه	۱/۴۵۰	۰/۳۴۶	۱۲/۱۷۱	۰/۰۰۰
	فراغت	۱/۱۲۹	۰/۲۷۷	۹/۶۰۵	۰/۰۰۰
	موسیقی	۰/۸۴۰	۰/۱۹۹	۶/۵۹۲	۰/۰۰۰
	مدگرایی	۰/۹۱۷	۰/۱۹۴	۶/۵۶۰	۰/۰۰۰
۶	عدد ثابت	-۹/۸۰۲	-	-۲/۰۳۵	۰/۰۴۳
	مشارکت ورزشی	۱/۵۴۶	۰/۲۸۴	۹/۵۰۹	۰/۰۰۰
	موبایل	۱/۲۹۴	۰/۳۰۹	۱۰/۹۸۵	۰/۰۰۰
	فراغت	۱/۰۶۲	۰/۲۶۱	۹/۳۵۰	۰/۰۰۰
	موسیقی	۰/۷۰۹	۰/۱۶۸	۵/۶۹۰	۰/۰۰۰
	مدگرایی	۰/۸۴۲	۰/۱۷۸	۶/۲۳۰	۰/۰۰۰
	مصرف گرایی	۰/۵۳۱	۰/۱۶۲	۵/۶۴۴	۰/۰۰۰

در جدول ۸ الگوهای رگرسیونی مختلف برای متغیر سرمایه فرهنگی آمده است. در الگو شماره یک متغیر ورزش آمده است که ضریب بتای آن $0/602$ است، یعنی به ازای هر واحد انحراف استاندارد که به متغیر ورزش افزوده گردد، مقدار $0/602$ انحراف استاندارد به سرمایه فرهنگی اضافه می شود. در الگو شماره ۲ متغیر دسترسی به تلفن همراه وارد شده است. با اضافه شدن این متغیر به الگو، ضریب بتای آن از $0/602$ به $0/517$ کاهش یافته است. ضریب بتای تلفن همراه برابر $0/475$ است، یعنی با کنترل متغیر مشارکت ورزشی، به ازای یک واحد انحراف استاندارد که به متغیر تلفن همراه اضافه شود، مقدار $0/475$ انحراف استاندارد به سرمایه فرهنگی افزوده می شود. در الگو شماره ۳ متغیر اوقات فراغت اضافه شده است. ضریب بتای اوقات فراغت برابر $0/312$ بوده است، بنابراین به ازای یک واحد انحراف استاندارد که به متغیر اوقات فراغت افزوده گردد، مقدار $0/312$ واحد انحراف استاندارد به سرمایه فرهنگی آن ها اضافه می شود. در الگو شماره ۴ متغیر موسیقی وارد شده است که ضریب بتای آن برابر $0/233$ است. در الگو شماره ۵ متغیر مدگرایی اضافه شده است. ضریب بتای مدگرایی برابر $0/194$ است، یعنی با کنترل سایر متغیرهای تحقیق به ازای یک واحد انحراف استاندارد که به مدگرایی اضافه شود، مقدار $0/194$ انحراف استاندارد به سرمایه فرهنگی آن ها اضافه می گردد. در الگو ۶ مصرف گرایی اضافه گردیده که مقدار بتای آن برابر $0/162$ است. با توجه به مقدار آماره t که برای همه ی متغیرها بیشتر از $2/33$ است و در سطح خطای کوچکتر از $0/05$ و $0/01$ معنادار هستند، بنابراین نتیجه می شود که متغیرهای مورد نظر، تأثیر معنی داری در تبیین متغیر وابسته سرمایه فرهنگی داشته اند.

$$\begin{aligned} \text{میزان سرمایه فرهنگی} = & -9/802 + (0/309 \times \text{دسترسى به تلفن همراه}) + (0/261 \times \\ & \text{اوقات فراغت}) + (0/162 \times \text{مصرف گرایی}) + (0/178 \times \text{مدگرایی}) + (0/168 \times \text{موسیقی}) \\ & + (0/284 \times \text{مشارکت ورزشی}) \end{aligned}$$

تحلیل مسیر متغیرهای وابسته و مستقل بدین گونه می باشد:



شکل ۲) نمودار تحلیل مسیر

جدول ۹) تحلیل مسیر متغیرها

متغیر مستقل	اثرات مستقیم	اثرات غیرمستقیم	کل
دسترسی به تلفن همراه	۰/۳۰۹	-	۰/۳۰۹
اوقات فراغت	۰/۲۶۱	۰/۳۰ * ۰/۱۱۴	۰/۲۹۵
مصرف گرایی	۰/۱۶۲	۰/۳۰ * ۰/۱۷۳	۰/۲۱۳
مدگرایی	۰/۱۷۸	۰/۳۰ * ۰/۰۲۲	۰/۱۸۴
موسیقی	۰/۱۶۸	۰/۳۰ * ۰/۰۸۶	۰/۱۹۳
مشارکت ورزشی	۰/۲۸۴	۰/۳۰ * ۰/۴۵۰	۰/۴۱۹

با توجه به آزمون رگرسیون چندمتغیره و در الگو نظری فوق مشخص شده که تمامی متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته تأثیر مستقیم دارند. بیشترین تأثیر مستقیم را متغیرهای دسترسی به تلفن همراه با میزان بتای ۰/۳۰۹ و متغیر ورزش با میزان بتای ۰/۲۸۴ بر روی متغیر وابسته تحقیق داشته اند. متغیر مصرف گرایی با میزان بتای ۰/۱۶۲ کمترین تأثیر مستقیم و غیرمستقیم را بر متغیر وابسته داشته است. هم چنین متغیرهای فراغت، مصرف گرایی، مدگرایی، موسیقی، ورزش علاوه بر تأثیر مستقیم از

طریق متغیر مصرف رسانه، تأثیری غیرمستقیم نیز بر متغیر سرمایه فرهنگی روزمره داشته‌اند. طبق نظریه گیدنز^۱ درباره رابطه سبک زندگی و فعالیت‌ها و رفتارهای یک فرد در جریان زندگی روزمره و با توجه به نتایج به دست آمده از تحلیل مسیر فرضیه تأثیر شاخص های سبک زندگی بر سرمایه فرهنگی تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر در صدد سنجش میزان بهره‌مندی دانشجویان دو دانشگاه آزاد اسلامی و پیام‌نور قاین و تحلیل عوامل جامعه شناختی (دسترسی به تلفن همراه، اوقات فراغت، مصرف گرایی، مد، موسیقی و مشارکت ورزشی) بر سرمایه فرهنگی دختران دانشجوی آن دو دانشگاه بوده است. به وسیله پرسش نامه اطلاعات گردآوری شد و با نرم افزار Spss22 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش دانشجویان دانشگاه پیام‌نور و آزاد اسلامی قاین ۱۹۶۰ نفر هستند. شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای و با استفاده از نمونه‌گیری طبقاتی تصادفی بوده است و تعداد حجم نمونه ۳۲۲ نفر بوده است. در این تحقیق، ابتدا مبانی نظری تحقیق بررسی شده و بیش از همه، بر آراء بورديو پیرامون سرمایه فرهنگی تأکید گردید.

سرمایه فرهنگی، قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی در هر فرد و در برگیرنده‌ی تمایلات پایدار فرد است که در خلال اجتماعی شدن در افراد، بر اساس سه بعد (ذهنی، عینی و نهادی) انباشته می‌گردد. عوامل مختلفی در میزان سرمایه فرهنگی هر کشور مؤثر هستند. شواهد نشان می‌دهد که نابرابری شدید در توزیع سرمایه فرهنگی می‌تواند پیامدهای نامطلوب ذیل را برای جامعه به دنبال داشته باشد؛ محرومیت اکثر اعضای جامعه در دسترسی به منابع معرفتی، محدود شدن امکان بسط خردگرایی تعمیم یافته در عرصه‌های مختلف زندگی، نزول سطح مشارکت همگانی مؤثر در تولیدات و خلاقیت‌های علمی و فرهنگی، محدودیت در گردش اطلاعات و جذب دانش‌های نوین و کاهش ارزش تغییر در جامعه. وجود سرمایه فرهنگی در هر

کشوری و برای هر قشری ضرورت دارد، چه بسا نبود سرمایه فرهنگی، باعث عدم توسعه فرهنگی یک کشور می شود.

بنا بر تحقیقات انجام شده در این زمینه در ایران عوامل بسیاری در افزایش میزان سرمایه فرهنگی در ایران تأثیر داشتند. در پژوهشی که خالد، محمدی و پاکباز (۱۳۹۳) انجام دادند به بررسی رابطه ی بین سرمایه ی فرهنگی و کیفیت زندگی جوانان تهران پرداختند و به این نتیجه رسیدند که میان کیفیت زندگی جوانان و سرمایه فرهنگی آنان رابطه ی معناداری وجود دارد. در تحقیق کارکنان نصرآبادی، جعفرپور و پروری آرانی (۱۳۹۱) عوامل مؤثر بر سرمایه فرهنگی در شهرستان های کاشان و آران و بیدگل، آگاهی اجتماعی، شرکت در گروه ها و اعتماد به نهادها بوده است. در تحقیق ابراهیمی و مسلمی پطرودی (۱۳۹۰) سرمایه فرهنگی تأثیر زیادی در مشارکت زنان در اوقات فراغت فعال داشته است. هرکدام از تحقیقات داخلی، عوامل مختلفی را در رابطه به سرمایه فرهنگی سنجیده اند، ولی تحقیقات زیادی در رابطه با عوامل مؤثر در افزایش میزان سرمایه فرهنگی انجام نگرفته است. این پژوهش به دنبال عوامل مختلف تأثیرگذار در میزان سرمایه فرهنگی می باشد.

طبق نتایج به دست آمده از آزمون تحلیل عاملی میزان KMO متغیرهای مستقل و وابسته نشان دهنده آن است که همه متغیرهای تحقیق قابل تقلیل به تعدادی عامل های زیربنایی و بنیادی می باشند و آزمون بارتلت متغیرها نشان می دهد که ماتریس همبستگی بین گویه ها، ماتریس همانی و واحد نمی باشد.

نتایج آزمون رگرسیون مرکب از شش متغیر مستقل پژوهش که به شیوه گام به گام به ترتیب وارد الگو رگرسیونی شده اند نشان می دهد که مشارکت ورزشی با ضریب بتای ۰/۶۰۲، تلفن همراه با ضریب بتای ۰/۴۷۵، اوقات فراغت با ضریب بتای ۰/۳۱۲، موسیقی با ضریب بتای ۰/۲۳۳، مدگرایی با ضریب بتای ۰/۱۹۴ و مصرف گرایی با ضریب بتای ۰/۱۶۲ توانسته اند مقداری از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند. با توجه به مقدار آماره t که برای همه ی متغیرها بیشتر از ۲/۳۳ است و در سطح خطای کوچک تر از ۰/۰۵ و ۰/۰۱ معنادار هستند، بنابراین نتیجه می شود که متغیرهای مورد

نظر تأثیر معنی‌داری در تبیین متغیر وابسته سرمایه فرهنگی داشته‌اند. در نهایت باید ذکر کرد که معادله پیش‌بینی میزان سرمایه فرهنگی می‌تواند ۷۵/۶ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کند. مقوله فرهنگ در توسعه کشورها یکی از حوزه‌های مهم است. وارد کردن جنبه فرهنگی در توسعه به معنی گسترش دادن توسعه تا آن اندازه است که تمامی انسان را در بر می‌گیرد. از سوی دیگر، فرهنگ را جنبه‌ای از توسعه دانستن، به معنی گشودن فرهنگ به روی همگان است. بنابراین در سطور زیر اشاره به تعدادی راهبردها و راهکارها برای بالارفتن میزان سرمایه فرهنگی دانشجویان در زندگی روزمره اشاره می‌شود:

- مفهوم سرمایه فرهنگی باید هم از لحاظ نظری و هم از لحاظ تحقیق علمی، در دانشگاه‌ها مورد کنکاش بیشتر قرار گیرد.
- فراهم ساختن زمینه‌های مشارکت جوانان در فعالیت‌های فرهنگی و رشد مصرف کالاهای فرهنگی، در رشد میزان سرمایه فرهنگی مؤثر است.
- تولید و ارائه محصولات فرهنگی نظیر موسیقی‌های عامه‌پسند برای افزایش دادن میزان سرمایه فرهنگی.
- ارائه الگوهای مد و لباس زنان مطابق با فرهنگ جامعه.
- محققان اکنون به بررسی این نکته بپردازند که برای جوانان چه نوع سرمایه فرهنگی‌ای لازم است و این که در نظام آموزشی از چه نوع سرمایه فرهنگی‌ای باید استفاده کرد.

منابع

- ابادری، یوسف؛ صادقی فسایی، سهیلا؛ حمیدی، نفیسه (۱۳۸۷). "احساس ناامنی در تجربه زنانه از زندگی روزمره". *زن در توسعه و سیاست*، دوره ششم، ش ۲۰ (بهار): ۷۵ - ۱۰۴.
- ابراهیمی، قربانعلی؛ مسلمی پطروودی، رقیه (۱۳۹۰). "اوقات فراغت، سرمایه فرهنگی و زنان". *زن در توسعه و سیاست*، دوره نهم، ش ۴ (آذر): ۷۳ - ۹۱.

- اسدی، علی (۱۳۵۰). "فراغت، تعاریف و دیدها". در: سمینار ملی رفاه اجتماعی، سازمان برنامه و بودجه، تهران: سازمان برنامه و بودجه، کمیته گذران اوقات فراغت: ۲۲-۱۸.

- بنت، اندی (۱۳۸۶). فرهنگ و زندگی روزمره. ترجمه ی لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان. تهران: اختران.

- بودریار، ژان (۱۳۸۹). جامعه مصرفی. ترجمه پیروز ارجمندی. تهران: ثالث.

- خالد، رستگار؛ محمدی، میثم؛ پاکباز، سکینه (۱۳۹۳). "بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی جوانان شهر تهران". فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره هفتم، ش ۴ (تابستان): ۷۷-۱۰۶.

- ذکایی، سعید (۱۳۸۶). جامعه شناسی جوانان ایران. تهران: آگه.

- رایبیز، کوین؛ فرانک، وبستر (۱۳۸۵). عصر فرهنگ فناورانه: از جامعه اطلاعاتی تا زندگی مجازی. مترجم مهدی داودی. تهران: توسعه.

- رفعت جاه، مریم (۱۳۸۶). "هویت انسانی زن در چالش آرایش و مد". کتاب زنان، سال دهم، ش ۳۸ (دی): ۱۳۵-۱۷۹.

- فاضلی، محمد (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی. قم: صبح صادق.

- فدرستون، مایک (۱۳۹۲). مصرف و پسماند رنيسم. ترجمه حسين حسني و محمدرضا نیرو. تهران: جامعه شناسان.

- قرونه، حسن (۱۳۸۹). "بازتاب سرمایه فرهنگی در آینه سازمان". تدبیر، ش ۲۱۷ (خردادماه): ۳۹-۴۳.

- کارکنان نصرآبادی، محمد؛ جعفر پور، مرتضی؛ پروری آرانی، زینب (۱۳۹۱). "عوامل مؤثر بر سرمایه فرهنگی در شهرستان های کاشان و آران و بیدگل". مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دوره هشتم، ش ۲۷ (تابستان): ۱۴۳-۱۷۰.

- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸). تجدد و تشخص؛ جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نشرنی.

- وبلن، تورشتاین (۱۳۸۳). نظریه طبقه مرفه. ترجمه فرهنگ ارشاد. تهران: نشر نی.

- Bourdieu, P. (1984). *Distinction: A Social Critique of the Judgment of Taste*. Translated by Richard Nice. Harvard: Harvard University Press.
- Caronia, Letizia. Caron, André H. (2004). "Constructing a specific culture: Young people's use of the mobile phone as a social performance". *The Journal of Research into New Media Technologies*, Vol. 10, No. 2: 28-61.
- DiMaggio, Paul (1982). "Cultural Capital and Success: The Impact of Status Culture Participation on the Grades of U.S. High School". *American Sociological Review*, Vol. 47, No. 2: 189-201.
- Dumais. Susan A. (2002). "Cultural Capital, Gender, and School Success: the Role of habitus". *Sociology of Education*, Vol. 75, No. 1: 44-68.
- Gavereliuc, Dana; Gavereliuc, Alin (2014). "Symbolic capital and cultural dimensions in Romanian educational organizations". *Procidia, social and behavior sciences*, Vol. 27, No. 1: 392 -395.
- Robins, Robert V.; Garnier, Aurice A. (1985). "Class Reproduction among Men and Women in France: Reproduction Theory on Its Home Ground". *American Journal of Sociology*, Vol. 91, No. 2: 250-280.
- Roy, William; Timothy, David (2010). "What Is Sociological About Music?" *Annual Review of Sociology*, Vol. 84, No. 3: 183-203.
- Prier, An nick.; Savage, Mike (2011). "Cultural capital theory: A discussion based on studies in Denmark and in Britain". *Poetics*, Vol. 39, No. 1: 566-580.
- Lefebvre, Henri (1968). *La vie quotidienne dans le monde moderne*. Paris: Idees.
- Nicolas-le Strat, Pascal (2003). "Une pensée du retrait, la sociologie du

quotidien de M. Maffesoli".

[Online] [http:// www.multitudes.net/Une-pensee-du-retrait-la](http://www.multitudes.net/Une-pensee-du-retrait-la).

- Wilska, Terhi-anna; pedrozo, sueila (2007). "New Technology and young people's consumer Identities comparative study between Finland and Brazil". Young, Vol. 15, No. 4: 343- 386.

بررسی اسنادی خدمات خاندان هردنگی به مزار دهک و نقش آن ها در رسیدگی به موقوفات و امور وابسته به این مزار (۱۲۳۲ تا ۱۴۰۴ ق.)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۴/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۷/۲۸

کمال غوث^۱

سالم حسین زاده^۲

حمیده جلیلی^۳

چکیده

سابقه وقف و تعیین متولی برای موقوفات و اداره وقفیات اماکن متبرکه و آستانه های مقدسه در ایران به قبل از دوره صفویه بر می گردد. به منظور حراست، حفاظت و صیانت از اموال و املاک موقوفه، نیازمند وجود سرپرست و متولی و ناظر بر موارد وقفی می باشد. رسیدگی به امور دخل و خرج اموال موقوفه، رعایت موارد مصرف برحسب نیت واقفان و دوام موارد وقفی چه در موقوفات عامه و یا موقوفات خاصه همیشه مد نظر متولیان و ناظران بوده است. مزار سیدالحسین عربخانه از زیارت گاه هایی است که خاندان خزیمه علم (از حکام با نفوذ قاینات) رقباتی را بر این مزار وقف نموده و سپس تولیت آن را به خاندان هردنگی سپرده اند. این مقاله به شرح مکاتبات مربوط به سوابق خاندان هردنگی و خدمات آن ها بر این موقوفات اختصاص دارد. بررسی اسناد و یافته های تحقیق نشانگر باورهای اعتقادی مردم در بردارنده ی اطلاعاتی پیرامون هزینه های مربوط به تعمیر و اداره مزار دهک، علاقه ی امرای منطقه و توجه آن ها به مزار دهک و مسائل مربوط به تولیت مزار مذکور است.

واژگان کلیدی: مزار دهک، قاینات، خاندان هردنگی، خاندان خزیمه علم

۱. کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، نویسنده مسؤول

Kamal.ghous@yahoo.com

۲. مسؤول بخش اسناد کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

salem_hosseinzadeh@yahoo.com

۳. کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، مدرس دانشگاه فرهنگیان بیرجند

مقدمه

سابقه وقف و تعیین متولی برای موقوفات و اداره وقفیات اماکن متبرکه و آستانه‌های مقدسه در ایران به قبل از دوره صفویه بر می‌گردد. با توجه به اسناد و منابع موجود، می‌توان گفت که از ابتدای دوره صفویه، خاندان صفویه شیعی مذهب نسبت به رشد تشکیلات حرم مطهر امام رضا (ع) در خراسان و سایر اماکن مقدسه در ایران توجه خاصی نموده‌اند. این توجه مخصوصاً در مورد حرم مطهر امام رضا (ع) مشخص‌تر و روشن‌تر است. وجود مرقد مطهر علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحیه و الثناء در شهر مشهد مقدس و اسناد باقیمانده از تشکیلات اداری و مالی آن، نشان دهنده توجه ویژه به سنت حسنه وقف می‌باشد. وجود متصدیانی با عناوین متولی و ناظر و غیره و مشاغل و القاب متعدد در این اسناد، نشان دهنده اشراف کامل بر تشکیلات وقفی در جامعه آن روز خودمختاری ایران است که به عنوان الگویی برای سایر امامزادگان مدفون در کشور با موقوفات محدودتر و تشکیلات کوچک‌تر قرار گرفته است. با توجه به این که این موقوفات، نیازمند به سازمان قانونمندی بود به همین جهت، منصبی به نام تولیت به وجود آمد. کلمه‌ی تولیت برای امام یا امامزادگان از متولی یا سرپرست گرفته شده است که کار رسیدگی به امور موقوفه و موارد وقفی شامل املاک، مستغلات، مزارع و غیره را به عهده داشته است. یکی از مهم‌ترین اختیارات متولیان از نظر شرع، مسأله دخالت متولی در امور موقوفه‌ها بوده است. دامنه اختیارات متولیان در موقوفه بستگی به نظر واقف یا واقفان در وقف‌نامه‌ها داشته است. متولی به عنوان رئیس تشکیلات امام یا امامزاده، وظایفی مانند نظارت بر کارکرد کارکنان اداری و مالی در آستانه، جمع و خرج درآمدها و مخارج، تصدیق پروانچه‌ها و معاملات، نظم و نسق زراعات، نظارت بر کشیک‌های مکان متبرکه، نظارت بر کارکرد بیت‌وتاتی مانند مهمانسرا، آشپزخانه یا مطبخ امامزاده، نصب و عزل صاحب منصبان اداری امامزاده را برعهده داشته است. این منصب در دوران صفویه از انسجام ویژه‌ای برخوردار بود که تا پایان این دوره به قدرت خود باقی ماند (حسن آبادی، ۱۳۸۵: ۱۱۵). در این زمان متولیان حرم امام رضا (ع) توسط صدور دربار صفوی و از میان سادات و نقبا انتخاب می‌شدند. با توجه به مطالب

فوق الذکر در اهمیت موضوع، نگارندگان در این مقاله در صدد روشن نمودن موقعیت و وضعیت اداره یکی از اماکن متبرکه در منطقه قهستان و بیان نقش خاندان های معروف قهستان در احیاء امور آن برآمده اند. برخی از افراد این خاندان ها در منطقه (مانند خاندان علم) از بعد سیاسی و برخی (مانند خاندان هردنگی) از بعد مذهبی و معنوی در این خصوص نقش پررنگ و مؤثری ایفا نموده اند. از نکات مثبت مقاله حاضر بهره گیری از اسناد منتشر نشده ای است که برای اولین بار در این مقاله آورده می شود. این پژوهش در صدد معرفی نقش خاندان هردنگی در احیاء و توسعه و گسترش مزار دهک و نقش مؤثر و مهم آن ها در حفاظت و صیانت موقوفات آستان فوق الذکر و فعالیت های مذهبی این خاندان، مخصوصاً در امور شرعی و مذهبی با تکیه بر اسناد برجای مانده در این خاندان می باشد.

مزار سیدناالحسین در روستای دهک عربخانه

آستان امامزاده سیدناالحسین (علیه السلام) در ۱۵۳ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان بیرجند، مرکز استان خراسان جنوبی و در فاصله ۱۱۰ کیلومتری شهرستان نهبندان در جوار روستای دهک از توابع بخش شوسف این شهرستان با موقعیت ۳۲ درجه و ۱۱ دقیقه عرض شمالی و ۵۹ درجه و ۳۱ دقیقه طول شرقی و در ارتفاع ۱۹۳۲ متری از سطح دریا بر فراز کوهی واقع گردیده است. نام اصلی این امامزاده به نقل از آیتی (۱۳۷۱: ۱۴۱) "حسین بن علی عبیدالله بن العباس بن امیرالمؤمنین (صلوات الله علیه)" معروف به سیدناالحسین (علیه السلام) می باشد. از زمان ساخت و بانی اولیه این مزار اطلاعی در دست نیست. با توجه به اهمیت تاریخی - مذهبی این بنا، به استناد گزارش کارشناسان میراث فرهنگی، این بنا به شماره ۹۳۱۶ به تاریخ ۸۲/۵/۱۷ ثبت ملی کشور گردیده است. نمای داخلی آن آئینه کاری است، که با پیگری هیأت امنای این امامزاده، هنرمندانی از شهر اصفهان که در حرم مطهر امام رضا (ع) آئینه کاری می نمودند، جهت تزیین نمای داخلی مقبره و آئینه کاری آن به روستا آمده و در زیباترین وجه ممکن، به تزیین آن اقدام نموده اند. برگزاری مراسم عزاداری تاسوعای حسینی و جشن میلاد

حضرت ابوالفضل (ع) و هم‌چنین مراسم ۲۸ صفر از جمله مراسم مذهبی است که در این بقعه مبارکه برگزار می‌شود. بقعه متبرکه شامل فضا و امکانات رفاهی، زائرسرا، سرویس بهداشتی، کشتارگاه و فروشگاه برای زائران می‌باشد. هم‌اکنون تولیت آن بر عهده اداره اوقاف شهرستان نهبندان می‌باشد (شاطری و رجبی، ۱۳۹۴: ۳۸۲ - ۳۸۵) (تصویر ۱ و ۲). مرحوم آیتی (۱۳۷۱: ۱۴۲) در کتاب بهارستان خود از این زیارت‌گاه نام برده و کرامات و معجزات بسیاری را از این امامزاده نقل کرده است. وی در شرح حال مزار دهک می‌نویسد: بعید نیست مدفن حسین بن علی بن عبیدالله ابن‌العباس ابن‌امیرالمؤمنین (علیه السلام) باشد. مادرش مسماء بجنیه به تخفیف نون به معنی گل یا میوه چیده شده و این اسم شایع است در عرب و فرزندش داود اکبر است. علمای انساب تصریح کرده‌اند که داود اکبر در ولایت قاین فرود آمده، چنان‌که در مکین الاساس والد ماجدم در ذیل اسامی اولاد حضرت ابوالفضل (علیه السلام) نقل فرموده، عجب این است که در میان عوام شهرت دارد که صاحب این مزار فرزند بلاواسطه حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) است. مادرش جنیه‌ای بوده که به شرف مزاجت آن حضرت مشرف گردیده و بی‌سوادی تولید این گونه خرافات کرده است. وی هم‌چنین با استناد به مؤلف کتاب کبریت الاحمر، داستان بینا شدن دختری نابینا را به واسطه توسل به امامزاده مذکور نقل کرده است (آیتی، ۱۳۴۷ ق: ۴۴۲ - ۴۵۳). محتمل است شعری که روی قبر متوفی نوشته شده با توجه به سبک تصنیف، از اشعار ملا محمدحسن هردنگی متخلص به صفا بوده که دارای دیوان اشعاری بالغ بر ده هزار بیت مشتمل بر پندها، موعظه‌ها و در مدح اهل بیت است، باشد (راشد، ۱۳۳۶: ۱ - ۲).

در منطقه سیستان و قاینات با ظهور خاندان خزیمه و بالاخص امیر علم‌خان سوم در قهستان، رسیدگی به امور آستانه‌های مقدس، وقف و امور مربوط به آن مجدداً شکوفا شد. تولیت و نظارت بر برخی اماکن وقفی این خاندان حکومت‌گر در منطقه به بزرگان دینی و مذهبی واگذار شد به‌گونه‌ای که هم‌چنان این اثر در بین مردم این خطه با تعصبی مضاعف در جریان است.

خاندان خزیمه علم یا خاندان علم (امور سیاسی)

نوشته‌ها و آثار محققان در مورد خاندان علم بسیار مغشوش است. ظهور این خاندان را به قرن دوم هجری به زمان منصور عباسی نسبت می‌دهند. بعضی نیز پیشینه آن‌ها را به یکی از سرداران مأمون به نام خازم بن خزیمه می‌رسانند. طبق نظریه‌ای که در بیشتر منابع تاریخی ذکر شده، ورود این اعراب به ناحیه جنوب خراسان به سال ۱۵۰ هجری قمری در زمان خلافت منصور عباسی باز می‌گردد (طبری، ۱۳۸۷: ۲۲۵). از این طایفه پس از ورود به خراسان، تا دوره صفویه نام و نشانی در کتب تاریخی مشاهده نمی‌شود (منصف، ۱۳۵۴: ۲۳ - ۲۵). تحقیقات نشان می‌دهد اسماعیل خان خزیمه اولین فرد مهم تاریخی است که نام و نشان او را باید در تاریخ قدرت یابی نادرشاه جستجو کرد. سرپرسی سایکس در سفرنامه خود در مورد خاندان خزیمه علم می‌نویسد: "... اواخر قرن هفدهم تمام ناحیه جنوب خراسان در تصرف این خانواده بوده و پس از انقراض صفویه به نیمه استقلالی دست یافته‌اند، محدوده تحت تسلط خاندان علم، قهستان و سیستان بود. معمولاً سران خاندان در قاینات مستقر بودند و حکمرانی برای سیستان بر می‌گزیدند. در برخی سال‌ها که نابسامانی و هرج و مرج کشور را فرا می‌گرفت و قدرت مرکزی از اداره کشور عاجز بود، امرای این خاندان قلمرو حکومت خود را به سایر نقاط نیز گسترش می‌دادند. هم‌چنین در دوره حکمرانی برخی از امیران خاندان علم به دلیل ابراز لیاقت و انجام خدماتی مهم در جهت حفظ حکومت مرکزی، از سوی پادشاهان وقت به عنوان قدردانی از وفاداری آن‌ها، اداره برخی نقاط از کشور به آنان واگذار می‌گردید ..." (سایکس، ۱۳۶۳: ۳۹۸). در واقع نام اصلی این طایفه، عرب خزیمه و خاندان خزیمه علم شاخه‌ای از این طایفه می‌باشد که محل سکونت اصلی این طایفه، در جنوب خراسان در حوالی عرب خانه بیرجند در منطقه مشهور به ناحیه هردنگ بوده است (غوث، ۱۳۹۱: ۵۸).

موقوفات خاندان خزیمه علم در مزار دهک

در بررسی اسناد موقوفه منطقه قهستان، ردپایی از موقوفات خاندان خزیمه علم قبل از امیر تومان در این مزار وجود ندارد. اولین سند در این خصوص سندی است مربوط به سال ۱۲۹۷ ق. که امیر علم خان سوم ملک آبی را از شخصی خریده و عایدات آن را وقف بر این مزار می کند. نقل است که علت علاقه امیر علم خان سوم به این مزار بر اساس نذر وی در سرکوب شورشی در سیستان بوده است و به دلیل موفقیت در این امر، وی دست به انجام این مسأله مهم زده است.^۱ سندی که ملاحظه می نمایید (سند شماره ۱)، مربوط به خرید و وقف یک سهم و یک طاقه از مزرعه حسین آباد می باشد که امیر علم خان پس از خریداری ملک مزبور از میر محمدباقر بیک آن را وقف مزار دهک نموده و به علامه ملا محمدحسن هردنگی دستور داده است که ضمن تدوین وقف نامه فوق، تولیت آن با خود ملا محمدحسن باشد و ناظر را نیز خودش معین نماید (آرشیو خانوادگی).

متن سند ۱

... واضح باشد که یک سهم و طاقه مزرعه حسین آباد که به جهت مزار فائض الانوار دهک از عالی شان عمده الاعیان ارجمندی میر محمد باقر بیک از مدار ۱۴ سهم ابتیاع و وقف شده ... به تاریخ ۱۲۹۷ هـ ق.

خاندان هردنگی (امور شرعی، مذهبی و دینی منطقه)

خاندان هردنگی به گروهی از اعراب خزیمه در منطقه هردنگ اشاره می کند که به دلیل تحصیلات بالای حوزوی و وجود مراجع دینی در آن ها، جایگاهی متمایز از بقیه افراد این طایفه و حتی در سطح قاینات داشته اند. خاندان هردنگی و بالاخص ملا محمدحسن هردنگی از متولیان برجسته ی قهستان، فقها و دیوانیان دوره حکومت سه امیر خاندان خزیمه علم به نام های امیر علم خان حشمت الملک، امیر اسماعیل خان و

۱. بر اساس منابع آخرین لشکرکشی امیر تومان در حدود ۱۲۸۵ ق. به سیستان بوده است.

امیر محمدابراهیم خان (علیزاده بیرجندی، عباسلو و الهی زاده، ۱۳۹۲ ب: ۶۶؛ عباسلو، ۱۳۹۲: ۳۹) در قهستان و بالاخص مزار فائض الانوار قریه دهک عربخانه به حساب می آمد (غوٹ، ۱۳۹۱: ۴۲۰ - ۴۷۵).

ملا محمدحسن هردنگی

ملا محمدحسن مشهور به آخوند مناظره از عمده علماء و فقهاء منطقه قهستان بوده و در مراکز علمی قاینات شخصیت علمی آن مرحوم بر احدی از دانشمندان آن عصر پوشیده نبوده و فضلاء وقت از محضر درس وی تلمذ و با عنوان برجسته ترین شخصیت های علمی او را معرفی می نموده اند (علیزاده، ۱۳۹۱: ۱۰۴ - ۱۰۵؛ راشد محصل، ۱۳۹۲: ۲۰۰؛ علیزاده بیرجندی، عباسلو و الهی زاده، ۱۳۹۲ الف: ۳۹). شهرت اصلی آخوند به دو دلیل بوده است: یکی به خاطر مناظره وی با آقا سید مرتضی یزدی مشهور به علامه سید مرتضی^۱ که از فحول علمای آن زمان بوده، در حضور علماء و امراء خراسان که با تیزبینی خاصی برخی از نظرات خود در فقه و کلام را بر وی اثبات و برخی از نظرات وی در فقه و کلام را رد و او را مجاب می کند و دیگری مناظره وی با قاضی القضاة هرات و مفتی فریقین اهل سنت این شهر مشهور به شمس الدین فاضل هروی^۲ در روز عید غدیر در شهر هرات که موضوع جانشینی حضرت علی (ع) بعد از پیامبر را اثبات و وی را در حضور علمای حاضر مجاب می نماید (راشد محصل، ۱۳۳۶: ۱-۲). از نظر امیر علم خان و پسرانش، ملا محمدحسن بهترین متولی باشی مزار دهک عرب خانه بود چرا که در زهد، ساده زیستی، فقاقت و امانت داری وی برای آن ها هیچ جای شکی وجود نداشت (راشد محصل، ۱۳۴۲: ۲۲) و به همین دلیل امیر حشمت الملک، امیر اسماعیل خان و امیر ابراهیم خان در احکام متفاوتی به کارگزاران حکومتی، ارادات خود را به این فقیه والا مقام نشان می دادند، احکامی که فاقد نمونه های مشابه

۱. شیخ محمد باقر جازاری از اساتید خود در مشهد مقدس، سید مرتضی یزدی را با عنوان علامه یاد می کند.
۲. شمس الدین محمد بن سید عبدالرحیم معروف به ملا شمس ملقب به خان ملا خان مفتی اعظم بین الفریقین هرات که کتاب شمس الهدایه و قالع الظلاله را در ابطال مذهب شیعه نوشته و ملا محمدحسن در کتاب تأملات کلامیه خود و آقا سید ابوطالب حسینی خراسانی قاینی (از اساتید ملا محمدحسن) در کتاب ما هی الظلمات و الغوایه خود نظرات وی را به استناد منابع اهل تسنن رد و ابطال عقاید وی را اثبات کرده اند.

در بین هم طرازان ملا محمدحسن در قاینات بود (غوث، ۱۳۹۰: ۳۸۰). سند شماره ۲ نمونه‌ای از این احکام حکومتی و سند شماره ۹ با شماره ۷۵۱۷۳/۱ از آستان قدس رضوی نمونه‌ای از اسناد مربوط به ساده زیستی، زهد و زندگی خالی از هر گونه تجملات وی می‌باشد.

جایگاه علمی و معنوی آخوند در نزد امیر محمدابراهیم خان شوکت الملک

متن سند شماره ۲، امیر محمدابراهیم خان در نامه‌ای این گونه می‌نویسد: عمال حال و استقبال ناحیه هردنگ و سرچاه عماری را مرقوم می‌شود که از تاریخ صدور (این حکم) که هذه السنه می‌مونه ئیلان ئیل خیریه دلیل است و ما بعدها نظر به رعایت و جانب داری جناب مستطاب قدس خطاب عمده العلماء الاعلام عزیز محترم مهربان علام ممتحن آخوند ملا محمدحسن هردنگی ذی فضل در باب جناب معظم له به قرار تشخیص ضمنی کما فی السابق: ارباب جمعی ناحیه هردنگ و ارباب جمعی سرچاه عماری، به تخفیف ابدی و احسان مدامی مقرر داشتیم^۱ که همه ساله از قرار همین حکم حکومتی به خرج منظور داشته و مطالبه سند مجدد از جناب معظم له ننموده، موقوف دارند. المقرر عالیجنابان ارجمندان اهالی دفترخانه مبارکه، شرح مسطوره را ثبت و ضبط، از قرار تشخیص فوق به خرج محاسبه عمال محلّ مسطوره منظور داشته و مطالبه سند مجدد نمایند که مصون از تغییر و تبدیل است. زیاده مرقوم نشد. البته از قرار مراتب، مرقومه معمول داشته، تخلف و انحراف نورزند. فی شهر جمادی الاولی ۱۳۲۳ قمری.

جایگاه علمی و معنوی آخوند در نزد آیت‌ا... محمدهادی مجتهد حاکم شرع وقت

جایگاه و پایگاه اجتماعی آخوند ملا محمدحسن هردنگی هم در نزد مردم و هم در نزد علمای منطقه قهستان بسیار ممتاز بوده است. شیخ محمدهادی پس از مرحوم شدن ایشان در مکاتبه‌ای، شیخ محمد حسن رفیعی و شیخ محمدباقر مبادینی را

۱. در سال ۱۳۲۲ هجری قمری امیر محمدابراهیم خان شوکت الملک به عنوان دهمین امیر خاندان خزیمه، حکومت قاینات را در دست گرفت.

به جانشینی ملا محمدحسن هردنگی در امور شرعیه مردم ناحیه هردنگ، سرچاه و عرب خانه انتخاب می نماید.

متن سند شماره ۳:

بسم ا... الرحمن الرحیم

حسبیه اله تعالی نگارش می شود چون امور شرعیه نواحی ناحیه هردنگ سابقاً به واسطه وجود با برکت مرحوم مغفور جنت مکان آخوند ملا محمدحسن طالب ثراه که انتظاماً امتیاز مخصوصی از کلیه قایمات داشته حالیه که نعمت وجودشان از دست رفته، شایسته حفظ رشته آن حدود جناب مستطاب قدسی خطاب فضائل انتصاب آقا شیخ محمدباقر^۱ که انشاء.. تعالی عموم اهالی هردنگ و سرچاه در عقود و ایقاعات و نشر مسائل و تولی از موقوفات مجهول التولیه عالیشان جناب مستطاب قدسی خطاب آخوند ملا محمد حسن^۲ استماع نمایند. زیاده محتاج نیست. حرره فی ربیع الثانی ۱۳۲۸ - {مهر}: محمد هادی.

بسم ا... الرحمن الرحیم

حالیه که رکن وثیق و عماد منیع آن حدود شریعتمدار حاج شیخ محمدرضا^۳ طاب الثراه به رحمت ایزدی پیوسته اهالی آن حدود قدر عالیجنابان سابق الذکر را بهتر دانسته و مراتب منظوره به ایشان رجوع خواهید نمود. حرره الاحقر فی جمادی الاولی ۱۳۲۸ محمد هادی.

عامل محل حسب الحکم شرعی رجوع اهالی را در مسائل شرعی از جنابان معزی الیه مرقوم نمایند. شهر جمادی الثانی ۱۳۳۲ {مهر} عبده الراجی محمدابراهیم.

از سال ۱۲۹۳ قمری رسیدگی به مسائل شرعی تمام مناطق وابسته به عربخانه، جلگه ماژان، مختاران و ناحیه هردنگ و سرچاه توسط آیت ا... سید ابوطالب مجتهد قاینی به

۱. وی داماد آخوند ملا محمدحسن هردنگی و فرزند ملا محمدحسین هردنگی (برادر آخوند) است.

۲. وی داماد آخوند ملا محمدحسن هردنگی و فرزند کربلایی محمدرضا مبادینی (نوه عموی آخوند) است.

۳. وی داماد آخوند ملا محمدحسن هردنگی و فرزند شیخ محمدحسین افضل آبادی (راشد محصل) است.

گونه مکتوب بر عهده ملا محمدحسن واگذار شده بود (عباسلو، ۱۳۹۲: ۳۹). وی در ۳۰ سال تولیت خود اصلاحات زیادی در امور موقوفات و بهبود روند اداره مزار دهک به عمل آورد و به طوری که از اعمال و مکاتباتش معلوم می شود اصلاً در بند منافع شخصی خود نبوده است (سند شماره ۱۰ با کد ۷۵۱۷۳/۱ مرکز اسناد آستان قدس رضوی). در سال ۱۳۱۴ قمری وقفنامه یک سهم و یک طاقه از مزرعه حسین آباد دهک مربوط به امیر علم خان در حضور فقهای قاینات، تولیت موقوفه فوق الذکر تا ابد بر عهده ملا محمدحسن و فرزندانش گذاشته شد (سند شماره ۴).

متن سند شماره ۴ (آرشیو خانوادگی)

... محض توسل به رسول و آل اطهار و اظهار اخلاص به صاحب مزار فیاض الانوار قریه دهک که از کثره غرایب و آثار و شده اشتهار غنی از ذکر مدفون و محل ظهور فیوضات بی چون است، وقف موبد شرعی و حبس مخلد دائمی فرمودند مجاری یکسهم و یک طاقه از مزرعه حسین آباد دهک را که از میر محمدباقر بیک ابتیاع فرمودند (سند شماره ۱) با کافه ملحقات و منضعات شرعی و عرفیه بر مصارف مزار فیاض الانوار قریه دهک از تعمیر و روشنایی و فرش و آن چه در شکوه مزار بیفزاید از مقوله اسباب و کاروانسرا و منازل بارانداز زائرین که همه ساله بعد از وضع مصارف ملکی و ملکی و حق لازم دیگر که باشد، محصول و منافع آن مصرف می شده باشد و تولیت مادام حیات الواقف اطلال الله بقائه که با خودشان است تعیین و تفویض فرمودند به حقیر خاکی و ذره بی مقدار تراب نعل العلماء و الطلاب محمدحسن هردنگی و بعد حیاتی با اصلح اولاد و وابستگان حقیر و تعیین ناظر به عهده متولی مقرر فرمودند ... و کان ذلک وقوعاً بتاريخ شهر جمادی الثانی ۱۳۱۴ هجری نبوی (عبداله راجی محمدحسن).

حاشیه ها

بخدمایها حسب التعليقه الرضيه المزوه و انا لدی خادم الطبه ولی الله ابن ملا محمد شفیع هردنگی^۱

۱. حاجی ولی الله فرزند ملا محمدشفیع هردنگی از علمای ناحیه هردنگ، سرچاه و عربخانه که در حدود سال ۱۲۹۰ ق. کتاب ۴۰ حدیث شیخ بهایی را بازنویسی و شرح مختصری داده است.

قد وقع فيه بما فيه بلا ريب القبول حرره الاحقر سجع مهر ابن الجانی ابن حسن (کذا)
قد وقع ما وقع و الخير فيما وقع. مهر افوض امری الی ا.. عبده احمد
وقع فيه بما فيه حسب التعليقه الصادره لدى الاجل الاکرم اجور له حرره الجانی تراب
اقدام العلماء ابن الحاج شيخ محمدحسين محمدرضا^۱
بسمه تعالى الامر كما زبر لاريب فيه ... بالطوعه به حسن القبول محمدباقر بن
محمدحسن^۲

بسم ا.. و الحمد ذلك الكتاب لاريب فيه افوض امری الی ا.. عبده محمدحسن^۳
عبده الراجی اسماعيل (امير اسماعيل خان)
سيد ابوتراب الحسيني (سيد ابوتراب انوار)^۴
در سال ۱۳۱۵ قمری وقفنامه یک سهم و یک طاقه از مزرعه حسين آباد دهک مربوط
به اميراسماعيل خان بر عهده ملا محمدحسن گذاشته شد (سند شماره ۵)
متن سند شماره ۵ (آرشیو خانوادگی)
... ايضا مجاری یک سهم و یک طاقه را از آن چه ابتیاع فرمودند وقف مزار فرموده و
تولیت را با این دون بی مقدار و ذلیل خاکسار محمدحسن هردنگی مقرر فرمودند ...
که ... به مصارف مزار صرف نمایم ... بتاریخ خامس عشر من شهر جمادی الاولی ۱۳۱۵
هجری نبوی.

حاشیه های سند

- صحیح است کما فی السابق عمل وقف ۳ سهم مزرعه حسين آباد را بر جناب مستطاب
شریعتمدار عزیز محترم مهربان آخوند ملامحمدحسن زید فضلہ، رسیدگی فرمایند که
به مصارف مقرر شده برسد. زیاده لازم نیست. شهر جمادی الاولی ۱۳۲۳ {سجع مهر}
الراجی محمدابراهیم.

۱. شيخ محمدحسين راشد محصل فرزند شيخ محمدرضا افضل آبادی از علمای مشهور بیرجند در زمان حیات آیت
ا.. تهامی و از شاگردان مرحوم آقازاده (فرزند مرحوم آخوند صاحب کفایه)
۲. شيخ محمدباقر هردنگی فرزند محمدحسن از علمای وقت قاینات
۳. ملا محمدحسن مبادینی فرزند محمدرضا، داماد و برادرزاده آخوند ملا محمدحسن و از علمای منطقه هردنگ،
سرچاه و عربخانه با سجع مهر عبده محمدحسن
۴. سيد ابوتراب حسینی مشهور به انوار فرزند سيد ابوطالب مجتهد قایینی از علمای مشهور قاینات

هر چند وقفنامه مرحوم پدرم امیرعلم خان فعلا در دسترس نیست، ولی همان طور که طبق نظریه مرحوم برادرم امیر اسماعیل خان عمل به وقف را در سال ۱۳۲۳ هجری بر مرحوم ملا محمدحسن هردنگی واگذار کردم حالیه هم با اصلح اولاد آن مرحوم واگذار می نمایم (۷ اسفند ۱۳۲۲ شمسی) - (امضاء الراجی محمد ابراهیم)

امیرعلم خان حشمت الملک نعمت ا... بالغفران و افاض علی الرضوان
صانه الله عن الحوادث و الفلک صحیح است عبده الراجی اسماعیل (امضاء عبده الراجی اسماعیل)

بررسی اسناد مربوط به مکاتبات ملا محمدحسن هردنگی و امیر اسماعیل خان درباره رسیدگی به امور مزار دهک و ملک وقف خاندان خزیمه علم در مزارع اطراف روستای دهک (سند شماره ۶).

متن سند شماره ۶ (آرشیو خانوادگی)

سؤال اول

عرضه می دارد که علی براتی زارع حسین آباد خودش خواهش کرد که زارع وقف باشد داعی هم خدمت عالی عریضه کردم حکم فرموده اند که یک سهم از چهار سهم جدا شود و سه سهم از وقف باشد بعد از صدور حکم نادم شد و اطاعت نکرد ناگزیر یک سهم را جدا کردم به میل خودشان هر جا زمین بایری بوده دادند و روی دو سهم انداخته به زارع دادم که وقف جدا باشد باز اگر یک چند مصرف داری آن وقت داده اند که خود ضابط هم حاضر بوده اند ثانیاً گرفته اند و بایری بی مصرف به زارع وقف داده اند و بیجا انباری هم نمی دهد که به حسب استمرار دهاقین باید بدهد و هم نمی داند بلکه یک دفعه بچه اش سر زارع وقف را هم شکسته در حضور ضابط، سیاهه را خواندم و به او گفتم خید وقف را واگذار آنجا که قائل شد، باز به جای خود رفته جواب نمی دهد داعی از حرمت خود نمی توانم با او معارضه کنم درد سر هم تا کی بدهم. آن چه حکم است بفرمایید. امر العالی مطاع و ارفع

پاسخ:

عالی جاه ها ملک موقوفه را خود شما موضوع داشته اید، حال هم باید از اراضی و غیره

بقدر الحصه قسمت موقوفه را بدهند و عذری نیاورند.

سؤال دوم

محمد مهدی بیک هم زارع وقف را از خرمن پاک کردن منع کرده اند که باید به اذن ما باشد حقیر درو را پیش از ایشان نمی کنم چرا که غرق را شکستن خوب نیست. اما باقی امور وقف را اگر به اختیار خود هستم حکم بفرائید و اگر باید در اطاعت ایشان باشم هم باید اطاعت کنم دوساله سالی ده من گندم، گندم مشرفی از ملک وقف برده اند از ولگار هم به همین نسق البته می برند نمی دانم تکلیف حقیر دعاگو چه چیز است این گندم را مطالبه دارم و بعد هم به اختیار خود باشم و حساب داعی با خداوند عالم جدا و یا با سرکار باشد یا باید مطالبه نکنم و در اختیار ضابط و مشرف باشم این فقره را هم حکم و دستخط فرمائید اطال ا... عمر العالی

پاسخ:

در تمامت امور موقوفه شما به اختیار خود بوده و هستید و احدی از ضابط و زارع در امر شما نباید دخل نمایند و در تمامت قسمت موقوفه مشرفی هم نباید مطالبه نمایند چنان چه برده باشد هم باید بدهد خود شما استرداد نمائید.

سؤال سوم

از اشجار خارج باغ یک سهم و طاقه قدیمه حصه دارد و از یک باغ که حال باغ شده و سابق باغ درستی نبوده هم به اعتقاد حقیر یک سهم و طاقه قدیمه حصه دارد و از مرحوم میر محمد باقر مکرر شنیدم و حال هم از پسران ایشان پرسیده ام می گویند در دو باغ که یکی را شریک داده و یکی را سرکار حصه نداشته در باقی همه جا حصه دارد زمین را هم جدا کردم، علی براتی زارع هم جواب نمی گوید، زارع هم جواب نمی گوید ضابط هم تصدیق او می نمایند و داعی که می دانم واقع را، راضی نیستم که حق وقف در ملک سرکار باشد. امر از سرکار است. اطال الله بقاءه.

پاسخ:

خودم انشاءالله تعالی به دخالت در وقف نخواهم شد، باشد زمانی که خودم به مزار مشرف شدم تحویل و واگذار خواهد شد.

سؤال چهارم

پارساله بیست روز یک دفعه و ده روز یک دفعه معطلی کشیده تا اسباب فراهم آورده، شکست و ریخت مزار را اصلاح کردم به قدر سلیقه و قوت و تخت های حلبی را هم نصب کرده میخ های بسیاری زده ام. هشت تومان خراسانی مخارج شده است، دو تومان و نیم خراسانی هم باقی مانده که قرار گذاشته ام منزل بسازند به اجاره و امساله که محصول را ملخ خیلی ضایع کرده، اگر کمی بوده هم سبز درو کرده اند زارع خواسته پاک کند که پوده نشود مشرف مانع شده است آن چه امر عالی است مقرر خواهند فرمود. باقی مباد هر آن که نخواهد بقای تو.

پاسخ:

البته هر آنچه را که حکم کردید همان است و آنچه معمول داشته اید انشاء الله به قاعده است.

سؤال پنجم

سه سال قبل که شرف خدمت عالی را دریافتم عرض کردم در باب مصالح املاک حصه وقف مقرر فرمودند که مال وقف باشد بعد که زارع جدا شد مطالبه کردم ضابط و زارع گفتند مصالح املاک نیست به بلده برده اند که عرض بیاورند همان جاست عرض نیاورده اند. پانزده قران از مال وقف به مصالح املاک وقف داده ام دانسته کارگزاران باشد.

پاسخ:

البته ملک موقوفه را مصالح الاملاک می خواهد و باید از خرج محصول موقوفه داده شود.

سؤال ششم

کاه را که سرکار به داعی مرحمت فرموده اند حسب الدستخط العالی از اول تا به حال داعی یکصد و شصت مَن کاه برده ام. صد مَن را پارساله در گلکاری مزار خرج کردم و شصت مَن را به حیوان خود داده ام. زیاده دخل نکرده ام، بیده پنجه هم، چهار بیده خرج کرده ام از شش مَن بیدگی.

پاسخ: کاه به تمامت حق التولیه مال من است و به شما واگذار نموده ام به هر طرف که عمل نمائید و خرج نمائید خود دانید.

سؤال هفتم

پارساله مزار را یکساله به ملاحسین خادم اجاره دادم به هشت تومان خراسانی و اجاره خط با فهرست عرایض و عریضه علیحده در زمان غم نشان جراحت دست مبارک فرستاده بودم جوابی نیامده امساله هم اجاره سر رسیده است هر چه حکم است تا چنان شود. از مال الاجاره داعی دخلی نکرده ام که کارگزاران و طلب نمایند مدعی نیز زیاده دارد ولی دست خالی دارند و این ملاحسین چیز دارد و معتبر است.

پاسخ:

انشا الله تعالی خودم که مشرف شوم با اطلاع شما قرار درستی خواهم داد آدم امین درستی باشد که خرابی ننماید.

متن سند شماره ۷ (آرشیو خانوادگی):

سؤال اول

فدایت شوم از زمانی که از سفر مزار مراجعت فرموده اید داعی به انجام امر مزار که محول فرمودید مشغول شدم و تا غره (اول) تعمیر کامل شد به سر رشته ای که آقای امیر حسنخان دادند. درِ راست که بَر (پهلوی) می داشت، میله ایوانچه آن گرفته شد، دهنه هر ایوانچه دو ذرع کم چهار یک، به رنگ شیری و نقل افشان شد ولی سفید کردن ایوانچه ها باقی ماند، مصالح آن موجود است برای استاد خیلی مرارت کشیدم، کناره های

مزار یک زرع تخت شده است، اگر کم است بقدر سه هزار خشت نیخته هنوز است، تا ناخرند (خریده نشده اند) امر فرمایید تا کنگره هم بشود. در تابستان اصل روضه خانه هم تا کمر گچ شد و هنوز هم گچ سفید زیاد آمده است. یکصد و هشت تومان رایج خرج شده است، چهار تومان و نیم دیگر از وجهی که مرحمت فرمودند باقی است. داعی خود در این مدت نه خرجی از وقف خوردم و نه مزدی برداشتم و دو ماه نیز معطل بودم. امر از همکار اجل اعظم است و هوالمطاع.

پاسخ:

جناب عزیز مهربان به طور قاعده تمام نموده اید و باشد، ان شاء الله تعالی تا زمانی که خودم مشرف شوم، چنان چه ناتمامی داشته باشد، خودم دستورالعمل آن را خواهم داد تا که انشاءالله تمام نمائید. زیاده است.

سؤال دوم

محاسبه ملاحسین خادم را به مرارت کردم، از روی تعلیقه رفیعه امیر سعادت مرحوم اعلی الله مقامه. آن چه قبض داشت محاسبه کردم و هنوز می گوید دو قبض دیگر دارم در دست کربلایی حاجی بیک علی محمد علی که وجه داده ام که خدمت سرکار بدون نوشته کربلایی حاجی را داده نمایانید، داعی قبول نکردم، بیست و سه تومان خراسانی طلب مزار شد، اگر باید قبض کربلایی حاجی را قبول کرد که وجه خدمت سرکار داده شده، هفت تومان خراسانی قبض کربلایی حاجی است و شانزده تومان دیگر طلب مزار باقی خواهد ماند. یک ماهه وعده کرده است بیاورد، هنوز که نیاورده است. امر از سرکار است.

پاسخ:

چنان چه از خودم سندی باشد حواله الوصول و حواله غیر الوصول قبول نمائید که به خرج ممضی است و باقی را الی اثبات آخر مطالبه نمائید. زیاده حاجت ندارد و غیر از آن خیر و به خرج ممضی است و آن را مطالبه کنید.

سؤال سوم

یک سال و نیم اجاره مزار را از او گرفتم که خود به او اجاره داده بودم و چون وجه بیکار گذاشته بود کربلایی ملا ولی الله که در خدمت سرکار روضه خواندند عازم مکه معظمه شدند به ایشان تومانی دو قران به مرابحه دادم. امر از سرکار است اگر ممضی نیست موجود می نمایم.

پاسخ:

عیبی نداشته، شما ان شاء الله مطالبه خواهید نمود.

سؤال چهارم

مزار را به ملاحسین قدیمی به اجاره دادم ۵ ساله و سالی به ۱۴/۵ تومان و یک تومان را به اسم خود علاوه کردم و هر ساله هم اختیار فسخ با خود گذاشتم و ضامن هم از او گرفتم، همان میر محمدعلی نامی را که شریک ملک مزرعه حسین آباد است و دیگر گنجایش زیاده تر ندارد. امر از سرکار است.

پاسخ:

عیبی ندارد آن چه قرار داده اید ولی زمان همان مال الاجاره منقطع نشده و هدایت آن بر خود شما باشد و اسباب معطلی خود شما نباشد و به قاعده انشاء الله وصول نمائید.

سؤال پنجم

مزار فرش کم دارد اگر مرخص می فرمایید تا از همان وجه مزار فرش جهت مزار خریده شود و بعضی تعمیرات در خارج لازم دارد مثل بلغورخانه و مطبخ خانه که ظروف وقف آنجا باشد که خیلی ضرب می زنند و می شکنند و یک قدری هم اسباب مسینه لازم دارد جهت زوار مثل غلیف و یک مجموعه جهت جای پیه سوز که روغن روی زمین و فرش آن نچکد. اگر مرخص می فرمایند تا از همان وجه مزار ابتیاع شود. والامر العالی مطاع.

پاسخ:

ضرری ندارد آن چه لازم بدانید از فرش و ظروف و باقی لوازم که محتاج به آن باشد و ثمری به احوال زوار و خود ابتیاع نمائید و اثری داشته باشد از همان وجه مزار وصول شود.

سؤال ششم

تنخواه مزار بعد از وصول شدن از ملاحسین خادم با آن چه به ربح دادم بعد از گرفتن یا اجاره دادن و حال با عدم اجازه به هر کس حکم می فرمایند تا تحویل و تسلیم شود.

پاسخ:

تنخواه هر قدر به درجه وصول برسانید با آن چه که به درجه وصول رسانیده بوده اند انشاءالله در نزد خود شما سپرده باشد که در مصارف لازمه مزار فیض الانوار در کلی و جزئی خرج و صرف شود و انشاءالله در کمال خوبی خرج و صرف شود. زیاده حاجت ندارد.

متن سند ۸ (آرشیو خانوادگی):

سؤال اول

مجارى یک سهم و طاقه حسین آباد که سرکار وقف فرموده اند و تولیت را به داعی مرحمت فرموده اند ماذون می فرمایند که جدا شود یا مشاع باشد.

پاسخ: مکرم جناب مستطاب عزیز ممتحن: هر سه سهم تولیت با شماسست، اگر در این وقفنامه درج نیست نوشته شود و اراضی هم باید جدا شود.

سؤال دوم

از باغ و اشجار هم وقف را شریک می فرمایند یا مثل یک سهم و طاقه موقوفه همکار امیر مرحوم اعلی الله مقامه شراکت ندارد.

پاسخ:

این هم مثل آن سهم و طاقه دیگر اشجار ندارد.

سؤال سوم:

کاه مانده از یک سهم و طاقه را هم داعی باید به مصرف وقف برسانم یا جهت علیق اسبان سفر مزار سرکار باید ذخیره باشد.

پاسخ:

کاه را باید جهت علیق مالها ضبط فرمایند و انشاءالله خیال دارم طاحونه بسازم در عوض از طاحونه داده خواهد شد.

سؤال چهارم

اگر رأی عالی به جدایی باشد داعی خود مرخص است که با ضابط سرکار جدا کند و یا دیگری را مقرر می فرمایند.

پاسخ:

بسیار خوب.

سؤال پنجم:

مرخص می فرمایند هرگاه رأی باشد که کاه را در سرخرمن، محصول آن را به تصرف خود در آورم که رجوع به دفتر و اهل دفتر برای داعی حرج و مشقت دارد. پاسخ: ایرادی نیست.

سؤال ششم:

مرخص می فرمایند که از منزل پشت گدار که از میر محمدباقر بیک بوده، جهت یک سهم و طاقه گرفته شود تا دو من محصول در آن ضبط شود یا نه. پاسخ: عیبی ندارد.

سؤال هفتم

محصول امساله را چون تکلیف داعی مشخص نبود کارگزاران ضبط فرموده اند، مرخص می فرمایند که از ایشان دریافت دارم.
پاسخ: آری محصول را دریافت دارید.

حاشیه پایین سند: جواب عرایض را به دستخط مبارک مرقوم فرمایید و مزین هم بفرمایید که سندی علیحده در کار نباشد. امرالاعلی مطاع و ارفع
نامه ملا محمدحسن به امیر اسماعیل خان در رابطه با ساخت ضریح برای مزار در سال ۱۳۲۱ قمری:

متن سند شماره ۹ (سند با کد ۷۵۱۷۳/۱ از آرشیو کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی):

... ضمناً جسارت می رود که اگر چه وجود خالی از نمود داعی قابل توجه خاطر نیست ولی مقرر مرحمت عامه اقتضای مرحمت دارد، داعی به وظیفه خود اشتغال دارد بواسطه کربلایی محمدقلی بیک یک مرتبه و ابوالحسن بیک مرتبه دیگر به موقف عرض رسانیده ام که مبلغ ۵۰ تومان خراسانی از اجاره مزار کثیرالانوار قریه دهک جمع آوری شده چه موجود در خانه است و چه در نزد مردم تملک است و مخارج جزئی اگر مزار را لازم شود محصول ملک جواب می گوید، این وجه را اگر رأی مبارک اقتضاء فرماید قدغن^۱ فرمایند که ضریحی آهنی جهت مزار بسازند به مثل ضریح مزار دره شیخان. اگر کسر کند اجاره مزار سال های بعد هم می رسد، هر گاه رأی مبارک اقتضا نماید حکم خواهند فرمود تا وجه را از میان مردم جمع کرده، انفاذ حضور مبارک نماید. امساله یا از بی سعادت داعی و یا از مرحمت الهی مزارعی که داعی شریک بوده ام بر همان خشکی خود باقی بوده است، ۲ رأس بزغاله نیم پروار انفاذ حضور شد، ترجی آن که درجه قبول یابد. حیوان سواری که به مزار یا جای دیگر رفت و آمد نمایم ندارم، اگر در (سری) اصطبل حیوانی یعنی الاغی زیاد باشد مرحمت خواهند فرمود، قوه مخارج حیوان دیگر

۱. اگر قدغن در این سند به معنای تأکید است درست است در غیر این صورت احتمالاً کلمه ی قدغن به معنی مورد یقین واقع شده مناسب تر به نظر می رسد.

ندارم و همان الاغ را خواهش دارم. در باب وجه مزار به دستخط مبارک بر هامش عریضه جواب مرقوم خواهند فرمود که تکلیف خود بدانم ... برب العباد - ظل العالی ظلیل - داعی محمدحسن الهردنگی

نکاتی درباره این سند:

- ۱- گلایه ملا محمدحسن از امیر اسماعیل خان به دلیل عدم مراجعت و رسیدگی به امور مزار و عدم توجه او به آخوند.
- ۲- تقاضای ساخت ضریحی برای مزار دهک به مانند ضریح مزار دره شیخان.
- ۳- تأمین مبلغ ۵۰ تومان خراسانی از اجاره مزار کثیرالانوار قریه دهک جهت ساخت ضریح برای مزار دهک.
- ۳- وجود ضریح برای امامزادگان دره شیخان در سال ۱۳۲۱ قمری.
- ۴- وجود خشکسالی ادامه دار در سال ۱۳۲۱ قمری در منطقه عربخانه.
- ۵- فقر مادی آخوند حتی در حد تأمین هزینه های نگهداری و خرید یک الاغ که نشان از تقوی و ساده زیستی وی دارد.

مهم ترین اقدامات ملا محمدحسن در مزار دهک عربخانه

- ۱- ایجاد مهمانسرا، بلغورخانه و مطبخ خانه برای زوّار.
 - ۲- ایجاد یک مجموعه جهت جای پیه سوز که روغن روی زمین و فرش آن نچکد.
 - ۳- احیای چاپارخانه برای تغذیه حیوانات.
 - ۴- مهیاکردن سفر برخی از روحانیون منطقه جهت انجام سفرهای مذهبی از جمله حاجی ملا ولی ... هردنگی به مکه معظمه از هزینه های مزار به صورت مرابحه.
 - ۵- احیای موقوفات خاندان خزیمه علم مربوط به این مزار.
- وی اولین شخصی بود که در دوران حکمرانی این خاندان به مقام نیابت تولیت عظمی برگزیده شد و توانست این مجموعه را از رکود درآورد و به رونق خوبی برساند. تا زمانی که ملا محمدحسن زنده بود مدیریت فعالی داشت و مانع از خودسری های افراد سودجویی

- چون محمدحسن بیک از روستای گُلرگ، علی براتی زارع از روستای حسین آباد دهک، محمدمهدی بیک، ملا حسین قدیمی و میر محمدباقر بیک می شد.
- ۶- تعمیر اساسی بقعه مطهر در سال ۱۳۱۷ قمری در مدت ۳۰ روز و با هزینه حدود ۶۳ تومان خراسانی. سنگ سیاهی که در بنای مزار موجود است گواه بر این مسأله می باشد (راشد محصل، ۱۳۴۵: ۴).
- ۷- تنظیم امور خدمه، وقفیات و مسائل شرعی مربوط به مزار دهک.
- ۸- ساخت منزل مسکونی با حیاط برای خادم و مزاربان.
- ۹- تقاضای ساخت ضریح برای امامزاده در تاریخ ۱۳۲۱ قمری از امیر اسماعیل خان.

شیخ محمدباقر (هردنگی) مبادینی

مجتهدی وارسته، با تقوا و گمنام و دارای اجازات شرعیه از آخوند ملا محمدحسن هردنگی، شیخ محمد باقرگازاری و شیخ محمدهادی هادوی که در حدود سال های ۱۲۸۵ تا ۱۳۶۵ قمری می زیسته است. وی بعد از ارتحال آخوند ملا محمدحسن هردنگی بر اساس دو حکم حکومتی (اسناد شماره ۳ و ۱۰) و سه حکم شرعی موجود (اسناد شماره ۴ و ۱۱ و پی نوشت سند ۵) از سال ۱۳۲۸ تا ۱۳۶۵ قمری عهده دار تولیت مزار دهک عربخانه و از سال ۱۳۲۸ قمری مسؤول رسیدگی به مسائل شرعی منطقه هردنگ، سرچاه و عربخانه و از سال ۱۳۳۲ قمری عهده دار رسیدگی به مسائل شرعی جلگه ماژان نیز می شود (غوث، ۱۳۹۱: ۳۸۸).

متن سند شماره ۱۰

... در باب امور شرعیه ناحیه هردنگ و سرچاه و غیره از عقود و ایقاعات و غیره که در تولیت مرحوم مغفور آخوند ملامحمدحسن طاب ثراه به آن مرحوم متوفض بوده، حالیه هم از طرف ائمه شرع مطاع انور به جناب مستطاب شریعتمدار حاجی شیخ محمدرضا و جناب مستطاب قدس خطاب شیخ محمدباقر اخوی زاده مرحوم آخوند واگذار شده و از قرار معلوم بعضی، مداخلات در امور شرعیه آن حدود می نمایند، لذا مقرر داشتم که

هیچکس به جز اشخاصی که از طرف امناء شرع مطاع انور معین شود به جهت رتق و فتق امور شرعیه احدی حق مداخله در امور شرعیه آن حدود را نخواهند داشت و هر کس مداخله کند مورد مؤاخذه خواهد بود (الراجی محمدابراهیم ۱۳۲۸ قمری).

واگذاری تولیت مزار دهک عربخانه به شیخ محمد باقر هردنگی توسط فقهای ناحیه هردنگ

متن سند شماره ۱۱ (آرشیو خانوادگی) :

..... آقای شیخ محمدباقر خلف مرحوم کربلایی ملا محمدحسین ساکن مزرعه مبادی از محال هردنگ متصدی مزار فائض الانوار دهک وقف موبد طی و حبس مخلد اسلامی نمودند مجاری نیم روز که عبارت از سی فنجان باشد از قریه رق را با تمام متعلقات و منضّمات شرعیه و عرفیه بر مصارف مزار فائض الانوار قریه دهک از تعمیر و روشنائی و فرش و سایر آنچه در شکوه مزار مزبور می افزاید که همه ساله متولی منافع آن را بعد از وضع مصارف ملکی و ملکی و عشر حق التولیه در مصارف مزبوره صرف می نموده باشد و چون این نیم روز مزبور در عوائد سه سهم حسین آباد دهک که وقف بر مصرف مزبور است ابتیاع شده و تولیت آن سه سهم به حسب وقف نامه معتبره با مرحوم ملا محمدحسن هردنگی و بعد با اصلح اولاد و وابستگان و مع الانقراض نسل با حاکم شرع بلده بیرجند می باشد، لذا تولیت این نیمروز را هم که از عواید آن است با اصلح اولاد آن مرحوم نسلا بعد نسل ما تعابتوا و تناسلوا قرار دادند و مع الانقراض کما رقم و حق التولیه عشر و صیغه جاریه و متولی ملک مزبور را قبض نموده و مصرف به عنوان وقف نمود و قواعد صحت و لزوم اعمال شد و کان ذلک تحریرا و قوعا ۱۳۵۱ هجری نبوی (ص).

حاشیه ها:

مراتب مسطورّه مورد قبول حقیر است: حرّره محمدباقر رفیعی^۱

۱. شیخ محمدباقر رفیعی (مبادینی یا هردنگی) از مجتهدین ناحیه هردنگ، سرچاه و عربخانه و فرزند ملا محمدحسین هردنگی (از شاگردان و خواص آقا سید ابوطالب قاینی) با سجع امهار عبده الراجی محمد باقر و محمد باقر

ذلک الکتاب لاریب فیه - حرره الاحقر اسمعیل الحسینی^۱
اعترف الواقف المعظم المزبور زید عزه و تنفیقه الاقل شیخ محمدحسین افضل آبادی
- فی صفر ۱۳۵۱ هجری
وقع ما فیه لدی حرره الاحقر الاقل عبدالعلی علوی الحسینی بجنوردی^۲
وقع ما فیه لدی حرره الاحقر الاقل شیخ غلامرضا محتشمی کشوکی^۳
وقع ما فیه لدی حرره الاحقر الاقل حاجی ملا ولی... ابن محمدشفیع هردنگی

حاج شیخ محمد غوث

فرزند مرحوم میر محمدعلی و نوه ملا محمدحسن هردنگی که برای تکمیل دانش خود به مدرسه باقریه مشهد مقدس روی آورد و از محضر آیات عظام میرزا عبدالجواد نیشابوری (ادیب اول)، حاج حسین قمی، شیخ محمدتقی ادیب نیشابوری، شیخ اسماعیل اصفهانی، شیخ حسن برسی، حاج محمدکاظم دامغانی، حاج میرزا احمد مدرس، حاج هاشم قزوینی، شیخ مرتضی آشتیانی و آقازاده (فرزند مرحوم آخوند صاحب کفایه) قریب ۲۰ سال کسب فیض کرد. وی در امتحان سردفتری اقدام و پس از قبولی، به زادگاهش مراجعت و علاوه بر دفتر اسناد رسمی، دفاتر ازدواج و طلاق را نیز اداره می کرد و در این خصوص پاسخگوی تمامی مراجعان از مختاران و عربخانه گرفته تا براكوه، جلگه ماژان، تمامی ناحیه هردنگ و سرچاه عماری بود و عنوان امین مردم در منطقه را داشت. با استناد به وقفنامه های موجود (سند شماره ۴ و ۱۱ و پی نوشت سند ۵) و به دلیل احترام خاص در بین اعراب منطقه تولیت مزار سیدالحسین (دهک) را به مدت ۵۰ سال از سال ۱۳۱۳ تا ۱۳۶۳ شمسی نیز عهده دار و در بین آن ها به آخوند غیث مشهور بود. وی در سال ۱۳۷۷ شمسی دیده از جهان فرو بست (غوث، ۱۳۹۱: ۳۸۲-۳۸۵).

۱. سید اسماعیل حسینی از سادات صاحب کرامت در ناحیه هردنگ، سرچاه و عربخانه
۲. ملا عبدالعلی علوی الحسینی بجنوردی از روحانیون، معمرین و سادات صاحب کرامت ناحیه هردنگ، سرچاه، عربخانه و جلگه ماژان
۳. شیخ غلامرضا محتشمی کشوکی فرزند میر محمدعلی و نوه مرحوم آخوند ملا محمدحسن هردنگی از مجتهدین وقت بیرجند و از شاگردان مرحوم آقازاده (فرزند مرحوم آخوند صاحب کفایه)

نتیجه

مزار دهک عرب خانه از زیارت گاه های مشهور خراسان جنوبی از ادوار گذشته تاکنون می باشد. به دلیل اهمیت این مزار در بین عامه مردم، و علاقه امیر تومان به این مزار، وی وقفیاتی را بر آن اجرا و بعد از او نیز پسرانش و بالاخص امیر اسماعیل خان وقفیات دیگری را بر آن افزود. تولیت رسیدگی به این وقفیات و امور این مزار نیز توسط خاندان خزیمه علم به یکی از علمای معروف و مشهور آن زمان شیخ محمدحسن هردنگی و سپس به اولادش تفویض گردید. از مجموع اسناد بررسی شده، می توان به نتایج ذیل دست یافت:

- ۱- تعمیر کامل و توسعه مزار دهک در سال ۱۳۱۷ قمری؛
- ۲- هزینه تعمیر مزار در این تاریخ یکصد و هشت تومان خراسانی بوده است که توسط امیر حسن خان در اختیار ملا محمدحسن قرار گرفته است؛
- ۳- تام الاختیار بودن ملا محمدحسن در امور وقفی خاندان علم و در رسیدگی به امور مزار دهک؛
- ۴- مبلغ اجاره و به نوعی درآمد مزار در نه سال حدود ۶۳ تومان خراسانی وقت بوده که این نشان از اهمیت، و جایگاه مهم مزار در اعتقادات مردم آن دوران ولایت قاینات داشته است؛
- ۵- در این سند از سفر امیر حسن خان خزیمه و امیر اسماعیل خان خزیمه، جهت زیارت مزار و رسیدگی به وضعیت مزار نام برده می شود که این نیز تاکنون در تاریخ قهستان بیان نشده است؛
- ۶- وجود خشکسالی مدت دار، حمله ملخ ها و از بین رفتن محصول روستای دهک عربخانه در حدود سال های ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۱ قمری که در منابع تاریخی قهستان نیامده است؛
- ۷- گلایه ملا محمدحسن از امیر اسماعیل خان به دلیل عدم مراجعت و رسیدگی به امور مزار و عدم توجه او به آخوند؛
- ۸ - تقاضای ساخت ضریحی برای مزار دهک به مانند ضریح مزار دره شیخان؛

۹- تأمین مبلغ ۵۰ تومان خراسانی از اجاره مزار کثیر الانوار قریه دهک جهت ساخت ضریح برای مزار دهک؛

۱۰- وجود ضریح برای امامزادگان دره شیخان در سال ۱۳۲۱ قمری.

۱۱- مزار در حدود سال های ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۱ قمری دارای دو درب ورودی بوده که بعدها به یک در ورودی کاهش یافته است؛

۱۲- علاقه امیر تومان و امیر اسماعیل خان به این مزار در بین سایر امرای خزیمه علم کاملاً مشهود و ملموس است. چنان که اولین وقفیات در این خاندان مربوط به امیر علم خان حشمت الملک و اوج خدمات به مزار مربوط به امیر اسماعیل خان است؛

۱۳- علاقه امیر اسماعیل خان به شرکت در جلسات روضه خوانی مزار با وجود بعد مسافت فراوان تا بیرجند که در منابع تاریخی اشاره ای به آن نشده است؛

۱۴- در بررسی اسنادی نام این مزار، تا زمان تألیف کتاب بهارستان شیخ محمد حسین آیتی، کلمه ای به اسم مزار سیدنا الحسین وجود ندارد و در تمامی اسناد موجود فقط بحث از مزار قریه دهک عربخانه است. لذا علت اشتباه مزار به سیدناالحسین بیشتر به خاطر سادات مدفون در روستای حسین آباد سادات می باشد که امامزاده نیز منتسب به آن ها است؛

۱۵- ساخت یک آسیاب جهت رفع مشکلات مردم در روستای دهک؛

۱۶- رسیدگی به امور شرعیه مردم عربخانه توسط خاندان هردنگی از حدود سال ۱۲۳۰ قمری تا دهه ۷۰ شمسی؛

۱۷- آن چنان که از بررسی سند شماره ۴ و پی نوشت سند ۵ بر می آید، این مزار تا سال ۱۳۲۳ شمسی با نظارت امیر محمدابراهیم خان و هیأت امناء شرع قاینات با تولیت اولاد ملا محمدحسن مدیریت می شده است ولی از این سال تا اوایل دهه ۱۳۷۰ شمسی برنامه ریزی و هدایت مزار بر عهده علماء ناحیه هردنگ و اولاد ملا محمدحسن قرار می گیرد و از سوی هیأت امناء شرع و امرای وقت منطقه قاینات علاقه مندی چندانی به پیگیری مسائل مربوط به آن دیده نمی شود (توضیح آن که در حاشیه سند شماره ۴ و ۵ اثر امضاء و مهر امرا و علمای قاینات دیده می شود ولی روند ادامه فعالیت های مزار

در سند شماره ۱۱ توسط علماء ناحیه هردنگ معین و مهر و امضاء آنها در حاشیه سند گواه بر این موضوع است).

منابع

- آیتی الخراسانی القایینی البیرجندی، محمد باقر (۱۳۴۷ه ق). کبریت الاحمر فی شرائط المنبر. تهران: اسلامیه.
- آیتی، محمدحسین (۱۳۷۱). بهارستان در تاریخ و تراجم رجال قاینات و قهستان. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- حسن آبادی، ابوالفضل (۱۳۸۵). متولیان آستان قدس رضوی از دوره صفویه تاکنون، ج ۲ و ۳. مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، دفتر اسناد.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷). تاریخ طبری، ج ۱۱. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. بیروت: دارالتراث العربی.
- راشد محصل، محمدتقی (۱۳۳۶). "معرفی آخوند ملا محمدحسن هردنگی". روزنامه آفتاب شرق، دوم آبان ماه: ۱-۲.
- ----- (۱۳۴۲). "بحث در آثار شش نویسنده قهستانی". پایان‌نامه کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه مشهد.
- ----- (۱۳۹۲). "معرفی یک عقدنامه". فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان، سال نهم، ش اول، پیاپی ۳۳ (زمستان): ۱۹۹-۲۰۲.
- راشد محصل، محمدحسین (۱۳۴۵). آخوند ملا محمدحسن هردنگی. [چاپ نشده]: ۱-۱۰.
- سایکس، سرپرسی (۱۳۶۳). سفرنامه ژنرال سرپرسی سایکس یا هزار فامیل. تهران: لوحه.
- شاطری، مفید؛ رجبی، نجیب الله (۱۳۹۴). وارثان عترت، بقاع متبرکه و امامزادگان خراسان جنوبی. تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه، سازمان چاپ و انتشارات.

- عباسلو، سمیرا (۱۳۹۲). "جایگاه اجوبه های علمای قائلان در تدوین تاریخ اجتماعی منطقه (عصر قاجار)". پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند.

- عزیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۹۱). *عالمان دین در خراسان جنوبی*. تهران: فکر بکر.

- عزیزاده بیرجندی، زهرا؛ عباسلو، سمیرا؛ الهی زاده، محمدحسن (۱۳۹۲ الف). "جایگاه اجوبه های علمای بیرجند در مطالعات تاریخ محلی". *فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان*، سال هفتم، ش ۴ (تابستان): ۲۹ - ۵۲.

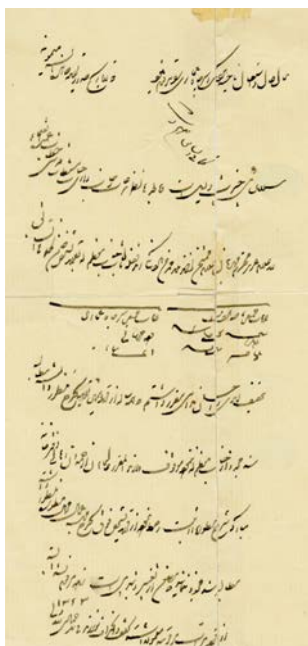
- ----- (۱۳۹۲ ب). "کارکرد اجوبه های علمای شیعی در مطالعات تاریخ اجتماعی ایران". *فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهش نامه تاریخ اسلام*، سال سوم، ش ۱۱ (پاییز): ۷۵ - ۱۰۰.

- غوث، کمال (۱۳۹۰). "مروری بر زندگی و آثار آخوند ملا محمدحسن هردنگی بیرجندی". *مجله تخصصی فقه اهل بیت*، ش ۶۶ و ۶۷ (تابستان و پاییز): ۳۷۸ - ۳۸۲.

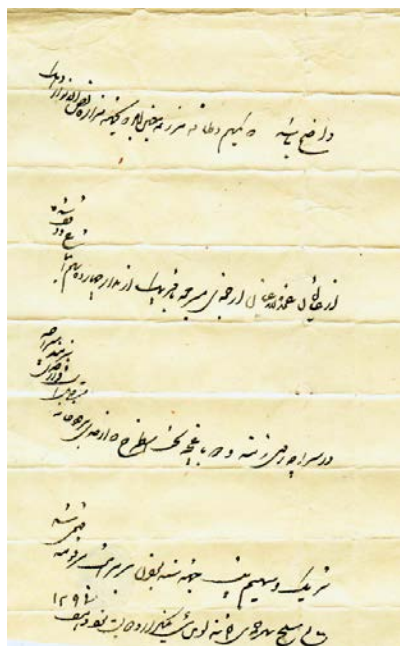
- ----- (۱۳۹۱). *گنج نامه ناحیه هردنگ*. تهران: فکر بکر.

- منصف، محمدعلی (۱۳۵۴). *امیر شوکت الملک علم، امیر قاین*. تهران: امیر کبیر.

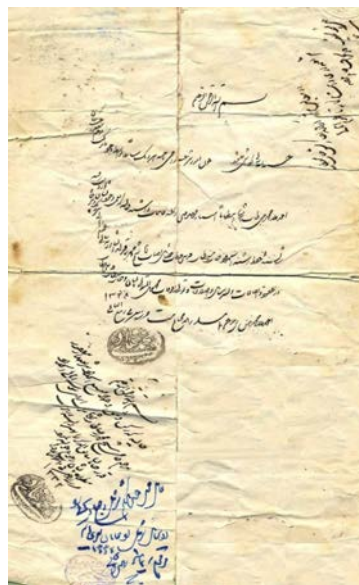
- موسوی نژاد (عارف)، محمد (۱۳۹۰). "خدمات میرزا موسی خان به موقوفات آستان قدس رضوی". *پیام بهارستان*، سال چهارم، ش ۱۳ (پاییز): ۳۷۱ - ۳۷۲.



سند شماره ۲



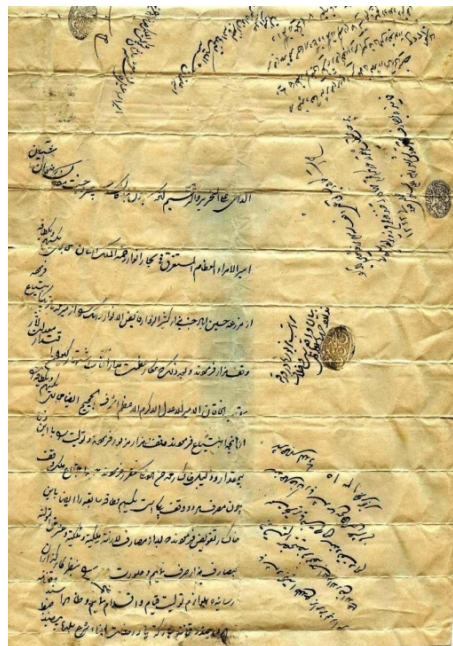
سند شماره ۱



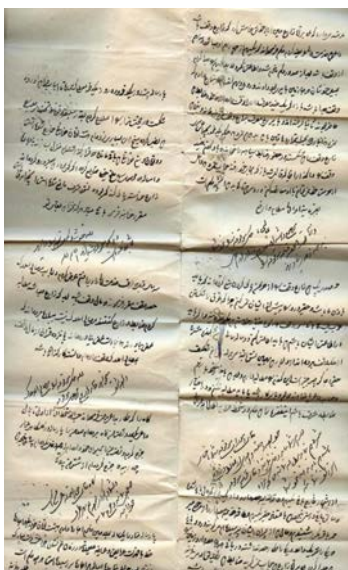
سند شماره ۳



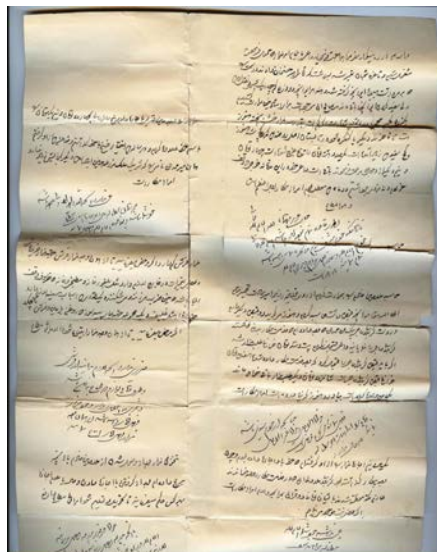
سند شماره ۴



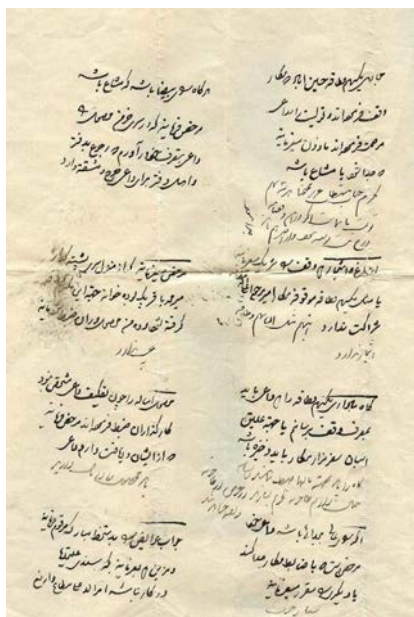
سند شماره ۵



سند شماره ۶



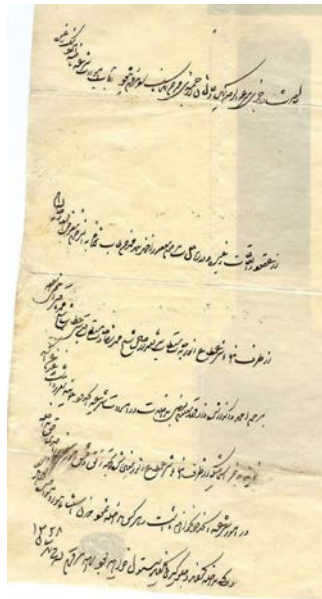
سند شماره ۷



سند شماره ۸



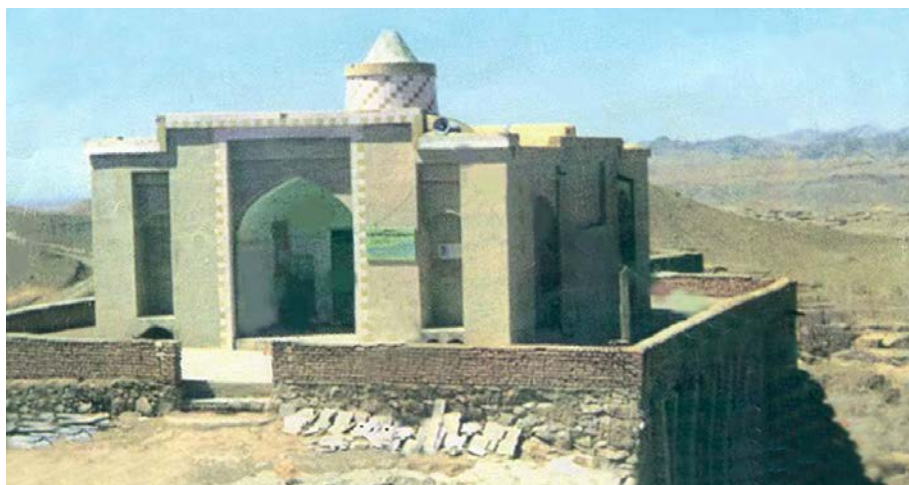
سند شماره ۹



سند شماره ۱۰



سند شماره ۱۱



تصویر ۱) مزار سیدناالحسین عربخانه مربوط به تعمیر اساسی آن توسط اولاد ملا محمدحسن تا قبل از تحویل مزار به اداره اوقاف شهرستان نهبندان در اوایل انقلاب



تصویر ۲) مزار دهک عرب خانه مربوط به تعمیر اساسی آن بعد از انقلاب توسط اداره اوقاف شهرستان نهبندان

تطبیق معماری با اقلیم بر اساس شاخص های حرارتی

نمونه موردی: اقلیم سرد و خشک مشهد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۲۰

سعید کامیابی^۱

ندا میرزائی^۲

چکیده

از آغاز تاریخ، بشر تحت تأثیر اقلیم قرار داشت و به همین دلیل، انسان اولین پناهگاه را به منظور حفاظت در برابر عناصر اقلیمی بنا نمود. با گذشت زمان و پیشرفت فناوری بسیاری از کشورها، از جمله ایران، سعی نمودند با معماری همساز با اقلیم، فضای آسایش ایجاد کنند. معماری و اقلیم، دو سیستم انسان ساخت و طبیعی هستند که تأثیرگذاری تنگاتنگی بر یکدیگر دارند، به نحوی که بررسی چگونگی تأثیر عناصر اقلیمی و بازخوردهای آن بر معماری امری اجتناب ناپذیر است. به طور کلی عواملی مانند چگونگی تابش آفتاب، دمای حاصله از تابش خورشید، رطوبت هوا و میزان بارندگی و در مجموع وزش بادهای مختلف در مسائل اقلیم دخالت دارد و محیط زندگی انسان را تحت الشعاع قرار می دهد که این عناصر، محدودیت هایی را نیز در زمینه معماری به همراه دارد. در این مقاله با استفاده از روش های اقلیمی به تجزیه و تحلیل اقلیم مشهد پرداخته شده است برای این کار از آمار سازمان هواشناسی در یک دوره ۳۰ ساله (از سال ۱۹۸۴ تا ۲۰۱۴) استفاده شد. نتایج بدست آمده از نمودار آمپروترومیک و میزان دما و بارش باران نشان داد که مشهد در اقلیم سرد و خشک قرار گرفته است. هدف از این مقاله بررسی شرایط اقلیمی شهر مشهد با استفاده از شاخص های آسایش حرارتی ماهانی، اولگی، اوانز و گیونی و به تبع آن بررسی راهکارها و پیشنهادهای مناسب در زمینه سازگاری بیشتر اقلیم و معماری و توسعه پایدار می باشد. امید است تا نتایج این

saeidkamyabi@gmail.com

۱. استادیار گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سمنان

۲. دانشجوی دکتری معماری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سمنان، نویسنده مسؤول

mirzaie.neda@gmail.com

مقاله بتواند در زمینه معماری و ساخت بناهای جدید در این شهر مفید واقع گردد. واژگان کلیدی: عوامل اقلیمی، روش های اقلیمی، معماری، توسعه پایدار، مشهد

مقدمه

در دانش جغرافیا و هواشناسی بین دو مفهوم هواشناسی و اقلیم شناسی تفاوت قائل اند. هواشناسی تغییرات روزانه عوامل جوی است که معمولاً سازمان هواشناسی روزانه در رسانه عمومی اعلام می کند و در علومى مثل کشاورزی، هوانوردی، کشتیرانی و امور روزانه مردم کاربرد دارد. اما اقلیم شناسی روند عمومی شرایط آب و هوایی یک منطقه در دوره ای طولانی است و کاربرد آن بیشتر در علومى مثل برنامه ریزی شهری، طراحی معماری و طراحی منظر است.

امروزه اهمیت و ضرورت توجه به شرایط اقلیمی در طراحی و ساخت کلیه ساختمان ها، به خصوص ساختمان هایی که به طور مستقیم مورد استفاده انسان و موجودات زنده قرار می گیرند ثابت شده است.

طراحی همساز با اقلیم عبارت است از نگهداری وضعیت میکروکلیمای^۱ مسکن در محدوده آسایش، صرف نظر از وضعیت خارج از ساختمان است. محدوده آسایش وضعیتی است که در آن حدود ۸۰ درصد مردم احساس راحتی کنند.

بر این اساس، شش عامل اصلی آسایش عبارتند از دمای هوا، رطوبت، تشعشع، جریان هوا، پوشش و سطح فعالیت. البته عامل های دیگری از قبیل سن، جنس، شکل بدن، وضعیت سلامتی، رژیم غذایی، رنگ لباس، سازش با آب و هوای محیط و ... بر میزان آسایش تأثیرگذار می باشند. بنابراین در بحث طراحی، توجه به اقلیم مناطق مختلف و شناخت آن امری ضروری است.

توجه به خصوصیات اقلیمی و تأثیری که این خصوصیات در شکل گیری ساختمان می گذارند، از دو جهت حائز اهمیت است. از یک سو، ساختمان های هماهنگ با اقلیم یا ساختمان هایی با طراحی اقلیمی، از نظر آسایش حرارتی انسان کیفیت بهتری دارند.

شرایط محیطی این گونه ساختمان ها سالم تر و بهتر است، تنوع و تغییر روزانه و فصلی نور، حرارت و جریان هوا در این ساختمان ها، فضاهای متنوع و دلپذیری ایجاد می کند. از سوی دیگر، هماهنگی ساختمان با شرایط اقلیمی موجب صرفه جویی در مصرف سوخت مورد نیاز جهت کنترل شرایط محیطی این گونه ساختمان ها می شود (لشکری و سلکی، ۱۳۹۰: ۲۰۸).

طرح های معماری بدون توجه به ویژگی ها و عوامل اقلیمی و آب و هوایی منطقه، ناقص و پرهزینه خواهد بود و ایجاد فضاهای شهری و محیط های مسکونی و ساختمان ها و خیابان ها و ... نیازمند توجه به اقلیم و مطالعات اقلیمی است.

هماهنگ کردن ساختمان و محیط مسکونی انسان با شرایط و عوامل اقلیمی به دلیل گرانی انرژی از اهمیت زیادی برخوردار است. اقلیم و معماری یکی از علوم جدیدی است که جهت بهره برداری از مواهب طبیعی و با هدف صرفه جویی در مصرف انرژی و کاهش مصرف انرژی های تجدیدناپذیر، از جمله نفت و گاز و ایجاد شرایط رفاه و آسایش برای انسان در ساختمان و مسکن می باشد. انسان می تواند با توجه به مطالعات عوامل و عناصر مختلف اقلیمی، محیط مسکونی و ساختمان را به گونه ای طراحی و معماری نماید که بیشترین آسایش و رفاه را برای او تأمین نماید. لذا این موضوع، نشان دهنده ی تأثیر متقابل بین انسان و اقلیم و ساختمان می باشد (ملک حسینی و ملکی، ۱۳۸۹: ۱۳۵).

پیشینه تحقیق

نخستین بار در ۱۹۸۶ جلسه ای مرکب از هواشناسان، متخصصان زیست و بهداشت، معماران و مهندسين و طراحان شهری جهت بررسی اقلیم شناسی ساختمان در ژنو تشکیل گردید که هدف از آن آگاهی اثرات شهری هوا به منظور انتخاب بهترین نتیجه روی اقلیم شهری بود. هم چنین هوارد گریسفیلد^۱ نیز در سال ۱۹۷۹ به انتخاب محل ساختمان اشاره می کند و شرایط خرد اقلیمی محلی را در آسایش مفید می داند و

عوامل تابش، باد و جهت استقرار ساختمان را در کنترل حرارت فضایی داخلی توضیح می دهد (لشکری و سلکی، ۱۳۸۸: ۲۸). گیونی^۱ در سال ۱۹۸۹ در کتابی تحت عنوان طراحی شهری در اقلیم مختلف، توجه به مسائل آب و هوایی در مقیاس کلان و خرد را مورد بررسی قرار داده است (کامیابی و احمدی، ۱۳۹۲).

در کشور ما نیز با توجه به کاهش ذخائر پایان پذیر نفت، آلودگی شهرها و صدمات جبران ناپذیر سوخت های فسیلی به محیط زیست، توجه به اقلیم و طراحی اقلیمی از نیمه دوم دهه ۱۳۵۰ ش. مجدداً مورد توجه واقع گردید. از اولین کارهای انجام شده در این زمینه می توان به کار تحقیقاتی عدل در سال ۱۳۳۹ اشاره نمود. وی با ایجاد تغییراتی در آستانه های حرارتی موجود در روش کوپن، شرایط اقلیمی شهرهای ایران را ارزیابی نمود و برای اولین بار نقشه بیوکلیماتیک^۲ ایران را ارائه نمود.

جمشید ریاضی (۱۳۵۶) با استفاده از اطلاعات اقلیمی ۴۳ ایستگاه سینوپتیک^۳ کشور نقشه تقسیمات اقلیمی را در رابطه با کارهای ساختمانی بر اساس شاخص اولگی^۴ تهیه نمود. متأسفانه چون نقش عناصر ساختمانی در کنترل شرایط حرارتی فضاهای داخلی در پیشنهاد الگی مشخص نیست، کار جمشید ریاضی نتوانسته است مورد توجه کامل قرار گیرد.

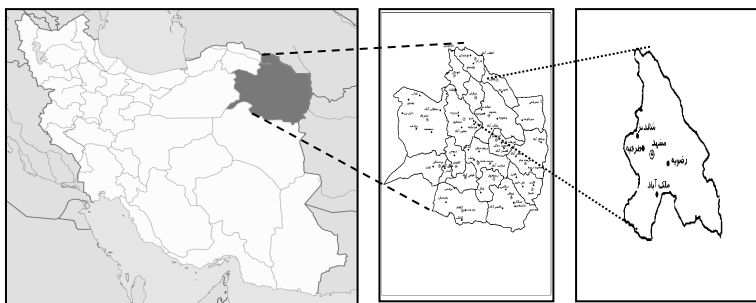
مرتضی کسمائی (۱۳۶۳) با استفاده از جداول بیوکلیمای ساختمانی و با استفاده از آمار ۴۳ دستگاه سینوپتیک، اقلیم های مختلف ایران را به منظور استفاده در مسکن و معماری تهیه نموده است. وی هم چنین در سال ۱۳۷۳ با استفاده از اطلاعات اقلیمی ۵۹۱ ایستگاه هواشناسی، اولین پهنه بندی اقلیمی ایران را در رابطه با محیط های مسکونی با استفاده از روش ماهانی ارائه کرده است که براساس آن کشور به ۲۳ گروه اقلیمی تقسیم شده است. محمود رازجویان (۱۳۶۷) هم در کتب آسایش به وسیله معماری همساز با اقلیم، دستورالعمل های مناسبی برای استفاده بهینه از قابلیت های اقلیمی ارائه نموده است.

-
1. Givoni
 2. Bio climatic
 3. Synoptic
 4. Olgyay

از جمله پژوهش هایی که در سال های اخیر در مورد اقلیم ایران و تغییرات آن انجام گرفته می توان به کارکسمائی (۱۳۶۳)، فرج زاده، قربانی و لشکری (۱۳۸۷)، شقاقی و مفیدی (۱۳۸۷)، صادقی روشن و طباطبائی (۱۳۸۸)، داوودی، محمدی و بای (۱۳۸۹)، پروانه، شاهرخوندی و میررضایی (۱۳۸۹)، ملک حسینی و ملکی (۱۳۸۹)، لشکری، موزومی و لطفی (۱۳۹۰)، طاووسی و سبزی (۱۳۹۰)، قویدل رحیمی و احمدی (۱۳۹۰) اشاره کرد. در این تحقیق جهت تعیین محدوده ی آسایش حرارتی شهر مشهد، از شاخص های دمای مؤثر، اولگی، گیونی، ماهانی و اوانز^۱ استفاده گردید و در نهایت پیشنهادهای لازم جهت طراحی معماری در این اقلیم ارائه گردیده است.

موقعیت جغرافیایی شهر مشهد

شهر مشهد، با ۲۸۰۷۴۶۴ نفر جمعیت در سال ۱۳۹۰، دومین کلانشهر ایران می باشد (شهرداری مشهد، ۱۳۹۳: ۶۲). این شهر در شمال شرقی ایران (در دشت مشهد)، در حد فاصل رشته کوه های کپه داغ در شمال و بینالود در جنوب قرار دارد. شهرستان مشهد بالغ بر ۱۰۳۲۹ کیلومتر مربع وسعت دارد. شهر مشهد مرکز استان خراسان رضوی است و در ۵۹ درجه و ۱۵ دقیقه تا ۶۰ درجه و ۳۶ دقیقه طول جغرافیایی و ۳۵ درجه و ۴۳ دقیقه تا ۳۸ درجه و ۸ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده است. این شهر از جنوب به ارتفاعات بینالود، از شمال به کوه های هزار مسجد، از شرق به شهرستان سرخس و از غرب به شهرستان های نیشابور و چناران محدود می شود (همانجا؛ حسینی، ۱۳۸۷: ۴۵) (شکل ۱).



شکل (۱) موقعیت منطقه مورد مطالعه (منبع: سایت ایران، ۱۳۹۳)

مواد و روش ها

روش بررسی در مقاله حاضر، بیشتر روش تحلیلی و توصیفی بوده و اطلاعات آن به شیوه کتابخانه ای و استفاده از منابع و اطلاعات موجود در کتب و مقالات و نیز اطلاعات موجود در سازمان های ذی ربط، از جمله اداره هواشناسی شهر مشهد جمع آوری شده است. برای انجام این پژوهش ابتدا داده های آماری ایستگاه سینوپتیک شهر مشهد در یک دوره آماری ۳۰ ساله (۱۹۸۴-۲۰۱۴) از سازمان هواشناسی دریافت شد و مورد بررسی قرار گرفت (جدول ۱).

جدول (۱) داده های اقلیمی مؤثر بر معماری در دوره ۳۰ ساله (۱۹۸۴-۲۰۱۴) مشهد

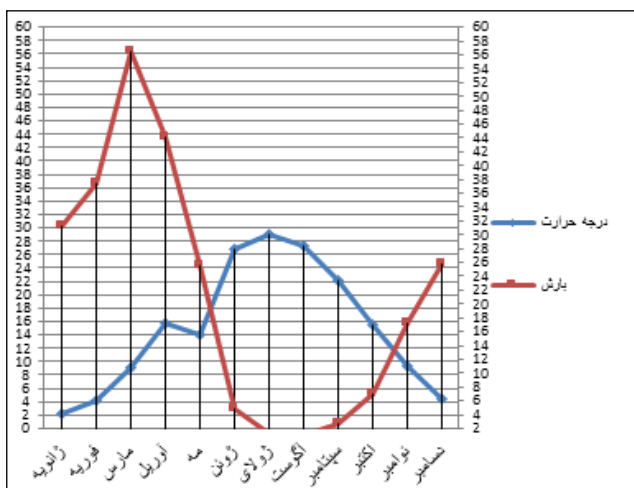
میانگین سرعت باد ماهیانه

ماه	مجموع بارش ماهیانه (میلی متر)	دما			رطوبت نسبی	رطوبت نسبی بیشینه	رطوبت نسبی کمینه	میانگین سرعت باد ماهیانه (متر بر ثانیه)
		متوسط دما	متوسط کمینه دما	متوسط بیشینه دما				
ژانویه	۳۱/۳۳	۲/۱۷	-۹/۹۶	۱۶/۶۹	۸۷/۰۷	۹۸/۰۴	۵۳/۳۴	۱/۵۷
فوریه	۳۷/۵۱	۴/۰۸	-۹/۰۱	۲۰/۲۵	۷۲/۵۹	۹۶/۶۴	۴۶/۸۹	۲/۱۷
مارس	۵۶/۳۹	۹/۰۶	-۴/۳۴	۲۶/۲۲	۶۸/۶۶	۹۰/۷۱	۴۲/۹۱	۲/۵۰
آوریل	۴۴/۱۸	۱۵/۷۴	۴/۲	۳۲/۳۵	۶۰/۸۳	۸۴/۸۰	۳۸/۶۸	۲/۵۸
مه	۲۵/۶۴	۱۳/۹۰	۷/۵۴	۳۶/۴۲	۴۹/۲۲	۷۰/۰۵	۲۹/۱۴	۲/۸۲
ژوئن	۴/۹۲	۲۶/۸۶	۱۳/۶۸	۴۰/۰۱	۳۵/۲۳	۴۸/۳۷	۲۰/۳۷	۳/۳۴

۳/۲۰	۲۰/۰۳	۴۴/۶۰	۳۳/۴۷	۴۰/۵۶	۱۶/۶۲	۲۸/۹۳	۱/۳۵	جولای
۲/۹۶	۱۸/۲۷	۴۱/۹۸	۳۲/۵۸	۴۱/۸۸	۱۴/۰۸	۲۷/۳۴	۱/۱۴	آگوست
۲/۴۳	۲۱/۷۶	۵۱/۰۳	۳۴/۴۳	۳۷/۳۰	۸/۱۷	۲۲/۲۱	۲/۷۰	سپتامبر
۱/۴۵	۲۶/۱۷	۷۱/۱۳	۴۲/۲۵	۳۲/۸۱	۱/۵۳	۱۵/۵۵	۷/۰۰۳	اکتبر
۱/۶۴	۳۸/۹۳	۸۸/۹۴	۵۶/۷۱	۲۵/۶۱	-۲/۹۰	۹/۲۹	۱۷/۲۷	نوامبر
۱/۵۱	۵۰/۰۲	۹۵/۴۲	۶۷/۶۷	۱۹/۸۵	-۷/۰۸	۴/۴۴	۲۵/۷۸	دسامبر
۲/۳۴	۳۳/۸۷	۷۳/۴۷	۶۴/۹۳	۳۰/۴۵	۲/۶۹	۱۴/۹۵	۲۵۵/۲۱	جمع سال

منبع: اداره کل هواشناسی استان خراسان رضوی

نمودارهای آمبروترومیک^۱ برای شناخت ماه های خشک در ایستگاه های اقلیمی مورد مطالعه تهیه می شوند. شکل ۲ نشان دهنده نمودار آمبروترومیک ایستگاه مشهد برطبق آمار هواشناسی در سال های مشترک ۱۹۸۴-۲۰۱۴ است. در نمودار آمبروترومیک زیر که منحنی بارش زیر منحنی دماست، از ماه مه تا اکتبر جزء ماه های خشک شهر مشهد محسوب می شود. بنابراین مشهد شش ماه از سال کمبود بارش داشته و آب و هوایی خشک را تجربه می کند.



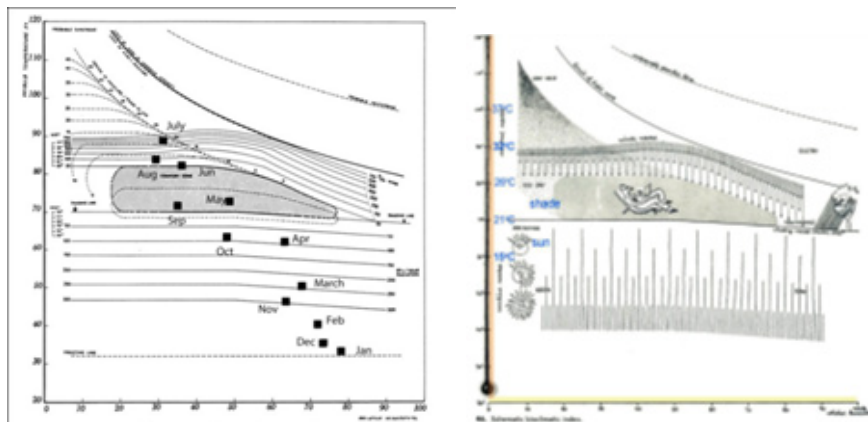
شکل ۲) نمودارهای آمبروترومیک ایستگاه مشهد (منبع: نگارنده)

بررسی شاخص‌های آسایش حرارتی

طبق تعریف، شرایط آسایش حرارتی، محدوده‌ای است از دما و رطوبت که در آن ساز و کار تنظیم حرارت بدن در حداقل فعالیت باشد (Givoni, 1969: 287). تعیین محدوده آسایش حرارتی بر محاسبات حرارتی ساختمان، اندازه دستگاه‌های حرارتی و برودتی و ضخامت عایق و جنس مصالح و به طور کلی بر میزان مصرف و اتلاف انرژی تأثیر مستقیم دارد. با توجه به این که افراد در شرایط اقلیمی یکسان، احساس آسایش دمایی مشابهی دارند، لازم است که برای هر منطقه اقلیمی، محدوده آسایش حرارتی به طور دقیق مشخص شود (Fishman & Pimbert, 1979: 682). صادقی روشن و طباطبائی، ۱۳۸۸: ۴۰).

۱. روش اولگی

با استفاده از این جدول می‌توان به شرایط اقلیمی مناطق گوناگون از نظر آسایش انسان پی برد و دوام سرما و گرمای سالانه هوای شهرهای مختلف و درجه حاد بودن شرایط حرارتی و نوع سیستم‌های مکانیکی و نیاز به سیستم‌های مکانیک را با توجه به میزان رطوبت و شدت گرما و سرمای هوا بدست آورد (لشکری و سلکی، ۱۳۸۸: ۱۴-۲۳؛ Olgyay, 1973). در این نمودار، محدوده‌ای مشخص شده که نشان می‌دهند نوع اقلیم در رابطه با دما و رطوبت است و با پیاده کردن شرایط گرمایی هوای یک منطقه در این جدول، می‌توان نوع اقلیم را مشخص ساخت. با انتقال دما و رطوبت ماهانه در طول یک سال روی جدول، ضمن مشخص شدن شرایط گرمایی هوای آن منطقه، می‌توان شرایط بحرانی هوا و یا دوام سرما و گرمای سالانه هوا را نیز به دست آورد (پروانه، شاهرخوندی و میررضایی، ۱۳۸۹: ۴۴). در نمودار بیوکلیماتیک اولگی وضعیت حرارتی ماه‌های شهر مشهد مشخص شده است که بر اساس آن می‌توان شرایط بحرانی هوا و یا دوام سرما و گرمای سالانه هوا را در آن نشان داد (شکل ۳).



شکل ۳) شکل سمت راست: منطقه آسایش (منبع: Olgyay, 1963)

شکل سمت چپ: نمودار اولگی شهر مشهد

نتایج حاصل از نمودار اولگی برای مشهد

ماه های ژوئن، جولای و آگوست در بالای منطقه آسایش قرار دارند و لازم است هم به وسیله جریان هوا و هم به وسیله تبخیر ذرات آب موجود در هوا، آسایش لازم تأمین شود.

ماه های مه و سپتامبر در منطقه آسایش قرار می گیرد. در این حالت انسان در سایه و در وضعیتی که سرعت هوا نامحسوس باشد (کمتر از یک متر بر ثانیه) احساس راحتی می کند.

ماه های مارس، آوریل، اکتبر و نوامبر در منطقه ای پائین تر از حد آسایش قرار دارند و شخص در شرایط موجود احساس آسایش نمی کند، مگر در معرض دریافت مستقیم نور خورشید قرار گیرد، در غیر این صورت با استفاده از وسایل گرمایشی، آسایش مورد نظر تأمین می گردد.

در ماه های ژانویه، فوریه و دسامبر آسایش مورد نیاز فقط با استفاده از وسایل گرمایشی تأمین می شود.

در روش اولگی نوع مصالح به لحاظ وزن و میزان عایق حرارتی در مناطق مختلف بررسی می شود که چون شهر مشهد به طور کلی جزء مناطق سرد به حساب می آید، می بایست چون شرایط بحرانی هوای خارج سردتر از دمای مطلوب می باشد، برای ثابت نگه داشتن شرایط مطلوب در فضای داخلی ساختمان، باید مقاومت حرارتی مصالح را افزایش داده و دیوارهای غربی و نیز قسمت های داخلی ساختمان را با مصالح سنگین بنا نمود.

مطابق مدل اولگی، برای تعیین مرزهای آسایش حرارتی، علاوه بر دما باید مقدار رطوبت نسبی هوا را نیز تعیین نمود. بر اساس این پیشنهاد اولگی، محدوده رطوبت نسبی مناسب ۳۰٪ - ۶۵٪ است و بر اساس استاندارد ایالات متحده آمریکا، این محدوده ۲۰٪ - ۸۰٪ می باشد (صادقی روشن و طباطبائی، ۱۳۸۸: ۴۴) با توجه به این که رطوبت سالیانه شهر مشهد ۵۳/۸۳٪ می باشد و بالاترین میانگین رطوبت نسبی ۷۹ و ۷۵/۲۵ به ترتیب در ژانویه و دسامبر ظهور می کند و هم چنین میانگین حداقل رطوبت نسبی که ایجاد آسایش حرارتی می کند. ۳۵/۵۸٪ در ماه سپتامبر بیان می شود. بنابراین حد بالای رطوبت نسبی ۸۰٪ و حد پائین آن با توجه به مقادیر آسایش دمایی ۳۵٪ پیشنهاد می شود.

۲. روش ماهانی

جدول ماهانی منطقه، آسایش شب و روز هر ماه را با توجه به میانگین سالیانه دمای محل مورد مطالعه و میانگین رطوبت نسبی همان ماه تعیین می کند (رازجویان، ۱۳۹۳: ۵۴) (جدول ۲ و ۳).

تطبيق معماری با اقليم براساس شاخص های حرارتی ...

۱۲۹

جدول ۲) جدول ماهانی برای شهر مشهد

طول جغرافیایی:		عرض جغرافیایی:				ارتفاع از سطح دریا:				مجموع بارش به میلی متر:			
۵۹/۳۸		۳۶/۱۶				۹۹۹ متر				۲۵۵/۲۱			
میانگین دمای سالیانه:		نوسان سالیانه: ۵۲/۴۸				بیشترین دما: ۴۲/۳۵				کمترین دما: -۱۰/۱۲			
۱۶/۱۱													
دما به سانتیگراد		ژانویه	فوریه	مارس	آوریل	مه	ژوئن	جولای	آگوست	سپتامبر	اکتبر	نوامبر	دسامبر
میانگین حداکثر دمای ماهیانه		۱۶/۶۹	۲۰/۲۵	۲۶/۲۲	۳۲/۳۵	۳۶/۴۲	۴۰/۰۱	۴۰/۵۶	۴۱/۸۷	۳۷/۳۰	۳۲/۸۱	۲۵/۶۱	۱۹/۸۵
میانگین حداقل دمای ماهیانه		-۹/۹۶	-۹/۰۱	-۴/۳۴	۴/۰۲	۷/۵۴	۱۳/۶۸	۱۶/۶۲	۱۴/۰۸	۸/۱۷	۱/۵۳	-۲/۹۰	-۷/۰۸
نوسان ماهیانه دما		۲۶/۳۸	۲۹/۲۶	۳۰/۵۴	۲۸/۳۳	۲۸/۸۸	۲۶/۳۳	۲۳/۹۴	۲۷/۷۹	۲۹/۱۳	۳۱/۲۸	۲۸/۵۱	۲۶/۹۳
نسبی رطوبت	میانگین حداکثر ماهیانه	۲۸/۰۴	۹۶/۶۴	۹۰/۷۱	۸۴/۸۰	۷۰/۰۵	۴۸/۳۷	۴۴/۶۰	۴۱/۹۸	۵۱/۰۳	۷۱/۱۳	۸۸/۹۴	۹۵/۴۲
	میانگین حداقل دمای ماهیانه	۵۳/۳۴	۴۶/۸۹	۴۲/۹۱	۳۸/۶۸	۲۹/۱۴	۲۰/۳۷	۲۰/۰۳	۱۸/۲۷	۲۱/۷۶	۲۶/۱۷	۳۸/۹۳	۵۰/۰۲
	میانگین کل	۷۵/۹۲	۷۱/۷۶	۶۶/۸۱	۶۱/۷۴	۵۹/۴۹	۳۴/۳۷	۳۲/۴۵	۳۰	۳۶/۳۹	۴۸/۶۵	۶۳/۹۳	۷۲/۷۳
	گروه رطوبت نسبی	۴	۴	۳	۳	۲	۲	۲	۲	۱	۲	۲	۳
بارندگی به میلی متر		۳۱/۳۳	۳۷/۵۱	۵۶/۳۹	۴۴/۱۸	۲۵/۶۴	۴/۹۲	۱/۳۵	۱/۱۴	۲/۷۰	۷/۰۰۳	۱۷/۲۷	۲۵/۷۸
باد	باد غالب	SE	SE	SE	SE	SE	SE	SE	SE	SE	SE	SE	SE
	باد نائب غالب	E	E	E	E	E	E	E	E	E	E	E	E
میانگین ماهیانه دمای حداکثر		۱۶/۶۹	۲۰/۲۵	۲۶/۲۲	۳۲/۳۵	۳۶/۴۲	۴۰/۰۱	۴۰/۵۶	۴۱/۸۷	۳۷/۳۰	۳۲/۸۱	۲۵/۶۱	۱۹/۸۵
منطقه راحت روز	حداکثر	۲۵	۲۵	۲۸	۲۸	۳۰	۳۰	۳۰	۳۲	۳۰	۳۰	۲۸	۲۵
	حداقل	۲۰	۲۰	۲۱	۲۱	۲۲	۲۲	۲۲	۲۳	۲۲	۲۲	۲۱	۲۰

میانگین ماهیانه دمای حداقل	-۹/۹۶	-۹/۰۱	-۴/۳۴	۴/۰۲	۷/۵۴	۱۳/۶۸	۱۶/۶۲	۱۴/۰۸	۸/۱۷	۱/۵۳	-۲/۹۰	-۷/۰۸
منطقه راحت شب	حداکثر	۲۰	۲۰	۲۱	۲۱	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۱	۲۰
	حداقل	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴
تخصیص وضعیت گرمایی	روز	C	O	O	H	H	H	H	H	H	O	C
	شب	C	C	C	C	O	O	O	C	C	C	C

جدول ۳) جدول شاخص های گرمایی روش ماهانی برای شهر مشهد

جمع شاخص ها	شاخص های گرمایی											
۰												جریان هوا ضروریست H1
۱										*		جریان هوا مطبوع است H2
۰												مقابل با باران ضروریست H3
۹		*	*	*	*	*	*	*	*	*		انباشت گرما در جدار ساختمان ضروریست A1
۶			*	*	*	*	*	*				خواب شبانه در هوای آزاد A2
۲	*										*	مشکل ماههای سرد A3

از بررسی ها مشخص می شود شهر مشهد دارای صفر ماه با شاخص های H1 تا H2، نه ماه با شاخص A1، شش ماه با شاخص A2 و دو ماه با شاخص A3 است که در ادامه جدول ۷ تکمیل شده است.

شاخص A1 نه ماه که چهار ماه آن جزو گروه ۳، چهار ماه جزو گروه ۲ و یک ماه جزو گروه ۱ با رطوبت نسبی با دمای بیش از ۱۰ درجه است.

شاخص A2 پنج ماه که چهار ماه آن جزو گروه رطوبتی ۲ و یک ماه جزو گروه رطوبتی ۱ با دمای بیش از ۱۰ درجه است.

شاخص A3 سه ماه که همه آن ها جزو گروه رطوبت ۴ با دمای بیش از ۱۰ درجه است.

جدول ۴) بررسی ویژگی های معماری ساختمان شهر مشهد بر اساس روش ماهانی

شاخص های وضعیت گرمائی						پیشنهادهات	
H ₁	H ₂	H ₃	A ₁	A ₂	A ₃	۲	
	۱	۰	۰	۹	۶		
شیوه استقرار ساختمان							
			۱۰-۰			۱	۱- طول ساختمان ها در امتداد شرق و غرب *
			۱۲و۱۱		۱۲-۵		
					۴-۰	۲	۲- معماری فشرده با حیاط
فضای بین ساختمان ها							
۱۲و۱۱						۳	۳- مجموعه گسترده و باز برای استفاده از باد
۱۰-۲						۴	۴- مانند بالا، به شرط جلوگیری از باد سرد و گرم
۱و۰						۵	۵- مجموعه فشرده *
جریان هوا در داخل ساختمان							
۱۲-۳						۶	۶- اتاق های منفرد برای استفاده از کوران دائم
۲و۱			۵-۰				
			۱۲-۶				
						۷	۷- اتاق های به هم چسبیده و پیش بینی جریان هوا به طور موقت در مواقع لازم
۰	۱۲-۲					۸	۸- عدم لزوم جریان محسوس هوا *
	۱و۰						
پنجره ها							
			۱و۰		۰	۹	۹- پنجره های بزرگ ۴۰ تا ۸۰٪ دیوارهای شمالی و جنوبی
			۱۲و۱۱		۱و۰	۱۰	۱۰- پنجره های بسیار کوچک ۱۰ تا ۲۰٪
همه شرایط دیگر						۱۱	۱۱- پنجره های متوسط ۲۰ تا ۴۰٪ *
دیوارها							
				۲-۰		۱۲	۱۲- دیوارهای سبک، زمان تأخیر کوتاه
				۱۲-۳		۱۳	۱۳- دیوارهای سنگین، داخلی و خارجی *

سقف ها						
				۵-۰	۱۴	۱۴- سقف های سبک با عایق حرارتی
				۱۲-۶	۱۵	۱۵- سقف های سنگین، زمان تأخیر بیش از ۸ ساعت *
خواب شبانه در هوای آزاد						
				۱۲-۲	۱۶	۱۶- ضرورت پیش بینی فضا برای خواب شبانه *
حفاظت از باران						
		۱۲-۳			۱۷	۷- ضرورت حفاظت در برابر باران شدید

بر اساس جدول شماره ۴ بناهای شهر مشهد باید دارای شرایط زیر باشند: طول ساختمان در امتداد شرقی- غربی قرار گیرد و مجموعه به صورت متراکم و فشرده طراحی گردد. بهتر است بناها به صورت فشرده و منفرد در کنار یکدیگر قرار گیرد، از چیدمان هایی که باعث ایجاد تونل باد و یخبندان می شود باید پرهیز نمود (رازجویان، ۱۳۹۳: ۶۲).

سطوح مناسب جهت بازشوها، ۲۰ تا ۴۰٪ سطح دیوارهاست. بهتر است بازشوها در سطوحی که بیشترین تابش خورشید را دریافت می کنند (جبهه شمالی و جنوبی) قرار گیرند.

دیوارها ضخیم بوده و جنس مصالح به گونه ای باشد که گرما را در فاصله زمانی کمتر از هشت ساعت از خود عبور دهد.

با توجه به نیاز ذخیره حرارتی در طول ۱۱ ماه از سال، سقف ها باید سنگین و از مصالحی با زمان تأخیر بیش از هشت ساعت انتخاب گردد.

۳. شاخص اوانز

شاخص اوانز از مجموعه شاخص های معتبر در زمینه اقلیم آسایشی می باشد که شرایط آسایش راحتی انسان را از منظر اقلیمی در زمان ها و مکان های مختلف مورد بررسی قرار می دهد (محمدی، ۱۳۸۱: ۲۳۵)

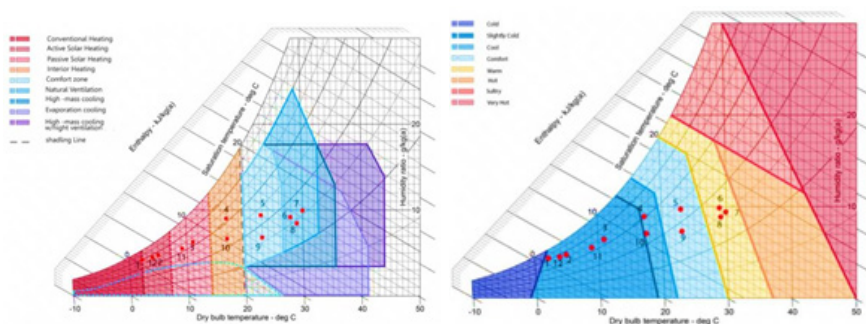
- با توجه به جدول ۵ در طراحی معماری در اقلیم مشهد:
- باید اجزای ساختمانی با ظرفیت گرمایی و زمان تأخیر زیاد مورد استفاده قرار گیرند
 - ضرورت وجود وسایل مکانیکی برای سرد و گرم کردن فضای داخلی احساس می شود
 - کفایت اجزای ساختمانی با قابلیت انباشت گرما در خود
 - لزوم عایق بندی خوب با ساختمان با ظرفیت گرمایی متوسط یا زیاد

جدول ۵) بررسی ویژگی های معماری ساختمان شهر مشهد بر اساس روش اوانز

وضعیت آب و هوا	ژانویه	فوریه	مارس	آوریل	مه	ژوئن	جولای	آگوست	سپتامبر	اکتبر	نوامبر	دسامبر	جمع
۱. دمای بالا و رطوبت زیاد													-
۲. دمای بالا و نوسان زیاد دما در شبانه روز				*	*	*	*	*	*	*			۷
۳. ناراحتی شدید				*	*	*	*	*	*	*			۷
۴. روز و شب راحت، ولی نوسان زیاد دما در شبانه روز													-
۵. آسایش روز													-
۶. دمای پایین	*											*	۲
													-
													-
۷. دمای بالا و رطوبت بالا در شب													-
۸. دمای بالا و رطوبت کم در شب													-
۹. دمای پایین در شب	*	*	*	*							*	*	۶

۴. روش گیونی

این روش علاوه بر آن که منطقه آسایش انسان را به طور دقیق تری در رابطه با دما و رطوبت هوا نشان می دهد، حدود سودمندی عناصر متفاوت ساختمانی را هم در تنظیم شرایط حرارتی هوای داخل ساختمان، مشخص می سازد. با انتقال شرایط آب و هوایی شهرهای گوناگون بر روی نمودار بیوکلیماتیک ساختمانی، می توان ویژگی های این شهرها را بررسی و آن ها را براین اساس طبقه بندی کرد (قویدل، رحیمی و احمدی، ۱۳۹۰: ۱۷۵؛ Givoni, 1998) (شکل ۴).



دسامبر	نوامبر	اکتبر	سپتامبر	اگوست	جولای	ژوئن	مه	آوریل	مارس	فوریه	ژانویه	
۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	شماره

شکل ۴) نمودار گیونی شهر مشهد

بر اساس شکل ۴ سمت راست:

ماه های ژانویه، فوریه، مارس، نوامبر و دسامبر در محدوده منطقه کمی سرد قرار دارند.

ماه آوریل و اکتبر در منطقه خنک واقع شده است.

ماه های مه و سپتامبر در محدوده آسایش واقع شده است.

ماه های ژوئن، جولای و اگوست دارای هوای گرم می باشند.

بر اساس شکل ۴ سمت چپ:

- ماه مه و سپتامبر در محدوده آسایش و در محدوده N قرار دارند و در این محدوده، انسان در طی روز به طور طبیعی دارای آسایش است و هوای داخل ساختمان از نظر آسایش مطبوع و مطلوب است.

- ماه های ژوئن، ژولای و اگوست در محدوده آسایش قرار گرفته اند، اما در این محدوده کم بودن رطوبت هوا باعث خارش و سوزش پوست می شود و برای جلوگیری از این امر، استفاده از وسایلی که طوبت هوا را بالا می برد ضروری است.

- ماه مارس، آوریل، اکتبر و نوامبر در منطقه H قرار دارند که این موضوع تأثیر مصالح و گرم کردن ساختمان است. یعنی مصالح مقاوم می تواند ساختمان را از مصرف انرژی برای رسیدن به حد آسایش بی نیاز سازد. استفاده از سیستم خورشیدی غیرفعال نیز

می تواند مؤثر باشد.

ماه های ژانویه، فوریه و دسامبر خارج از محدوده های مشخص شده هستند و بیانگر این مسأله است که ضرورت وسیله گرمایی احساس می شود.

تحلیل الگوهای ساختمانی بر اساس روش گیونی

در شهر مشهد عملیات زیر ضروری است:

- از نفوذ اشعه خورشید از قسمت های شفاف جدار (شیشه، پنجره و ...) به داخل جلوگیری شود.

- از جذب اشعه خورشید به قسمت کدر ساختمان (دیوار و سقف و ...) ممانعت به عمل آید. با استفاده از درختان خزان پذیر این امکان فراهم می گردد.

از شدت تابش اشعه خورشید به جدار ساختمان کم شود. در بخش شفاف جدار ساختمان، جسم حاجبی سر راه اشعه خورشید، دهانه پنجره و ... قرار داده شود. مثلاً با پرورش درختان مناسب در جلوی پنجره و یا استفاده از سایبان های متحرک و ثابت می توان از ورود اشعه خورشید به داخل اتاق جلوگیری کرد.

پوشش گیاهی به تعدیل دمای هوا و سالم سازی محیط کمک کرده و در کنترل باد نیز سهم مهمی دارد. پوشش گیاهی به صورت های مختلف درخت، درختچه، پوشش زمینی، گیاهان خزنده و غیره نه تنها به ریزاقلیم یک ساختمان، بلکه به بهبود ریزاقلیم شهر هم کمک می کند. درختان خزان دار به عنوان پناهگاه تابستانی در مقابل تابش آفتاب مناسب هستند. این درختان که برگ خود را در پاییز از دست می دهند برای جذب بهتر نور خورشید در زمستان نیز مناسب هستند (شقاقی و مفیدی، ۱۳۸۷: ۱۱۸).

- ساختمان را باید در جهت هایی احداث کرد که نور خورشید در ساعات گرم روز بر اتاق ها عمودی و مستقیم نتابد. هم چنین از رنگ روشن برای دیوار و پشت بام استفاده شود.

در ماه های خارج از محدوده H برای ایجاد آسایش در داخل ساختمان، حتماً باید از وسایل گرمایشی استفاده شود.

در ماه‌های سرد سال با کوچک کردن سطوح کم مقاومت، چون در و پنجره و... نسبت مجموع سطوح خارجی ساختمان به حجم آن را، به گرم شدن فضای داخل کمک شایانی می‌کند.

گاهی ایجاد پلان متراکم به دلیل نیاز به تهویه سریع مقدور نیست. در نتیجه لازم است که دیواره‌های خارجی ساختمان را به عایق حرارتی مجهز ساخت و بدین وسیله از مبادله دما میان دو محیط داخل و خلع ساختمان کاست.

برای جلوگیری از اتلاف انرژی، ضمن دقت کافی در طراحی پنجره‌ها و درهای ساختمان، می‌توان اتصالات ساختمان را "درز چسبان" کرد.

در این شهر می‌باید سطوح خارجی بناها در خلاف جهت باد غالب منطقه قرار گیرد، پنجره‌های دوجداره و دیوارهای با ضخامت مناسب اجرا شوند تا تبادل حرارتی به حداقل برسد. رطوبت نیز در نحوه ساخت و ساز و انتخاب مصالح تأثیر دارند، بنابراین عوامل محیطی دقیقاً در چگونگی شکل بناها، جهت گذاری‌ها، خیابان‌ها، کوچه‌های شهری و انتخاب مصالح اثر می‌گذارد (رستگاریان، حیدری و کیانی، ۱۳۹۲).

نتیجه

شرایط اقلیمی، تأثیر مستقیمی بر شهرسازی و بافت شهر گذاشته و باعث ایجاد شرایط آسایش در شهر می‌شود. کار طراح و شهرساز، استفاده از عناصر اقلیمی از طریق سامان دهی عناصر شهری، مهار کردن اقلیم و استفاده از آن از طریق جهت گیری درست شریان‌ها، انتخاب ارتفاع مناسب جداره ساختمان‌ها، تعیین عرض درست خیابان‌ها و استفاده از گونه‌های مناسب گیاهی و غیره است. در اقلیم سرد استفاده از حداکثر تابش آفتاب، به دلیل سرمای شدید بسیار مهم می‌باشد و این تنها در صورتی ممکن است که جهت گیری ساختمان به درستی انجام پذیرد.

از مجموعه مباحث یادشده و بررسی وضعیت اقلیمی مشهد، راهکارهای زیر در جدول ۶، جهت طراحی ابنیه شهری در اقلیم سرد و خشک مشهد پیشنهاد می‌گردد:

جدول ۶) راهکارهای اقلیم سرد و خشک

اقلیم	خشک و سرد
جهت قرارگیری	- ساختمان ها بین ۲۰ درجه به طرف غرب و ۴۵ درجه به سمت شرق و در سایه باد یکدیگر و خارج از سایه آفتاب هم، در محور شمالی - جنوبی مستقر می شوند - در این اقلیم بهتر است سعی شود که ساختمانها بر روی هم سایه نیندازند - قرار دادن ساختمان ها در حداقل فاصله ممکن نسبت به یکدیگر - در مورد ساختمان های مجزا فرم مکعب با پلان مربع در یک یا دو طبقه مهم است - استقرار ساختمان های به هم پیوسته در بخش های میانی شیب های رو به جنوب و اجتناب از احداث ساختمان در شیب های منحنی و فرو رفتگی خیابان ها و پیاده رو هایی با پهنای متوسط و خلاف جهت باد ایجاد شود.
نوع پلان	متراکم و فشرده
تراکم بنا	پر تراکم با حداقل سطوح خارجی در این اقلیم، جهت کاهش سطح پشت بام بهتر است ساختمان هایی چند طبقه احداث گردد، تا سطح پشت بام کاهش یابد. اما احداث ساختمان هایی بسیار بلند که تناسب طول و عرض ساختمان را برهم می زند توصیه نمی شود، چرا که بر خلاف توصیه ها و راهکارها، مربوط به بادهای سرد و روزهای یخبندان می باشد.
حجم ساختمان	فرم بنا باید به گونه ای باشد که سطح تماس آن را با سرمای خارج کمتر نماید تا حرارت کمتری از درون به بیرون انتقال یابد. لذا از احجامی نظیر مکعب یا مکعب مستطیل استفاده گردد.
جدار و سطوح	- استفاده هر چه بیشتر از دیوارهای مشترک و ایجاد بافتی به هم پیوسته و متراکم در ساختمان ها - در اضلاع بزرگ مشترک و اضلاع کوچک رو به شمال و ارتباط با فضای باز - ازدیاد سطح نمای جنوبی و کم کردن جبهه شرق
ارتباط با زمین	- اغلب دارای زیرزمینی با سقف کوتاه در پائین به عنوان عایق حرارتی - بالا بودن نسبت به سطح حیاط و پائین تر بودن سطح حیاط از سطح خیابان
بازشوها	- در این مناطق برای جلوگیری از تبادل حرارتی بین داخل و خارج بنا از بازشوهای کوچک و به تعداد کم استفاده می کنند. در صورت بزرگ بودن پنجره ها، استفاده از سایبان الزامی است - اجتناب از پیش بینی پنجره های بزرگ به خصوص در نماهای شمالی - باید با استفاده از زاویه و جهت تابش خورشید در زمستان و تابستان، سایه بان های مناسب برای پنجره ها، خصوصا پنجره های جنوبی طراحی گردد تا مانع نفوذ نور خورشید تابستان به داخل شده و در زمستان اجازه نورگیری بهینه را به ساختمان بدهد.

نوع	- به حداقل رساندن تعداد درهای ورودی ساختمان و قرار دادن ورودی اصلی در جبهه پشت به باد - طراحی دو درب در فیلتر ورودی برای جلوگیری از ورود سرما
نوع سقف	مسطح، در این مناطق ارتفاع سقف اتاق ها را پائین تر از اتاق های مشابه در سایر حوزه های اقلیمی در نظر می گیرند
نوع مصالح	در مشهد نوسان حرارتی روزانه زیاد می باشد و می توان از تفاوت های دمای شب و روز بیرون و داخل ساختمان جهت ذخیره انرژی در دیوار ها استفاده نمود. لذا استفاده از مصالح سنگین توصیه می شود - ظرفیت حرارتی بالا و مقاومت در برابر رطوبت آجر و بتن
رنگ مصالح	حد واسط تیره و روشن و سطوح غیر صیقلی در بدنه ها و شریان های شهری، جهت جذب بیشتر نور خورشید توصیه می گردد.
گرمایش و سرمایش	- در طراحی اقلیمی ساختمان مشهد استفاده از کولر و سایر وسایل سردکننده در شب ها غیر ضروری است - پیش بینی فضاهای خارجی قابل استفاده در تابستان - پیش بینی فضاهای گرما در مرکز پلان
کاهش جریان باد	- در این مناطق، جهت کاهش تأثیر بادهای سرد بر ساختمان ها، می توان از کاشت گیاهان سوزنی برگ و همیشه سبز در مقابل این بادهای بهره جست و عموماً از وزش باد بر ساختمان باید جلوگیری شود. - در این اقلیم بهتر است نحوه استقرار ساختمان ها و کاشت گیاهان به صورت متناوب بوده و از استقرار ردیفی که تشدید کننده جریان باد است، اجتناب گردد.
بالکن	ساختمان ها در این اقلیم دارای ایوان اند با عمق کمتر نسبت به ایوان های مناطق جنوبی کشور

منابع

- پروانه، بهروز؛ شاهرخوندی، منصور؛ میررضایی، داریوش (۱۳۸۹). "بررسی میزان سازگاری خانه های روستایی دشت خرم آباد با طراحی های اقلیمی". *مجله رشد آموزش جغرافیا*، دوره بیست و چهارم، ش ۴ (تابستان): ۴۲-۵۱.
- حسینی، علی (۱۳۸۷). "بررسی گسترش افقی شهر مشهد در چند دهه اخیر و تأثیر آن بر منابع آب و خاک". پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.
- داوودی، محمود؛ محمدی، حسین مراد؛ بای، ناصر (۱۳۸۹). "تجزیه و تحلیل و پیش بینی برخی عناصر اقلیمی مشهد". *مجله علمی و فنی نیوار*، ش ۷۰ و ۷۱ (پائیز و زمستان): ۳۵-۴۶.
- رازجویان، محمود (۱۳۶۷). *آسایش به وسیله معماری همساز با اقلیم*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ----- (۱۳۹۳). *آسایش در پناه معماری همساز با اقلیم*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- رستگاریان، زینب؛ حیدری، فاطمه؛ کیانی، اکبر (۱۳۹۲). *"ارزیابی اقلیم و معماری پایدار مناطق سرد، نمونه موردی: شهر کلات نادری"*. در: همایش معماری و شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت از معماری بومی تا شهر پایدار. گردآورنده مؤسسه آموزش عالی خاوران. مشهد: مؤسسه آموزش عالی خاوران.
- ریاضی، جمشید (۱۳۵۶). *اقلیم و آسایش در ساختمان*. تهران: مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.
- شقاقی، شهریار؛ مفیدی، مجید (۱۳۸۷). "رابطه توسعه پایدار و طراحی اقلیمی بناهای منطقه سرد و خشک، مورد مطالعاتی: تبریز". *علوم و تکنولوژی محیط زیست*، دوره دهم، ش ۳ (پاییز): ۱۰۶-۱۲۰.
- شهرداری مشهد (۱۳۹۳). *آمارنامه شهر مشهد*. مشهد: شهرداری مشهد، سازمان آمار و اطلاعات و خدمات کامپیوتری.

- صادقی روشن، محمدحسن؛ طباطبائی، مهدی (۱۳۸۸). "تعیین محدوده آسایش حرارتی در شرایط آب و هوایی خشک". نشریه هویت شهر، سال سوم، ش ۴ (بهار و تابستان): ۳۹-۴۶.
- طاووسی، تقی؛ سبزی، برزو (۱۳۹۰). "تعیین گستره منطقه آسایش زیست اقلیمی استان ایلام با استفاده از شاخص اوانز". نشریه جغرافیا و آمایش شهر، ش ۷ (تابستان): ۲۱-۳۴.
- طاهباز، منصوره (۱۳۹۲). دانش اقلیمی، طراحی معماری. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- عدل، احمدحسین (۱۳۳۹). تقسیمات اقلیمی و رستنی‌های ایران. تهران: دانشگاه تهران.
- فرج زاده اصل، منوچهر؛ قربانی، احمد؛ لشکری، حسن (۱۳۸۷). "بررسی انطباق معماری ساختمان‌های شهر سمنان با شرایط زیست اقلیمی آن به روش ماهانی". فصلنامه مدرس علوم/انسانی، دوره دوم، ش ۱۲ (تابستان): ۱۶۱-۱۸۰.
- قویدل رحیمی، یوسف؛ احمدی، محمود (۱۳۹۰). "برآورد و تحلیل زمانی آسایش اقلیمی شهر تبریز". جغرافیا و توسعه، ش ۳۳ (زمستان): ۱۷۳-۱۸۲.
- کامیابی، سعید؛ احمدی، افرا (۱۳۹۲). "بررسی شاخص‌های آسایش حرارتی ساختمان در شهر مشهد". در: همایش معماری و شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت از معماری بومی تا شهر پایدار. گردآورنده موسسه آموزش عالی خاوران. مشهد: موسسه آموزش عالی خاوران.
- کسمایی، مرتضی (۱۳۶۳). اقلیم و معماری. تهران: شرکت خانه سازی ایران.
- ----- (۱۳۷۸). اقلیم و معماری. تهران: نشر بازتاب.
- لشکری، حسین؛ سلکی، هیوا (۱۳۸۸). "بهینه سازی جهت گیری فضاهای آزاد در شهر سقز بر اساس شرایط اقلیمی". جغرافیای طبیعی، سال اول، ش ۳ (بهار): ۲۷-۴۱.
- لشکری، حسن؛ موزرمی، سارا؛ لطفی، کورش (۱۳۹۰). "آسایش در خارج و داخل بنا براساس شاخص پن واردن و ماهانی، نمونه موردی: شهر اهواز". فصلنامه علمی -

- پژوهشی جغرافیای/انسانی، سال سوم، ش ۲ (تابستان): ۲۰۷-۲۲۰.
- محمدی، م. (۱۳۸۱). "نقش ضوابط و مقررات ساختمان در بهینه سازی مصرف سوخت در ساختمان". در: مجموعه مقالات دومین همایش بهینه سازی مصرف سوخت. تهران: وزارت نفت.
- ملک حسینی، عباس؛ ملکی، علیرضا (۱۳۸۹). "اثرات اقلیم بر معماری سنتی و مدرن شهر اراک". فصلنامه جغرافیایی/آمایش محیط، دوره سوم، ش ۱۱ (زمستان): ۱۳۳-۱۵۳.
- Fishman, D. S.; Pimbert, S. L. (1979). "Survey of Subjective Responses to the Thermal Environment in Offices Indoor Climate". Danish Building Reserch Institute Copenhagen, Denmark, 677 - 692.
- Givoni, B. (1998). Climate Consideration in Building and Urban Design. New York: Van Nostrand Reinhold.
- Givoni, B. A. (1969). Man, Climate and Architecture. Editor Henry J. Cowan. Sydney: University of Sydney.
- Olgyay, Victor (1973). Design with Climate. Princeton: Princeton University.

بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر در شهرستان های خواف و رُشتخوار نمونه موردی: شهرهای نشتیفان، سلامی و جنگل

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۱۰

مهدی یوسف‌نیا^۱

علی اصغر مهاجرانی^۲

منصور حقیقتیان^۳

چکیده

تحت تأثیر شهرنشینی، عوامل فرهنگی و اجتماعی گوناگونی سبک زندگی افراد را دچار تغییر و دگرگونی می‌کنند. سبک زندگی در نحوه گذران اوقات فراغت، پوشاک، تغذیه، مدیریت بدن (آرایش و اصلاح سر و صورت و بهداشت فردی)، سبک معماری و چیدمان داخلی منازل افراد، جلوه‌گر می‌شود. این پژوهش با هدف بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر در شهرستان‌های خواف و رُشتخوار در استان خراسان رضوی انجام و مبنای نظری آن نیز بر مبنای نظریات ابن خلدون، وبر، وبلن، زیمل، بوردیو، گیدنز و چنی تدوین شده است. روش پژوهش پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه محقق ساخته است. نتایج نشان می‌دهد بین اکثر شاخص‌های عوامل فرهنگی و اجتماعی و سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر رابطه معناداری وجود دارد. با بررسی ضریب بتا (Beta) مربوط به این عوامل مشخص می‌شود که عوامل اجتماعی با بتای ۰/۲۶۶ بیشترین میزان تأثیر را بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر داشته است و عوامل فرهنگی با مقدار ۰/۱۹۳ در رتبه دوم قرار دارد. در مجموع، بیشتر تغییرات

۱. دکترای جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، نویسنده مسؤول
myousefnia2004@yahoo.com

۲. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان
aliasghar.mohajerani@yahoo.com

۳. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان
Mansour_haghighatian@yahoo.com

شاخص های سبک زندگی در شهرهای نشتیفان و سلامی، متأثر از عوامل فرهنگی و در شهر جنگل، ناشی از عوامل اجتماعی بوده اند.

واژگان کلیدی: شهرنشینی، سبک زندگی، مصرف رسانه ای، مصرف گرایی، مشارکت اجتماعی، خواف، رُستخوار

مقدمه

امروزه شهرنشینی به شکل غالب و قطعی زندگی انسان ها تبدیل شده است. در حال حاضر شهرنشینی یکی از مهم ترین جنبه های زندگی اجتماعی در سطح جهان محسوب می شود. این پدیده در گذشته هم وجود داشته است، ولی مسلماً از جهت تعداد و نسبت جمعیت شهری قابل قیاس با اکنون نیست. در واقع، رشد شهرنشینی در سطح جهان از قرن بیستم و بویژه از نیمه دوم آن شروع شده است و به همین جهت، یک پدیده جدید به شمار می آید. این پدیده در عین حال جهانی بوده و تقریباً تمام کشورها آن را تجربه می کنند. این فرایند جهانی، توزیع فضایی ساکنین کره خاکی را در تمام قسمت های جهان شکل داده و هنوز هم در حال شکل دادن است، فرایندی که به نظر برگشتناپذیر می نماید (Pumain, 2006: 319). در حقیقت یکی از مهم ترین پدیده های جمعیت شناختی نو که انتظار می رود حتی در آینده تحول بیشتری ایجاد کند، رشد سریع شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه است (Todaro, 2005: 322). در کشورهای در حال توسعه نسبت جمعیت روستایی و شهری از کل جمعیت به ترتیب از ۸۲/۵ و ۱۷/۵ درصد در سال ۱۹۵۰ به ۶۳ و ۳۷ درصد در سال ۲۰۱۰ تغییر پیدا کرده است (United Nation, 2012: 25). در ایران نیز طی ۴۰ سال گذشته، نسبت شهرنشینی از ۳۱ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۷۱/۴ درصد یعنی بیش از دو برابر در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است. از جمله دلایل مهم تغییر سریع نسبت شهرنشینی می توان به این نکته اشاره نمود که تغییر در قانون تقسیمات کشوری در دهه های اخیر، الگوی نظام سکونت گاهی در ایران را به شدت تغییر داده است (Rezvani & et al., 2009). به عبارت دیگر، یکی از راهبردهای اصلی توسعه روستایی در ایران طی سال های اخیر،

سیاست تبدیل روستاهای بزرگ به شهرهای کوچک بوده است. بعد از تبدیل روستا به یک مرکز شهری، آن منطقه با پدیده شهرنشینی روبرو شده که پیامدهای فرهنگی و اجتماعی خاص خود را نیز به دنبال خواهد داشت، مجموع این پیامدها نیز بر سبک زندگی ساکنان این نواحی تأثیرگذار بوده و در نهایت سبک جدیدی از زندگی (شامل نحوه گذران اوقات فراغت، مطالعه، تفریح، استراحت، مسافرت، لباس و پوشاک، تغذیه، مدیریت بدن، سبک معماری و چیدمان داخلی منازل) را پدید می آورند. در دهه های اخیر موضوع سبک زندگی مورد توجه جامعه شناسان زیادی قرار گرفته است (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۱۹۹). در نظر گرفتن سبک زندگی در روستاهای تبدیل شده به شهر جهت پرداختن به پیامدهای شهرنشینی در نقاطی است که در چند دهه اخیر به جرگه شهرهای قدیمی تر پیوسته اند. این مراکز هم چون نهالی نوپا بوده که با مطالعه تحولات فرهنگی و اجتماعی آنها شاید بتوان بسیاری از معضلات و آسیب هایی را که در آینده گریبان این مراکز را خواهند گرفت، شناسایی نمود. در واقع، میان فضای زیستی (شهر) و خواست ها و تمایلات فرهنگی و اجتماعی انسان ها (سبک زندگی) رابطه وجود دارد. شناخت و تحلیل تأثیرات پدیده شهرنشینی بر سبک زندگی شهروندان از آن جهت دارای اهمیت است که برنامه ریزان شهری (مخصوصاً در مناطق شهری جدید) را در پی بردن به علل عمده ای که در پس رفتارهای فرهنگی و اجتماعی افراد است، یاری رسانده و آنها را در حل معضلات فرهنگی و اجتماعی پیش روی این مراکز، یاری خواهد رساند. هم چنین با توجه به این که در زمینه عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر در منطقه مورد مطالعه، تحقیقی انجام نشده است، از این رو، موضوعی جدید محسوب می شود. مقاله حاضر، به بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر در شهرستان های خواف و رُشتخوار واقع در استان خراسان رضوی می پردازد.

مبانی نظری

اندیشمندان مختلفی از جمله ابن خلدون، تونس^۱، زیمل^۲، وبر^۳، دورکیم^۴، بوردیو^۵، گیدنز^۶، ورث^۷ و چنی^۸ به بررسی تأثیرات فرهنگی و اجتماعی ناشی از شهرنشینی بر سبک زندگی افراد پرداخته‌اند و هر یک نیز ویژگی‌هایی را برای سبک زندگی شهری در مقابل سبک زندگی روستایی برشمرده‌اند. از نظر ابن خلدون نوع زندگی، ثروتمندی و تجمل‌خواهی، رفاه، امنیت، تشکیلات جدید، محیط تازه و همه پدیده‌های شهرنشینی مرتبط، از یک انسان بدوی (روستایی) موجودی می‌سازد که خصوصیات وی به کلی با گذشته متفاوت است. از جمله این که خون پرستی در او تضعیف می‌شود، به علت کار در بازار و کارمند دولت بودن، رابطه او با قبیله‌اش فراموش می‌شود، دلبستگی‌ها و تعلقات گذشته‌اش تضعیف می‌گردد، به علت آمیزش با پول، ارزش‌های مادی جای‌اندیشه‌های معنوی را می‌گیرد، به علت خو گرفتن به تجمل، شهوت پرست شده و با اخلاق و دین غریبه می‌گردد. بر این اساس، انسان شهرنشین از خود بیگانه شده و ماهیتش دگرگون می‌گردد. وی معتقد است که شهرنشینان کم‌کم شعائر و تعالیم مذهبی را فراموش کرده و دستورات آن را زیر پا می‌گذارند (علیمردانی، ۱۳۸۵: ۱۱۲). در اندیشه ماکس وبر جامعه‌شناس مشهور آلمانی، شهر از دوران قرون وسطی به بعد مرکز توسعه فردگرایی است. در معاملات بازرگانی و اقتصادی، افراد با حقوقی یکسان و مساوی با یکدیگر قرارداد می‌بندند و در برابر یکدیگر از حقوق و تعهدات یکسانی برخوردارند. فردگرایی که از بسیاری جهات، با تخصصی شدن محیط شهری گسترش می‌یابد، در واقع خصلت ویژه شهر است. در زندگی اجتماعی شهری، وقت‌شناسی، حسابگری و دقیق بودن لازمه زندگی پیچیده بوده و در ارتباط بسیار تنگاتنگ با اقتصاد پولی و هوش‌گرایی قرار دارد.

-
1. Tunis
 2. Simmel
 3. Weber
 4. Durkheim
 5. Bourdieu
 6. Giddens
 7. Wirth
 8. Chaney

شهر چیزی بیش از مجموعه‌ای افراد انسانی و امکانات اجتماعی (خیابان‌ها، ساختمان‌ها، چراغ‌های برق، قطارهای زیرزمینی، تلفن‌ها و ...) است؛ چیزی بیش از صرفاً کهکشانی از نهادها و بخش‌های اداری، دادگاه‌ها، بیمارستان‌ها، مدارس و ... است. شهر بیشتر یک قلمرو ذهنی است، هیأتی از سنت‌ها، آداب و رسوم و گرایش‌های سازمان یافته و عواطف (وبر، ۱۳۷۴: ۵۰). زیمل اصولاً شهرها را محیط‌هایی می‌داند که محرک‌های بسیار متنوعی برای انسان ایجاد می‌نمایند که هیچ فردی نمی‌تواند به تنهایی به همه آن‌ها پاسخگو باشد. بنابراین به دلیل تنوع محرک‌های محیط شهری، فرد شهرنشین به آگاهی و تیزهوشی بیشتری نیاز دارد و سادگی روستایی در این مسابقه عقب می‌ماند. انسان شهری با مغز خود به محرک‌های بی‌شمار زندگی شهرنشینی پاسخ می‌دهد، نه با قلب خویش. تفاوت دیگر این که شهر ماهیتاً جایگاه اقتصادی پولی است و همین ویژگی موجب می‌شود که انسان شهرنشین دیدگاه خاص و مستقلی نسبت به اطرافیان خود پیدا کند. از نظر او گستره وسیع کارکرد شهرها بر محور تقسیم کار استوار است و بر همین اساس، در جامعه شهری چه بودن مهم است نه که بودن. حاصل چنین وضعیتی البته این است که فرصت‌های شهرنشینان برای ایجاد تماس‌های نزدیک و عاطفی با دیگران بسیار کم و خودمحوری هدف و موضوع زندگی افراد می‌شود. انسان شهری باید خصوصیات فردی خود را طوری بزرگ جلوه دهد که اقلأ در میان انبوه عظیم دیگر شهرنشینان نمایشی داشته باشد (صدیق سروستانی، ۱۳۶۹: ۲۰۳-۲۰۴). نوشته زیمل تحت عنوان کلان شهرها و حیات ذهنی، نمونه برجسته در تبیین عوامل اثرگذار اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بر زندگی افراد در شهرهای جدید است. باید افزود اندیشه زیمل از آن جهت که او تمایز بین دو ویژگی عمده زندگی شهری، سازنده رفتار انسانی را مورد توجه قرار می‌دهد از اهمیت بیشتری برخوردار است. در قالب نظریه نوسازی نیز شهر مرکزی است برای رشد، تحرک و یکپارچگی جمعیت و شهرها و مناطق حومه آنها سبک و شیوه جدیدی از زندگی را به ارمغان آورده و تغییر و تحولاتی در سبک زندگی و رفتاری آنان به وجود می‌آورد. چون بحث تغییر عقاید و علایق و در نظر گرفتن علایق و عقاید دیگران مطرح است، بر این مبنا است که شهر به منزله عامل توسعه اجتماعی

مطرح می شود که به ساکنان خود، بینش های فرهنگی جدیدی را ارائه می دهد. دانیل لرنر^۱ که از پیشکسوتان نظریه نوسازی است، رشد مراکز شهری جدید در جهان سوم را به عنوان عامل ترقی و تقویت کننده احساس فردگرایی و تضعیف کننده سنت گرایی می داند. او استدلال می کند که شهرنشینی موجب افزایش سطح مشارکت اجتماعی در جوامع می شود و موجبات اخذ نگرش های جدید، روشن بینی و سؤال کردن را فراهم می کند و در نهایت، موجب ارتقای تحرک روانی می شود. مهم تر این که نیازهای زندگی شهری به خصوص نیازهای حرفه ای، مردم شهری را به داشتن ویژگی های خاص نوگرایی، مثل باسواد تشویق می کند، چون مردم باید باسواد باشند تا نسبت به علائم و نمادها که خاص جامعه شهری اند، آگاه بشوند و بتوانند با آنها ارتباط برقرار کرده و زندگی اجتماعی خود را تنظیم نمایند. هنگامی که رشد فردگرایی و اهمیت دادن به خواسته ها و نیازهای شخصی در تعاملات بین افراد جامعه شهری از اهمیت بسیار بالایی برخوردار باشد و شهروندان به دلیل فشارها، مشکلات و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی، فقدان رعایت نظم هنجاری و ارزشی در تعاملات اجتماعی با یکدیگر، منجر به این شود که حس اطمینان و اعتماد بین یکدیگر کاهش یابد، آن وقت سرمایه اجتماعی تنزل پیدا خواهد کرد، در نتیجه انواع آسیب ها و انحرافات اجتماعی بروز پیدا می کند. با کاهش اعتماد بین افراد، ارتباطات دروغ آمیز و رفتارهای تقلب گونه بین شهروندان نسبت به عملکرد یکدیگر بروز پیدا می کند. در واقع، افول سرمایه اجتماعی منجر به اختلالات رابطه ای به الخصوص در جامعه شهری شده است. منظور از این اختلال عبارت است از «پایین بودن ۱- چگالی روابط اجتماعی ۲- قرینگی روابط اجتماعی ۳- تعدد روابط اجتماعی ۴- شدت روابط اجتماعی ۵- تنوع هویت ها در روابط اجتماعی. در شرایط اختلال رابطه ای، احترام متقابل اجتماعی و انعطاف اجتماعی کاهش می یابد. این اختلال استحکام اجتماع را خدشه دار می کند و آسیب پذیری فرد را افزایش می دهد، زیرا اختلال رابطه ای می تواند به انزوای اجتماعی، یأس، احساس عجز و انفعال گرایی منجر شود» (چلبی، ۱۳۸۶: ۱۴۷). به منظور استفاده از نظریات ارائه شده، اثرات مورد

نظر هر یک از نظریه پردازان مورد نظر، در قالب دو متغیر فرهنگی و اجتماعی دسته بندی شده که در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱) متغیرهای فرهنگی و اجتماعی پژوهش و شاخص های مورد نظر

بر اساس نظریات مختلف بیان شده

متغیرهای مستقل	شاخص ها	نظریه پرداز / نظریه پردازان بیان کننده شاخص
عوامل اجتماعی	مشارکت اجتماعی	ماکس وبر، دانیل لرنر و لوئیس ورث
	سازمان های سیاسی و اداری	ابن خلدون، وبر، ورث و اسپایکمن
	شبکه راه ها و وسایل ارتباطی	پارک، اسملسر و لرنر
	روحیه فردگرایی	ابن خلدون، تونسین، دورکیم، وبر و لرنر
	ایجاد طبقات اجتماعی	ابن خلدون، دورکیم
	روابط غیرمستقیم و ثانویه	تونسین، زیمل، پارک، ورث و فیشر
عوامل فرهنگی	امکانات فرهنگی و آموزشی	لرنر و بوردیو
	مصرف رسانه ای	لرنر و بوردیو
	سرمایه فرهنگی	لرنر و بوردیو
	گرایش های دینی	ابن خلدون

منبع: بررسی های کتابخانه ای محققین (۱۳۹۳)

در خصوص مفهوم سبک زندگی نیز نظریه پردازان گوناگونی به ارائه نظریه پرداخته اند. از جمله ابن خلدون دو سنخ اجتماعی بادیه نشین و شهرنشین را بر اساس روش معیشت و شیوه های زندگی یا همان سبک زندگی مطرح می سازد و به طور کلی علت اصلی اختلاف این دو سنخ را محیط جغرافیایی و شیوه ی معیشت می داند. «باید دانست که تفاوت عادات و رسوم و شئون زندگانی ملت ها در نتیجه ی اختلافی است که در شیوه ی معاش (اقتصاد) خود پیش می گیرند» (ابن خلدون، ۱۳۷۳: ۲۲۵). از دید زیمل، شهر فضایی است که زندگی جدید در آن جریان دارد. جامعه جدید در اصل در کلانشهر شکل گرفته و به صورت عمیق و کامل در آنجا تکامل یافته است (کیویستو، ۱۳۸۰: ۱۷۶). ایده وبلن^۱ بر تمایزیابی و تقلید مبتنی است. به باور وی «طبقه مرفه از طریق مصرف تظاهری

به اقتدار هنجاری دست می‌یابد و خود را به الگوی جامعه تبدیل می‌کند. گروه‌های اجتماعی زیردست می‌کوشند تا خود را با الگوهای هنجاری طبقه مرفه تنظیم کنند» (فاضلی، ۱۳۸۲: ۲۱). از دید وبر الگوهای گوناگون از درون سبک‌های مختلف زندگی ناشی شده و به وسیله آنها پذیرفته یا رد می‌شوند. هر سبک زندگی آدابی خاص دارد که این آداب شامل الگو نیز می‌شود «آداب، زمانی الگو نامیده می‌شوند که تازه بودن رفتار مربوطه مبنای جهت‌گیری کنش باشد» (وبر، ۱۳۷۴: ۳۴). بوردیو سبک زندگی را فعالیت‌های نظام‌مندی می‌داند که از ذوق و سلیقه فرد ناشی می‌شوند و بیشتر جنبه عینی و خارجی دارند و در عین حال، به صورت نمادین به فرد هویت می‌بخشند و میان اقشار مختلف اجتماعی تمایز ایجاد می‌کنند. معنا یا به عبارتی ارزش‌های این فعالیت‌ها، از موقعیت‌های آن در نظام تضادها و ارتباط‌ها اخذ می‌شود (Bourdieu, 1984: 173-176). وی در جای دیگر می‌گوید: «سبک زندگی دارایی‌هایی است که به وسیله آن، اشغال‌کنندگان موقعیت‌های مختلف خودشان را با قصد تمایز یا بدون قصد آن از (دیگران) تمایز می‌بخشند (همان: 249). در نظریه بوردیو سبک زندگی که شامل اعمال طبقه‌بندی شده و طبقه‌بندی‌کننده فرد در عرصه‌هایی چون تقسیم ساعات شبانه روز، نوع تفریحات و ورزش، شیوه معاشرت، اثاثیه و خانه، آداب سخن گفتن و راه رفتن است، در واقع عینیت یافته و تجسم یافته ترجیحات افراد است. از یک سو، سبک‌های زندگی شیوه‌های مصرف‌عاملان اجتماعی‌ای است که دارای رتبه‌بندی‌های مختلفی از جهت شأن و مشروعیت اجتماعی‌اند. این شیوه‌های مصرفی بازتاب نظام اجتماعی سلسله‌مراتبی است. اما چنان‌چه بوردیو در کتاب تمایز بر حسب منطق دیالکتیکی نشان می‌دهد مصرف صرفاً راهی برای نشان دادن تمایزات نیست، بلکه خود راهی برای ایجاد تمایزات نیز هست (باکاک، ۱۳۸۱: ۹۶). ذائقه‌ها و ترجیحات زیباشناختی متفاوت، سبک‌های زندگی متفاوت ایجاد می‌کنند. بنابراین "سبک زندگی" محصول نظام مند منش است که از خلال رابطه دو جانبه خود با رویه‌های منش درک می‌شود و تبدیل به نظام نشانه‌هایی می‌گردد که به گونه‌ای جامعه‌مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. مثلاً به عنوان قابل احترام، ننگ‌آور و... (Bourdieu, 1984: 172). از نظر گیدنز (۱۳۸۴: ۳۰)

سبک زندگی به صورت عملکردهای روزمره در می آیند، عملکردهایی که در نوع پوشش، خوراک، طرز کار و محیط مطلوب برای ملاقات با دیگران تجسم می یابند. هر یک از تصمیم گیری هایی که یک شخص در زندگی روزانه می کند (چه بپوشم، چه بخورم، در کار چگونه کار کنم، پس از پایان کار با چه کسی ملاقات کنم) در تعیین و تنظیم امور روزمره مشارکت دارند. از نظر چنی (11: 1996, Chaney) تحلیل گران نه تنها باید زمینه های تغییر رژیم غذایی، عادات اوقات فراغت یا چشم داشت های مربوط به نقش های وابسته به جنس را بدانند، بلکه نیازمند دانستن معنای فرهنگی انواع گوناگون تغییر نیز هستند و سبک های زندگی هم، صورت هایی از هویت جمعی هستند، که در طول زمان تحول می یابند. به منظور استفاده از نظریات ارائه شده، شاخص های مورد نظر هر یک از نظریه پردازان مورد مطالعه جهت سنجش سبک زندگی، در قالب جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲) شاخص ها و عناصر تشکیل دهنده سبک زندگی به تفکیک نظریه پردازان مورد مطالعه

متغیر وابسته	شاخص ها	نظریه پرداز / نظریه پردازان بیان کننده شاخص
سبک زندگی	الگوهای گذران اوقات فراغت	بوردیو و چنی
	شیوه گرایی (لباس)	زیمل، ولبن، وبر، بوردیو و گیدنز
	نوع تغذیه	بوردیو، گیدنز و چنی
	مدیریت بدن ^۱ (آرایش و اصلاح سر و صورت و بهداشت فردی)	بوردیو
	سبک معماری و چیدمان داخلی منازل	بوردیو
	زبان و لهجه صحبت کردن	بوردیو

منبع: بررسی های کتابخانه ای محققین (۱۳۹۳)

مروری بر پژوهش های انجام شده

پاره ای از مطالعات جهانی در خصوص روستاهای تبدیل شده به شهر انجام گرفته

است. به عنوان مثال، دمپسی^۱ در تحقیقی که در سال ۱۹۹۰ میلادی در شهر اسمال تاون^۲ استرالیا انجام داد به این نتیجه رسید که مردم این شهر، احساس تعلق و وابستگی شدیدی به محل زندگی خود داشته و از انسجام اجتماعی زیادی برخوردارند. بالا بودن سطح مشارکت اجتماعی در این منطقه شهری به وضوح مشاهده گردیده است. نتایج تحقیق ویلسون^۳ در سال ۱۹۹۳ میلادی نشان داد که هر چند شهری شدن باعث کاهش ملاقات های چهره به چهره با اقوام می شود، ولی این تأثیرات اندک است. یافته های تحقیق وی^۴ در سال ۲۰۰۶ میلادی نشان می دهد که پاسخگویان به شناسایی تلفن همراه به عنوان ملاک غربی شدن و سبک زندگی نو تمایل دارند. چادنوپادیای^۵ به فقدان زیرساخت و خدمات اساسی مناسب و لازم در روستاهای تبدیل شده به شهر در هند و نقش آن در دست نیافتن به توسعه ی پایدار اشاره دارد (اوماجا، ۱۹۸۷: ۸۸۲). در ایران نیز نتایج تحقیق ایزدی خرامه در سال ۱۳۸۰ نشان داده است که تبدیل روستا به شهر در کاهش مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ تر و تثبیت جمعیت در نواحی روستایی، افزایش فرصت های شغلی، بویژه در بخش خدمات اداری و تجاری و نیز در بهبود کارکردهای خدماتی شهرهای ایجاد شده و حوزه ی نفوذ آن ها مؤثرند. پورافکاری، کلانتری و نقدی (۱۳۸۱) در تحقیقی نشان داده اند که بین شهرنشینی و متغیرهایی هم چون افزایش سطح توسعه فرهنگی، افزایش میزان مشارکت اجتماعی افراد، افزایش امکانات منطقه و بالا رفتن سطح سواد رابطه وجود دارد. ضیاء توانا و امیرانتخابی (۱۳۸۶) به این نتیجه رسیده اند که تبدیل روستاهای این شهرستان (تالش) به شهر نه تنها تحولات اجتماعی، اقتصادی و فضایی مهمی را در خود این مراکز ایجاد می کند، بلکه حوزه نفوذ آن ها را نیز به شدت تحت تأثیر قرار می دهد. پورهمرنگ (۱۳۸۷) در تحقیق خود به وجود رابطه میان محیط اجتماعی و شهری نو و رشد و گسترش

-
1. Dempsey
 2. Small town
 3. Wilson
 4. Wei
 5. Chadnopadiyai
 6. Omoja

نفس و فردگرایی اذعان نمود. نوابخش و فتحی (۱۳۸۹) در تحقیق خود به این نتیجه رسیده‌اند که رشد شهرنشینی در کشور ما به فروپاشی اقتصاد کشاورزی و روستایی در چند دهه منجر شده است. حقیقتیان (۱۳۹۱) در تحقیقی به این نتیجه رسیده است که شهرنشینی روی اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی افراد، تأثیر منفی معنی داری داشته است ولی روی گسترش معیارهای عام‌گرایانه، احساس بی‌کنترلی و داشتن روابط و اتکاء روی خانواده و اقوام تأثیر چندانی نداشته است. نتایج تحقیق ذوالفقاری (۱۳۹۱) نشان می‌دهد که بین دو متغیر نحوه مصرف‌گرایی افراد و میزان درآمد ماهانه آنها در سطح بالایی همبستگی وجود دارد. هم‌چنین نتایج حاصل از پژوهش صادقی قمشلو (۱۳۹۲) نشان داد که فرایند تبدیل روستا به شهر در شهرستان‌های جنوبی استان اصفهان (شهرضا، دهقان و مبارکه) دارای پیامدهای کاهش انسجام اجتماعی مردم، تغییر کاربری اراضی و تخریب آنها بوده است. ارزیابی تحقیقات صورت گرفته در این حوزه (تبدیل روستا به شهر و تأثیرات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن در منطقه) نشان می‌دهد که اکثر تحقیقات انجام گرفته به بررسی تأثیرات محیطی و شکلی و تحقیقات اندکی نیز به مطالعه اثرات اقتصادی و اجتماعی این فرایند در مناطق مورد مطالعه پرداخته‌اند.

فرضیه‌های پژوهش

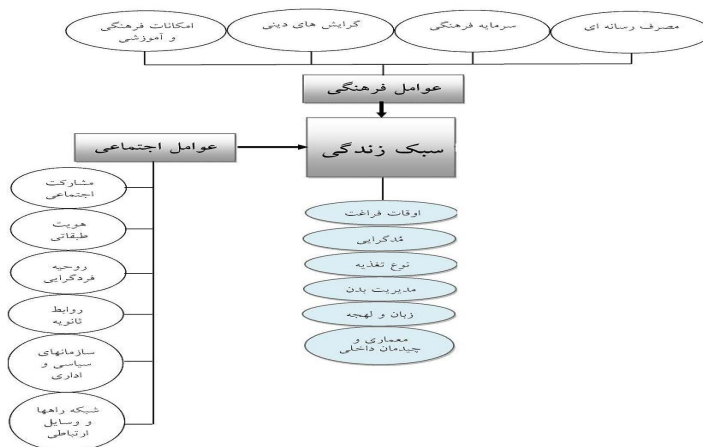
فرضیه‌های پژوهش حاضر عبارتند از:

۱. بین مشارکت اجتماعی و سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر رابطه وجود دارد.
۲. بین ایجاد سازمان‌های سیاسی و اداری و سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر رابطه وجود دارد.
۳. بین شبکه راه‌ها و وسایل ارتباطی و سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر رابطه وجود دارد.
۴. بین روحیه فردگرایی و سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر رابطه

- وجود دارد.
۵. بین ایجاد طبقات اجتماعی و سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر رابطه وجود دارد.
 ۶. بین روابط غیرمستقیم و ثانویه و سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر رابطه وجود دارد.
 ۷. بین امکانات فرهنگی و آموزشی و سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر رابطه وجود دارد.
 ۸. بین مصرف رسانه‌ای و سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر رابطه وجود دارد.
 ۹. بین سرمایه فرهنگی و سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر رابطه وجود دارد.
 ۱۰. بین گرایش‌های دینی و سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر رابطه وجود دارد.

الگوی مفهومی پژوهش

در این مقاله، بر مبنای شاخص‌های احصاء شده از نظریات مختلف، الگوی مفهومی زیر ترسیم شده است.



شکل ۱) الگوی مفهومی پژوهش منبع: بررسی‌های نظری تحقیق (۱۳۹۴)

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی بوده و در آن از روش‌های اسنادی^۱ و پیمایشی^۲ بهره‌برداری و ضمن به‌کارگیری مصاحبه از پرسش‌نامه محقق‌ساخته جهت سنجش متغیرهای مستقل و نیز متغیر وابسته استفاده شده است. جامعه آماری عبارت است از مراکزی که در شهرستان‌های خواف و رُشتخوار واقع در استان خراسان رضوی از مناطق روستایی به شهر تبدیل شده‌اند. طبق اطلاعات موجود، در شهرستان‌های مورد مطالعه تعداد (سه) مرکز روستایی به اسامی نشتیفان و سلامی (در شهرستان خواف) و جنگل (در شهرستان رُشتخوار) به مناطق شهری تبدیل شده‌اند، که در این تحقیق، سه شهر جدید مذکور مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. طبق اطلاعات منتشره از سوی مرکز آمار ایران، در سرشماری سال ۱۳۹۰، سه شهر جامعه آماری این تحقیق، در مجموع جمعیتی برابر با ۲۰۴۹۷ نفر داشته‌اند. با نگرش به جامعه آماری، حجم نمونه این تحقیق تعدادی از ساکنین شهرهای نشتیفان، سلامی و جنگل بوده، که بر اساس نتایج به‌دست آمده از فرمول نمونه‌گیری کوکران^۳ برابر با ۳۳۷ نفر است. سپس به شیوه سهمیه‌ای (اختصاص متناسب)، در میان شهرهای جامعه آماری تقسیم شده است.

1. Documentary Method
2. Survey
3. Cochran

جدول ۳) تعداد جامعه آماری و نمونه آماری تحقیق به شیوه اختصاص متناسب

جامعه نمونه آماری	تعداد جمعیت (نفر)	تعداد نمونه (نفر)
شهر نشتیفان	۷۴۲۶	۱۲۲
شهر سلامی	۶۵۸۱	۱۰۸
شهر جنگل	۶۴۹۰	۱۰۷
جمع	۲۰۴۹۷	۳۳۷

منبع: بررسی های کتابخانه ای محققین (۱۳۹۳)

یافته های پژوهش

یافته های توصیفی

از مجموع افراد مورد مطالعه ۵۶/۶ درصد مرد و ۴۳/۴ درصد نیز زن بوده اند. همچنین ۴۳/۳ درصد در محدوده سنی ۱۹ تا ۲۹ سال، ۲۷/۷ درصد در محدوده ۳۰ تا ۳۹ سال، ۱۷/۳ درصد در محدوده ۴۰ تا ۴۹ سال، ۹/۲ درصد در محدوده ۵۰ تا ۵۹ سال و ۲/۵ درصد نیز در محدوده سنی ۶۰ سال به بالا بوده اند. ۷۴/۶ درصد متأهل و ۲۵/۴ درصد نیز مجرد بوده اند. جدول ۴ اطلاعات توصیفی جامعه نمونه پژوهش را به تفکیک جنسیت، وضعیت تأهل، سن، وضعیت تحصیلات و نوع شغل نشان می دهد.

جدول ۴) وضعیت جامعه نمونه پژوهش بر حسب اطلاعات توصیفی

درصد	اطلاعات توصیفی	
۵۶/۶	مرد	جنسیت
۳۴/۴	زن	
۷۴/۶	متأهل	تأهل
۲۵/۴	مجرد	
۴۳/۳	۱۹-۲۹	سن
۲۷/۷	۳۰-۳۹	
۱۷/۳	۴۰-۴۹	
۹/۲	۵۰-۵۹	
۲/۵	۶۰ سال به بالا	
۲۹/۶	ابتدایی	تحصیلات
۲۰/۴	سیکل	
۱۹/۹	دیپلم	
۱۷/۷	کارشناسی	

۱۹/۳	کشاورز	شغل
۲۸	شغل آزاد	
۱۶/۵	دانشجو	
۱۹/۶	خانه دار	

منبع: نتایج تحقیق (۱۳۹۴)

مقایسه توصیفی متغیرهای تحقیق بین جامعه نمونه شهری

همان طور که در جدول ۵ مشاهده می شود، تفاوت میانگین چشم گیری بین شهرهای مورد مطالعه در متغیر وابسته و متغیرهای مستقل تحقیق دیده نمی شود. میانگین متغیر عوامل فرهنگی در شهرهای مورد مطالعه به نسبت سایر متغیرها در سطح بالاتری قرار دارد.

جدول ۵) مقایسه مقادیر شاخص های مرکزی متغیرهای وابسته و مستقل تحقیق

به تفکیک جامعه نمونه شهری

متغیرهای مستقل		متغیر وابسته	سبک زندگی	
	عوامل فرهنگی	عوامل اجتماعی		
۵۸/۸	۵۱/۱	۴۵/۶	میانگین	نشتیفان
۱۲/۸	۱۲/۷	۱۵/۹	انحراف معیار	
۵۹/۱	۵۰/۷	۴۷/۱	میان	
۵۲/۸	۴۸/۲	۴۴/۳	میانگین	سلامی
۱۷/۱	۱۳/۲	۱۴/۷	انحراف معیار	
۵۲/۶	۴۵/۸	۴۳/۵	میان	
۵۶	۵۱/۱	۴۳/۲	میانگین	جنگل
۱۲/۲	۱۱/۳	۱۲/۷	انحراف معیار	
۵۶/۳	۵۲/۱	۴۳/۱	میان	
۵۶	۵۰/۱	۴۴/۴	میانگین کل	
۱۴/۷	۱۲/۵	۱۴/۴	انحراف معیار کل	
۵۶/۲	۴۹/۳	۴۴/۶	میان کل	

منبع: نتایج تحقیق

یافته های استنباطی

با توجه به این که هر یک از متغیرهای تحقیق با چند شاخص و هر کدام از شاخص ها نیز با چند سؤال مورد سنجش قرار گرفته اند، بنابراین می توان از ضریب همبستگی پیرسون برای آزمون فرضیه ها استفاده نمود. آزمون همبستگی پیرسون بین فرضیه های تحقیق (جدول ۶) نشان می دهد که وجود ارتباط معنادار بین اکثر فرضیه های فرعی مورد بررسی، به جزء یک فرضیه گرایش های دینی با متغیر وابسته (سبک زندگی) با سطح معناداری ۰/۰۰۰ تأیید شده است. بنابراین می توان بیان نمود که بین مشارکت اجتماعی، سازمان های سیاسی و اداری، شبکه راه ها و وسایل ارتباطی، روحیه فردگرایی، هویت طبقاتی، روابط غیرمستقیم و ثانویه، امکانات فرهنگی و آموزشی، مصرف رسانه ای، سرمایه فرهنگی، مصرف گرایی و سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر، ارتباط معناداری وجود دارد.

جدول ۶) آزمون متغیرهای مستقل پژوهش

عوامل	متغیر وابسته: سبک زندگی		
	مقدار	معناداری	آزمون فرضیه
عوامل اجتماعی	۰/۲۲۶	۰/۰۰۰	تأیید
	۰/۲۳۴	۰/۰۰۰	تأیید
	۰/۲۹۷	۰/۰۰۰	تأیید
	۰/۳۶۷	۰/۰۰۰	تأیید
	۰/۱۹۰	۰/۰۰۰	تأیید
	۰/۳۰۴	۰/۰۰۰	تأیید
عوامل فرهنگی	۰/۳۲۶	۰/۰۰۰	تأیید
	۰/۴۶۳	۰/۰۰۰	تأیید
	۰/۲۷۹	۰/۰۰۰	تأیید
	۰/۰۸۱	۰/۱۳۹	عدم تأیید

منبع: نتایج تحقیق

تحلیل رگرسیون متغیرهای مستقل تحقیق و سنجش میزان تأثیر آنها بر متغیر وابسته

نشان می دهد که: الف) بین هر دو عامل فرهنگی و اجتماعی و سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر رابطه معناداری وجود دارد. با بررسی ضریب بتا^۱ مربوط به این عوامل مشخص می شود که عوامل اجتماعی با بتای ۰/۲۶۶، بیشترین میزان تأثیر را بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر داشته است. پس از آن عوامل فرهنگی با مقدار ۰/۱۹۳، در رتبه دوم قرار دارد. ب) در تحلیل رگرسیون با استفاده از روش گام به گام^۲، تنها چهار متغیر مستقل مصرف رسانه ای، روحیه فردگرایی، مشارکت اجتماعی و روابط غیرمستقیم و ثانویه که دارای بیشترین تأثیر بر سبک زندگی بوده، وارد الگوی شده اند. با بررسی ضریب بتا مربوط به این عوامل مشخص می شود که متغیر مصرف رسانه ای با بتای ۰/۲۹۵، بیشترین میزان تأثیر را بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر داشته است. پس از آن متغیرهای روحیه فردگرایی با مقدار ۰/۲۱۵، مشارکت اجتماعی با مقدار ۰/۱۱۲ و روابط غیرمستقیم و ثانویه با مقدار ۰/۰۹۷، در رتبه های دوم به بعد قرار دارند. ج) تحلیل رگرسیون ده متغیر مستقل تحقیق با استفاده از روش همزمان^۳، میزان تأثیر هر یک را بر متغیر وابسته سبک زندگی، به شرح جدول ۷ نشان می دهد:

جدول ۷) آزمون رگرسیون ده متغیر مستقل تحقیق

سطح معناداری	ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد نشده		متغیرهای مستقل	عوامل
	Beta	خطای استاندارد	B		

1. Beta
2. Stepwise
3. Enter

اجتماعی	مشارکت اجتماعی	۰۰۷۵	۰۰۳۳	۰۰۱۱۶	۰۰۰۲۳
	سازمان های سیاسی و اداری	۰۰۰۸	۰۰۳۰	۰۰۱۳	۰۰۷۹۸
	شبکه راه ها و وسایل ارتباطی	۰۰۲۲	۰۰۳۵	۰۰۳۰	۰۰۵۳۸
	روحیه فردگرایی	۰۰۱۷۹	۰۰۳۸	۰۰۲۱۸	۰۰۰۰
	ایجاد طبقات اجتماعی	-۰۰۰۴	۰۰۳۰	-۰۰۰۶	۰۰۸۹۹
	روابط غیرمستقیم و ثانویه	۰۰۵۰	۰۰۲۹	۰۰۸۳	۰۰۸۴
فرهنگی	امکانات فرهنگی و آموزشی	۰۰۱۴	۰۰۳۸	۰۰۱۹	۰۰۷۱۶
	مصرف رسانه ای	۰۰۲۳۳	۰۰۴۳	۰۰۲۷۶	۰۰۰۰
	گرایش های دینی	-۰۰۲۰	۰۰۳۱	-۰۰۳۲	۰۰۵۰۸
	سرمایه فرهنگی	۰۰۲۲	۰۰۲۶	۰۰۴۳	۰۰۳۹۳

منبع: نتایج تحقیق

نتیجه

با توجه به شتاب تحولات فرهنگی و اجتماعی و روند رو به رشد شهرنشینی در سطح جهان و اهمیت مسأله سبک زندگی در نظام سکونتگاهی شهری، این پژوهش در صدد شناسایی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر بوده است. بر اساس نظریات موجود در ادبیات جامعه شناسی شهری و روستایی، پس از تبدیل یک روستا به شهر و ورود آن منطقه به عرصه شهرنشینی، پیامدها و عوارض ناشی از این تغییر و تحول خود را در قالب عوامل مختلفی از جمله عوامل فرهنگی و اجتماعی نشان می دهند. بر همین مبنا، مجموع این عوامل بر سبک زندگی، ساکنان این نواحی اثرگذار بوده و بین آنها رابطه معناداری وجود دارد. در متغیر وابسته سبک زندگی، تفاوت میانگین چندانی بین شهرهای مورد مطالعه مشاهده نشده است. میانگین سبک زندگی در نشتیفان (۴۵/۶) به نسبت میانگین کل (۴۴/۴) مقدار بالاتری را نشان می دهد. اما در شهرهای سلامی (۴۴/۳) و جنگل (۴۳/۲) میزان پایین تری نسبت به میانگین کل دیده می شود. در متغیر عوامل اجتماعی، تفاوت میانگین چندانی بین شهرهای مورد مطالعه مشاهده نشد. میانگین عوامل اجتماعی

در نشتیفان (۵۱/۱) و جنگل (۵۱/۱) به نسبت میانگین کل (۵۰/۱) مقدار بالاتری را نشان می دهد. اما در شهر سلامی (۴۸/۲) میزان پایین تری نسبت به میانگین کل دیده می شود. لذا می توان نتیجه گیری نمود که عوامل اجتماعی مورد بررسی در شهرهای نشتیفان و جنگل در مقایسه با سلامی، تأثیر بیشتری بر سبک زندگی افراد داشته اند. در متغیر عوامل فرهنگی تفاوت میانگین قابل ملاحظه ای بین شهرهای مورد مطالعه دیده می شود. میانگین عوامل فرهنگی، در نشتیفان (۵۸/۸) به نسبت میانگین کل (۵۶) مقدار بالاتری و در جنگل (۵۶) مقدار مساوی را نشان می دهد. اما در شهر سلامی (۵۲/۸) میزان پایین تری نسبت به میانگین کل دیده می شود. لذا می توان نتیجه گیری نمود که عوامل فرهنگی مورد بررسی در شهرهای نشتیفان و جنگل در مقایسه با سلامی، تأثیر بیشتری بر تحولات شاخص های سبک زندگی افراد داشته اند. بین هر دو عامل فرهنگی و اجتماعی و سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر، رابطه معناداری وجود دارد. با بررسی ضریب بتا مربوط به این عوامل مشخص می شود که عوامل اجتماعی با بتای ۰/۲۶۶، بیشترین میزان تأثیر را بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر داشته است و عوامل فرهنگی با مقدار ۰/۱۹۳، در رتبه بعدی قرار دارد. در مجموع، بیشتر تغییرات شاخص های سبک زندگی در شهرهای نشتیفان و سلامی متأثر از عوامل فرهنگی و در شهر جنگل، ناشی از عوامل اجتماعی بوده اند. با ورود فناوری، تغییرات بنیادینی در زندگی، احساس، تفکر، شیوه زیست و فرهنگ انسان امروزی پدید آمده است. افزایش مصرف رسانه ای در قالب مطبوعات، تلویزیون، اینترنت، ماهواره، کتاب، ویدئو و ... امروزه بخش جدایی ناپذیر از زندگی روزمره را شامل می شوند. فعالیت رسانه و رادیو و گسترش جاده ها که منجر به توسعه ارتباط با شهرها و نواحی اطراف شدند را می توان از نخستین تغییرات در الگو یا کسب ارتباطی روستاهای تبدیل شده به شهر دانست. رادیو و تلویزیون با تولید و پخش پیام های متناسب با فرهنگ شهری، به اطلاع رسانی در خصوص سبک زندگی شهری برای روستاهای شهر شده می پردازند. جاده های آسفالت شده همراه با گسترش کاربرد اتومبیل های شخصی و عمومی در سطح این نواحی، فرصت مراجعه بیشتر و ارتباطات رو در رو و چهره به

چهره بیشتری برای ساکنان با شهرهای اطراف را فراهم ساختند. روستاهای تبدیل شده به شهر در ایران به دلیل بهره‌مندی از بخشی از دستاوردهای فناوری دنیای نوین و به سبب برخورداری از تسهیلات ارتباطی نسبتاً مناسب، در دوره‌ای از تاریخ تحول فرهنگی - اجتماعی خود قرار گرفته‌اند که حرکتی نسبتاً گسترده از سبک زندگی سنتی به سمت سبک زندگی نوین را تجربه می‌کنند. این حرکت و تغییر را می‌توان حاصل عوامل فرهنگی و اجتماعی دانست که مهم‌ترین آنها ورود امکانات نوین و در رأس آنها برخورداری از زیرساخت‌های ارتباطی است. هم‌چنین در دوره نوین و معاصر سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان دولت و شهرداری‌ها در زمینه فضاهای شهری، خانه‌سازی و تولید انبوه، نقش مؤثری در چگونگی فرهنگ خانه معاصر داشته و دارد. این وضعیت سبب شده تا بتوان قضاوت کرد که سبک زندگی شهری در برخی جهات، به این مناطق نیز رسوخ کرده است. تغییراتی که علاوه بر الگوی مصرف، در ساختارهایی هم‌چون همبستگی، نوآوری، فردگرایی، روحیه تعاون و به طور کل در سبک زندگی روستاهای تبدیل شده به شهر بوجود آمده است. این تغییرات در روستاهای شهر شده نسبت به مناطق دیگر از شتاب بیشتری برخوردار بوده است، به طوری که می‌توان از آن به عنوان پدیده "شهری شدن سبک زندگی در روستاها" نام برد.

منابع

- ابن خلدون، عبدالرحمان (۱۳۷۳). مقدمه/ابن خلدون. ترجمه محمد پروین گنابادی. تهران: علمی و فرهنگی.
- ایزدی خرامه، حسن (۱۳۸۰). "تبدیل روستا به شهر و نقش آن در توسعه روستایی، مورد مطالعه: استان فارس". رساله دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- باکاک، رابرت (۱۳۸۱). مصرف. ترجمه خسرو صبری. تهران: شیرازه.
- پورافکاری، نصرت‌الله؛ کلانتری، صمد؛ نقدی، اسدالله (۱۳۸۱). "توسعه شهرنشینی و پیامدهای آن (با تکیه بر مورد ایران)". فصلنامه جمعیت، سال دهم، ش ۳۹ و ۴۰ (بهار

و تابستان: ۱ - ۳۴.

- پورهمرنگ، نسرين (۱۳۸۷). "بررسی رفتارهای اجتماعی افراد در محیط شهری نو، مطالعه موردی: بلوار گلزار رشت". پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه پیام نور تهران.

- چلبی، مسعود (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی نظم*. تهران: نشر نی.

- حقیقتیان، منصور (۱۳۹۱). "بررسی تأثیر شهرنشینی بر روابط اجتماعی در شهر بوشهر (آزمون نظریه لوئیس ویرث)". *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، دوره سوم، ش ۸ (بهار): ۳۹ - ۵۰.

- ذوالفقاری، مریم (۱۳۹۱). "بررسی تأثیر عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بر سبک زندگی و الگوی مصرف افراد، مطالعه موردی: مناطق شمال، مرکز و جنوب شهر تهران". پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

- صادقی قمشلو، فرزانه (۱۳۹۲). "ارزیابی و تحلیل پیامدهای تبدیل روستا به شهر، مطالعه موردی: شهرستان‌های جنوبی استان اصفهان". پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اصفهان.

- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۶۹). "انسان و شهرنشینی". *نامه‌ی علوم اجتماعی*، دوره جدید، جلد دوم، ش ۱، مسلسل ۴ (زمستان): ۱۹۸ - ۲۲۶.

- ضیاء توانا، محمدحسن؛ امیرانتخابی، شهرام (۱۳۸۶). "روند تبدیل روستا به شهر و پیامدهای آن در شهرستان تالش". *فصلنامه جغرافیا و توسعه*، سال پنجم، ش ۱۰ (پاییز و زمستان): ۱۰۷ - ۱۲۸.

- علیمردانی، مسعود (۱۳۸۵). "سیر تحول پدیده شهرنشینی و ویژگی‌های اجتماعی شهرنشینان در اندیشه ابن خلدون". *فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)*، سال شانزدهم، ش ۵۹ (تابستان): ۹۷ - ۱۲۲.

- فاضلی، محمد (۱۳۸۲). *مصرف و سبک زندگی*. قم: صبح صادق.

- کیویستو، پیتر (۱۳۸۰). *اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر

صبوری. تهران: نشر نی.

- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.

- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). *سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن کل کشور*. تهران: مرکز آمار ایران.

- مهاجرانی، علی اصغر؛ حقیقتیان، منصور؛ یوسف نیا، مهدی (۱۳۹۴). "بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر، مورد مطالعه: شهرستان‌های خواف و رُشتخوار در استان خراسان رضوی". رساله دکترای جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان.

- مهدوی کنی، محمدسعید (۱۳۸۷). "مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی". *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، سال اول، ش ۱ (بهار): ۱۹۹-۲۳۰.

- نوابخش، مهرداد، فتحی، سروش (۱۳۸۹). "رشد و توسعه شهرنشینی در ایران با تأکید بر فعالیت‌های اجتماعی-اقتصادی". در: *مجموعه مقالات اولین همایش مدیریت و برنامه‌ریزی شهری*. گردآورنده مرکز تحقیقات استراتژیک. تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام: ۹۵-۱۲۲.

- وبر، ماکس (۱۳۷۴). *اقتصاد و جامعه*. ترجمه منوچهر ترابی نژاد و رضا عمادزاده. تهران: مولی.

- Bourdieu, P. (1984). *Distinction: A social critique of the Judgment of taste*. London: Routledge.

- Chaney, D. (1996). *Lifestyle*. London: Routledge.

- Dempsey, k. (1990). *Small town: Astady of social inequality, Cohesion and Belonging*. Melbourn: Oxford university press.

- Omoja, L. O. (1987). *The Role of Small Towns in Rural Development in BornoSatte, Nigeria*. London: London University.

- Pumain, D. (2006). *The Urbanization presses, in Demography*:

analysis and synthesis: a treatise in population studies, Vol. 2. London: Academic Press.

- Rezvani, M. R. & et al. (2009). "The Role and Function of Small Towns in Rural Development Using Network Analysis Method; Case: Roniz Rural District (Estahban city, province Fars, Iran)". Journal of Geography and Regional Planning, Vol. 2, No. 9: 214-223.
- Todaro, M. (2005). Urbanization and Rural-Urban Migration: Theory and Policy. London: Oxford university press.
- United Nation Development Program (UNDP) (2012). Human Development Index Report (HDI). New York: United Nation.
- Wei, R. (2006). "Lifestyle and new media: Adaption use of wireless communication technologies in china". New media society, Vol. 6, No. 6: 991-1008.
- Wilson, T. (1993). "Urbanism and kinship Bonds: A test of four generalizations". Social force, Vol. 71, No. 3: 703-712.

**The Concordance of Cause-Consequence in
Prioritizing Academic Education among the Youth of Gonabad ¹**

Maryam Eskafi ²

Hamid Masoudi ³

Abstract

The goal of the present study is prioritization of the role and function of academic education in Gonabad, based on a combination of cause-consequence Analysis and Parsons' AGIL. It is a survey research, and for data collection, a questionnaire was designed by using Osgood's Scale. The respondents were asked to rate higher education functions based on the stimulus "university graduate." The questionnaire was completed by 471 young participants from the city of Gonabad, Iran. The results show that the higher education functions were rated as "average" and that all the respondents gave priority to social (better social status), cultural (knowledge, creativity and open mindedness) and economic (future work opportunities, adequate income and social efficiency) functions.

Keywords: University, Higher Education Functions, Parsons'AGIL scheme

1. This research has benefited from the financial support of the Islamic Azad University, Gonabad

2. Assistant professor, Islamic Azad University, Gonabad, meskafi@yahoo.com

3. Ph.D. student, Ferdowsi University of Mashhad, massoudihamid@gmail.com

A Hermeneutical Study of the Concept of Political Power in Machiavelli's The Prince and Nizari's Adab Nameh

Moslem Khosravi Zargaz ¹

Somayye Hamidi ²

Leila Baraki ³

Abstract

Adab Nameh and The Prince can be considered as two literary works in which some advices are given to the king by philosophers away from the scope of power. The first one is written by a literary figure, Nizari Ghuhistani, excluded from the court of Kartids during Mongolian Era in Iran and the second by an Italian philosopher, Machiavelli who faced the wrath of the Byzantine political system. It is important to note that although these books were written in different times and climates, political isolation, annoyance with those in power and ambition to return to the power were of major concerns to their writers, causing them to adopt a similar attitude towards the field of politics. This article is an attempt to analyze attitudes to the concept of politics in Adab Nameh and The Prince based on Skinner's Hermeneutic method and with an emphasis on the impact of socio-political background on the emergence of the text.

Key Words: Nizari Ghuhistani, Niccolò Machiavelli, Adab Nameh, The Prince, Skinner's Hermeneutics, Politics.

1. Faculty member of political sciences at the University of Birjand, corresponding author. moslem.khosravy@birjand.ac.ir

2. Assistant professor of political sciences at the University of Birjand. somaye.haimidi@birjand.ac.ir

3. A graduate in political sciences. leilabaraki@yahoo.com

A Sociological Analysis of Cultural Capital Indices and Factors Affecting Them:

A Case Study on Female Students of Payam Noor and Islamic Azad Universities, Qaen

Mohammad Hassan Sharbatian¹

Zahra Eskandari²

Abstract

Cultural capital is the individual's power of identification and his/her ability to use cultural goods and includes the individuals' sustained tendencies developed based on three subjective, objective and institutionalized dimensions and during the process of socialization. The aim of the present study is to assess the extent to which the students of Payam Noor and Islamic Azad Universities benefit from cultural capital and its components. More specifically, the paper intends to sociologically analyze the effects of leisure time, use of cell phones, consumerism, fashion involvement, body type, and music on the cultural capital among these students. The theoretical framework is a hybrid approach derived from Bourdieu, Bennett and Veblen. The sample of the study is comprised of 322 female students of Payam Noor and Azad Universities of Qaen who have been selected by stratified cluster sampling. The method of data collection is a self-designed questionnaire. The questions were checked for their reliability, and Cronbach's alpha was 0.75%. SPSS 22 and inferential (factor analysis, regression and route analysis) and descriptive statistics were used to analyze the data. The findings indicate that there is a relationship between independent variables (leisure time, use of cell phone, consumerism, fashion involvement, body type, and music) and the dependent variable (the cultural capital). The findings of

1. Corresponding author, Faculty member of the Sociology department of Payam Noor University, sharbatian@pnu.ac.ir .

2. M.A in Sociology Payam Noor University, zahraeskandari.eskandari3@gmail.com

the study indicate that the students highly benefited from cultural capital (51.24). Based on the stepwise regression, the most important factor influencing the students' cultural capital was the use of cell phones with 0.309 Beta coefficient. The cultural capital predictor equation can explain 75.6 % of the variance of the dependent variable.

Keywords: Leisure time, Life style, Cultural Capital, Fashion, Consumption

**A Documentary Study of Hardengi Family's Role and their Services
Offered in Superintending Dehik - Tomb (Mazar-E-dehik) and its
Affairs**

Kamal Ghous ¹

Salem Hosseinzadeh ²

Hamideh Jalili ³

Abstract

History of dedication and trustee appointment for endowments and managing holy places and sacred shrines in Iran goes back to pre-Safavid times. To protect and take care of the endowed properties, there is a need for administrators and trustees to superintend such affairs. The duties of a trustee include, dealing with property expenses and the proper use based on the will and intentions of the founders and the sustainability of the case of endowment. Seydolphosein Tomb in Arabkhaneh is one of the Shrines to which the Khozeimeh Alam Family (one of the influential families in Qayen area) has dedicated properties. This family has, then, handed over the trusteeship of these properties to Hardengi Family. The present paper examines the correspondences related to the records of the Hardengi Family and the services they offered to these endowments. The findings reveal people's beliefs, information about the tomb's repair, maintenance expenses and the local authorities' interest and attention to Mazar Dehek and issues revolving around its trusteeship.

Keywords: Mazar-e-Dehik, Qayenat, Hardengi Family, Alam Khozeimeh Family.

1. MSc in Agricultural Extension and Education, corresponding author, Kamal. ghous@yahoo.com

2. The director of the Documents of Astan Quds Razavi, salem_hosseinzadeh@yahoo.com

3. Management of Educational (MA)

Compliance of Architecture with Climate Conditions : the Case of Mashhad's Cold and Arid Climate

Saeid Kamyabi ¹

Neda Mirzaei ²

Abstract

Since the beginning of time, man has been affected by climate. The first humans built shelters and lived in caves to protect themselves from the weather elements. With the help of new climate technology, many developing countries, including Iran, have made use of climate responsive architecture to keep humans comfortable.

Architecture and climate are two human-made and natural systems that closely affect each other, in such a way that examination of the impact of climatic elements and their feedbacks on architecture is unavoidable. In general, factors such as sunshine and the resulting temperature, humidity and the level of precipitation and different winds interfere in climatic issues and put an impact on humans' living environments. These elements can cause architectural limitations as well.

In this paper, the climate of Mashhad has been analyzed by means of climate diagrams and methods. To do so, the statistics of the Meteorological Organization in a period of 30 years (from 1984 to 2014) have been studied. Based on the results, Mashhad's climate is cold and arid. The paper draws on thermal comfort indices such as, Mahoney, Olgyay, etc. to study Mashhad's climatic conditions and consequently investigates proper solutions to achieve a higher compatibility of the climate and architecture and sustainable development in Mashhad. The results will contribute to the

1. Department of Architecture, Islamic Azad University, Semnan. saeidkamyabi@gmail.com

2. corresponding author, Department of Architecture, Islamic Azad University, Semnan, mirzaie.neda@gmail.com

design, the buildings' type of placement, selection of the type of building materials and architectural elements in constructing new buildings in this city.

Keywords: Climate, Climatic Methods, Architecture, Sustainable Development, Mashhad

A Study of Socio-cultural Factors Effective on the Lifestyle of the Residents' of Villages Converted to Cities in Khaf and Roshtkhar Counties Case study: Nashtifan, Salami and Jangal

Mahdi Yousefnia ¹

Ali Asfar Mohajerani ²

Mansour Haghighatian ³

Abstract

Under the influence of urbanization, various socio-cultural factors transform people's lifestyles. Lifestyle represents itself in leisure activities, clothing, nutrition, body management, architecture and interior design. This study aims to examine the impact of socio-cultural and economic factors on the lifestyle of the inhabitants of the villages converted to cities (Khaf and Roshtkhar Counties) in Khorasan Razavi Province. Theories of Ibn Khaldun, Weber, Veblen, Simmel, Bourdieu, Giddens and Cheney provide the theoretical framework of the paper, and the method of data collection is a questionnaire created by the researchers. The results show that there is a significant relationship between social and cultural factors and the lifestyle of the inhabitants of the above mentioned areas. Beta factor assessment reveals that social factors with a beta of 0.266 have the greatest effect on the lifestyle of the villages converted to cities and cultural factors with a beta of 0.193 are the next in importance. Overall, most changes in lifestyle in Nashtifan and Salami are caused by cultural factors, while in Jangal, these changes are due to social factors.

Keywords: Urbanization, Lifestyle, Media Consumption, Social Participation, Khaf, Roshtkhar.

1. Islamic Azad University, Dehaghan, corresponding author, myousefnia2004@yahoo.com

2. Islamic Azad University, Dehaghan, aliasghar.mohajerani@yahoo.com

3. Islamic Azad University, Dehaghan, Mansour_haghighatian@yahoo.com

Table of Content

The Concordance of Cause-Consequence in Prioritizing Academic Education among the Youth of Gonabad

Maryam Eskafi, Hamid Masoudi 7

A Hermeneutical Study of the Concept of Political Power in Machiavelli's The Prince and Nizari's Adab Nameh

Moslem Khosravi Zargaz, Somayye Hamidi, Leila Baraki 31

A Sociological Analysis of Cultural Capital Indices and Factors Affecting Them: A Case Study on Female Students of Payam Noor and Islamic Azad Universities, Qaen

Mohammad Hassan Sharbatian, Zahra Eskandari 57

A Documentary Study of Hardengi Family's Role and their Services Offered in Superintending Dehik - Tomb (Mazar-E-dehik) and its Affairs

Kamal Ghous, Salem Hosseinzadeh, Hamideh Jalili 85

Compliance of Architecture with Climate Conditions: the Case of Mashhad's Cold and Arid Climate

Saeid Kamyabi, Neda Mirzaei 119

A Study of Socio-cultural Factors Effective on the Lifestyle of the Residents' of Villages Converted to Cities in Khaf and Roshtkhar Counties, Case study: Nashtifan, Salami and Jangal

Mahdi Yousefnia, Ali Asfar Mohajerani, Mansour Haghighatian 143



Referees of This Period. (Alphabetical Order)

1. Ghasem Ahi/ Assistant Professor, Islamic Azad University, Birjand Unit
2. Mohammad Bagher Akhoundi/ Associate Professor, University of Birjand
3. Ahmad Bakhshi/ Assistant Professor, University of Birjand
4. Mohammad Ali Beidokhti/ Assistant Professor, University of Birjand
5. Mohammad Hassan Elahizadeh/ Associate Professor, University of Birjand
6. Mohammad Eskandari Sani/ Assistant Professor, University of Birjand
7. Abolfazl Hassanabadi/ The Manager of the Organization of Libraries, Museums, and Documents Center of Astane Qudse Razavi
8. Salem Hosseinzadeh/ The Director of the Organization of Libraries, Museums, and Documents Center of Astane Qudse Razavi
9. Mohammad Reza Majidi/ Associate Professor, University of Tehran
10. Javad Mikaniki/ Associate Professor, University of Birjand
11. Akbar Shayan Seresht/ Associate Professor, University of Birjand
12. Mofid Shateri/ Assistant Professor, University of Birjand
13. Hossein Shokouhifard/ Assistant Professor, University of Birjand



In The Name Of God

Khorasan Quarterly of Cultural and Social Studies

Serial: 38

ISBN 1735-8256

Vol. 10 Issue. 2. Winter 2016

Concessioner: General Office of Islamic Culture and Direction

Chairman: Mohebbi, Ahmad

Editor-in-chief: Alizadeh Birjandi, Zahra, PhD

Executive editor: Bahari, Abbasali

Executive manager: Zarang, Mahin

Editorial Board:

1. Habib Allah Abbasi/ Professor, Kharazmi University, Tehran
2. Habib Ahmadi/ Professor, Shiraz University
3. Mohammad Bagher Akhouni/ Assistant Professor, University of Birjand
4. Zahra Alizadeh Birjandi/ Associate Professor, University of Birjand
5. Bibi Aghdas Asghari/ Assistant Professor, Islamic Azad University, Gonabad
6. Mohammad Ali Beidokhti/ Assistant Professor, University of Birjand
7. Ahmad Kamyabi Mask/ Professor, University of Tehran
8. Mohammad Reza Majidi/ Associate Professor, University of Tehran
9. Javad Mikaniki/ Associate Professor, University of Birjand
10. Hadi Pour Shafei/ Associate Professor, University of Birjand
11. Mohammad Taghi Rashed Mohassel/ Professor, Institute for Humanities and Cultural Studies
12. Mofid Shateri/ Assistant Professor, University of Birjand

Editors: Nasrollahi, Seyyed Noorollah.

Translator and English Editor: Katayoun Zarei Toossi

Cover designer: Dastgerdi, Faezeh

Technical affairs and press: fekreBekr puplications.

Circulation: 1000

Price: 20000 rials

Address: South Khorasan, Birjand, Shahid Mahallati Av. General Office of Culture and Direction,
Research Society Office **Tel:** 056 – 32323393 **Fax:** 056 – 32323277

Email: Daftarehnashriyeh@yahoo.com

The ideas mentioned in this issue declare the view of this quarterly. The authors are responsible for the ideas mentioned in their writing, and translators are responsible for their translations. Materials sent to the quarterly for publication are not sent back if not appropriate. This quarterly has the right to edit or delete some material.

اینجانب نماینده مرکز/ مؤسسه/ دانشگاه مبلغ
ریال طی فیش شماره به حساب ۰۳۴۸۷۶۴۳۰۷۰۰۱
بانک ملی - شعبه غدیر - توحید به نام‌های سید حسین کاظمی و سید سعید طالبی مقدم
بابت اشتراک فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان از شماره
تا واریز نمودم.

نشانی پستی:

پست الکترونیکی:

تلفن تماس:

کدپستی:

حق اشتراک هر شماره: ۶۰۰۰۰ ریال

حق اشتراک سالانه با هزینه پست سفارشی: ۳۲۰۰۰۰ ریال

اشتراک ارسال چهار شماره فصلنامه به صورت الکترونیکی ۲۰۰۰۰ ریال می‌باشد.

نشانی دفتر فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان: خراسان جنوبی -

بیرجند - خیابان محلاتی - اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی

تلفن: ۰۵۶-۳۲۳۳۳۳۹۳-۴ دورنگار: ۰۵۶-۳۲۳۳۳۳۷۷

پست الکترونیکی: Daftarehnashriyeh@yahoo.com